

خدمات پژوهشی مهرگان در ایتا و تلگرام



دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان

دانشکده ادبیات

گروه علوم قرآن و حدیث

پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد

رشته‌ی علوم قرآن و حدیث

تحلیل روان‌شناختی پیشنهادهای ازدواج درسیره انبیاء الهی و

اهل بیت علیهم السلام

استاد راهنما

دکتر حسین کامیاب

اساتید مشاور

دکتر فرهاد زینلی بهزادان

دکتر سمیه حدادرنجبر

نگارنده

ابراهیم طاهری سروتمین

بهمن ماه ۱۳۹۶

خدمات پژوهشی مهرگان

مشاوره پایان نامه - پیشنهاد موضوع

منبع یابی تخصصی - ارسال متن کامل منابع

تبدیل pdf فارسی به word

☎ ۰۲۵ - ۳۳۳۶۵۹۶۵

۰۹۱۹۸۵۳۰۷۶۴ - ۰۹۳۶۲۱۳۸۱۵۶

✉ @ketabdar52

1

صفحه	عنوان
۱.....	فصل اول.....
۱.....	مقدمه.....
۱.....	۱-۱ طرح مسأله و اهمیت پژوهشی آن.....
۲.....	۲-۱ هدف‌های پژوهش.....
۳.....	۳-۱ مروری بر پژوهش‌های انجام شده.....
۵.....	۴-۱ روش انجام پژوهش.....
۷.....	فصل دوم.....
۷.....	کلیّات.....
۷.....	مقدمه.....
۸.....	۲-۱ اصطلاحات و مفاهیم.....
۸.....	۲-۲-۱ معنای لغوی و اصطلاحی ازدواج.....
۹.....	۲-۲-۱-۱ معنای لغوی و اصطلاحی نکاح.....
۱۱.....	۲-۲-۲ مفهوم لغوی پیشنهاد ازدواج.....
۱۲.....	۲-۲-۲ اهمیت و ضرورت نکاح.....
۱۴.....	۲-۲-۲-۱ علت اساسی تشریع ازدواج.....
۱۵.....	۲-۲-۲-۲ علل فرعی تشریع ازدواج.....
۱۷.....	۲-۳ اهمیت ازدواج از منظر اهل بیت علیهم السلام.....
۱۷.....	۲-۳-۱ کامل شدن دین.....
۱۷.....	۲-۳-۲ سنتی از پیامبر (ص).....
۱۸.....	۲-۳-۳ نصف عبادت.....
۱۸.....	۲-۳-۴ نگهداری دو، سوم دین.....
۱۸.....	۲-۳-۵ بهترین و بدترین امت.....
۱۹.....	۲-۳-۶ توسعه‌ی معیشت.....
۱۹.....	۲-۳-۷ تضمین یاری خداوند.....
۲۰.....	۲-۴ اهمیت و جایگاه ازدواج در یهودیت.....
۲۱.....	۲-۴-۱ نخستین فرمان الهی به آدم ابوالبشر.....

خدمات پژوهشی مهرگان در ایتا و تلگرام

ب

عنوان	صفحه
۲-۴-۲ تکامل انسان.....	۲۱
۳-۴-۲ همسر انسان خانه انسان.....	۲۱
۴-۴-۲ اتحاد ویکی شدن زن و مرد.....	۲۱
۵-۲ اهداف ازدواج از دیدگاه یهودیت.....	۲۱
۱-۵-۲ تشکیل خانواده.....	۲۲
۲-۵-۲ تولیدمثل.....	۲۲
۳-۵-۲ پرورش نسل پاک.....	۲۲
۴-۵-۲ ارضای نیازهای غریزی.....	۲۲
۶-۲ اهمیت و جایگاه ازدواج در مسیحیت.....	۲۳
۱-۶-۲ تقدیس ازدواج.....	۲۳
۲-۶-۲ ازدواج اتحادی دائم و ناگسستنی.....	۲۴
۳-۶-۲ مجرد عامل تقرب به خدا.....	۲۵
فصل سوم.....	۲۷
الگوهای پیشنهاد ازدواج در سیره انبیاء الهی و اهل بیت علیهم السلام.....	۲۷
مقدمه.....	۲۷
۱-۳ بررسی روش‌های پیشنهاد ازدواج.....	۲۸
۱-۱-۳ پیشنهاد الهی.....	۲۸
۲-۱-۳ پیشنهاد ازدواج از سوی مرد.....	۳۱
۳-۱-۳ واسطه‌گری.....	۳۷
۱-۳-۱ اهمیت وساطت در ازدواج از منظر اهل بیت علیهم السلام.....	۳۸
۲-۳-۱-۳ پیشنهاد از سوی پدر دختر.....	۴۲
۳-۳-۱-۳ پیشنهاد ازدواج به درخواست همسر اول.....	۴۷
۴-۱-۳ پیشنهاد از سوی زن.....	۴۸
۱-۴-۱-۳ زنان هبه‌ای.....	۵۰
فصل چهارم.....	۵۵
ظرافت‌های روان‌شناختی پیشنهاد ازدواج.....	۵۵
مقدمه.....	۵۵

خدمات پژوهشی مهرگان در ایتا و تلگرام

ج

عنوان	صفحه
بخش اول کلیات	۵۶
۴- روان‌شناختی ازدواج	۵۶
۴-۱- مفهوم روان‌شناختی ازدواج	۵۶
۴-۱-۱- اهمیت خانواده در روان‌شناسی	۵۷
۴-۲- نظریه‌های انتخاب همسر	۵۸
۴-۲-۱- نظریه مجاورت	۵۹
۴-۲-۲- نظریه فیلتر	۵۹
۴-۲-۳- نظریه زیست‌شناسی	۵۹
۴-۲-۴- نظریه همسان همسری	۵۹
۴-۲-۵- نظریه تبادل	۶۰
۴-۲-۶- نظریه تعادل	۶۰
۴-۲-۷- نظریه پرسونا	۶۱
۴-۲-۸- نظریه تبادل اجتماعی	۶۱
۴-۲-۹- نظریه توازن	۶۲
۴-۲-۱۰- نظریه همگونی (شبیه بودن)	۶۲
۴-۲-۱۱- نظریه عشق استر نبرگ	۶۲
۴-۳- اهمیت ازدواج از دیدگاه روان‌شناختی	۶۴
۴-۳-۱- مصاحبت و دوستی	۶۴
۴-۳-۲- عشق و صمیمیت	۶۴
۴-۳-۳- داشتن شریک حمایت‌کننده	۶۴
۴-۳-۴- داشتن شریک جنسی	۶۵
۴-۳-۵- نقش والدینی	۶۵
۴-۴- نظریه‌های روان‌کاوی در همسرگزینی	۶۵
۴-۴-۱- نظریه تصویری از والدین (نظریه ابژه)	۶۶
۴-۴-۲- نظریه نیازهای مکمل	۶۷
۴-۴-۳- نظریه تصور از همسر ایده‌آل	۶۸
۴-۴-۴- نظریه نیازهای ابزاری	۶۸
۴-۴-۵- نظریه برابری	۶۹

خدمات پژوهشی مهرگان در ایتا و تلگرام

۵

عنوان	صفحه
۴-۱۴ آسیب‌های ازدواج از طریق والدین (ازدواج اجباری).....	۸۷
فصل پنجم.....	۹۱
نتیجه‌گیری.....	۹۱
۵-۱- نتیجه‌گیری.....	۹۱
۵-۲- پیشنهادات.....	۹۴
منابع.....	۹۵

خدمات پژوهشی مهرگان در ایتا و تلگرام

فصل اول

مقدمه

۱-۱ طرح مسأله و اهمیت پژوهشی آن

یکی از مباحث مهم مسائل اجتماعی، آداب همسرگزینی است که به سان سایر پدیده های فرهنگی، در طول تاریخ فرهنگی هر سنت دستخوش تحولات بیشمار شده است و با تغییر شرایط و اوضاع، تغییر شکل داده است. ازدواج در فرهنگ اسلامی، از جمله سنت هایی است که هم در قرآن کریم و هم در سیره حضرت رسول(ص) و ائمه طاهرین(ع) بر آن تأکید شده است؛ چنانکه در آیه ۳ سوره نسا بر این امر مهم تأکید شده است: «فَأَنكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَنِّي وَثَلَاثَ وَرَبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا» این تأکید تا بدانجاست که سفارش شده است، اگر کسی مجرد است و نمی تواند با زنان آزاده ازدواج کند، با کنیزان ازدواج کند. «وَمَنْ لَّمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ فَتَيَاتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ» (قرآن، نساء: ۳۲)

اما یکی از مهمترین آداب ازدواج، پیشنهاد ازدواج است که عمده تغییرات ذکر شده از گذشته تا کنون مربوط به آن است. گرچه با نظر به آیات قرآنی و داستان های ازدواج انبیاء در قرآن، همواره از طرف مرد و با درخواست از پدر دختر و نیز از طرف زن به مرد انجام می شود. در سیره نبوی هم در تاریخ اسلام نقل شده است که درخصوص ازدواج حضرت خدیجه(س) با رسول اکرم(ص) درخواست از جانب خدیجه(س) آغازگردید (سبحانی، ۱۴۱۸: ۱۳۰) در داستان ازدواج حضرت موسی (ع) با دخترشعیب (ع) نیز چنین گفته می شود که یکی ازدختران شعیب(ع) تقاضای ازدواج باحضرت موسی(ع) را مطرح کرد و پدر را درخواستگاری از مرد مورد پسند خود، واسطه قرارداد؛ یا

درخصوص ازدواج حضرت علی (ع) با فاطمه (س) چنین گفته می شود که این ازدواج با پیشنهاد حضرت محمد (ص) به امام علی (ع) انجام شد. در مجموع می توان گفت که برمبنای تعالیم اسلام و سیره ائمه (ع) روش پیشنهاد عمدتاً به همین دو صورت بوده است. البته شاید بتوان با بررسی بیشتر، موارد دیگری را نیز مطرح کرد. از این رو باید گفت مسأله اصلی این پایان نامه در وهله اول، تحلیل روان شناختی پیشنهادهای ازدواج در سیره انبیاء الهی و اهل بیت (ع) بر مبنای قرآن و سیره اهل بیت علیهم السلام است. از آنجایی که قصص انبیاء در کتاب مقدس (عهد عتیق و عهد جدید) با قرآن کریم شباهت های فراوانی دارند و با تفصیل بیشتری به زندگی این بزرگان پرداخته شده، برآنیم که علاوه بر قرآن کریم، پیشنهاد ازدواج انبیاء را در پرتو تعالیم عهد عتیق و عهد جدید نیز از نظر بگذرانیم. از منظر تورات، ازدواج عملی است که با آن زن و مرد با یکدیگر تقدیس می شوند تا مقدس ترین اهداف زندگی را به کمک یک دیگر دنبال نمایند (بوجاری و پرچم، ۱۳۹۲: ۲۲). درآیین یهود، ازدواج و تشکیل خانواده از احکام مسلم دینی آنان محسوب می شود. همسرگرفتن و تشکیل خانواده یکی از اصلی ترین احکام شریعتی یهودیان بوده است. تورات تصمیم گیرنده اصلی درازدواج دختران را، پدر و برادر او می داند. درروایت ازدواج اسحاق (ع) فرزند ابراهیم (ع) آمده است مباشر ابراهیم برای خواستگاری از دختر بتوئیل، نزد او می رود و می گوید خداوند مرا به این جا هدایت کرده است؛ حالا اگر می خواهید به آقایم لطف کنید پاسختان را به من بگویید (سفرپیدایش، ۲۴: ۴۹) همچنین درباره ازدواج یعقوب (ع) با دختر لابان چنین آمده است که لابان بدون اینکه نظر دخترش را بپرسد، قول ازدواج او را به یعقوب (ع) می دهد (سفرپیدایش، ۲۹: ۱۹-۱۵) از آنجایی که امروزه علم بین رشته ای اهمیت زیادی پیدا کرده است، برآنیم ظرافت های روان شناختی الگوهای پیشنهاد دهنده ازدواج را در پرتو علم روان شناسی مورد تحلیل و بررسی قرار دهیم. این پایان نامه از نظر جغرافیایی، کشورهای اسلامی به ویژه جامعه ایران را در بر می گیرد.

۲-۱ هدف های پژوهش

ازدواج به عنوان یک امر ارزشی دارای جایگاهی اساسی در کلام الهی است. یکی از مسائل مهم در زندگی آدمی ازدواج می باشد. به طوری که آینده فرد در گروی آن قرار دارد بر همین اساس، دین مبین اسلام به این امر مقدس ارزش والایی داده است. یکی از مهمترین آداب ازدواج خواستگاری است؛ به گونه ای که خداوند در قرآن امامان و معصومین رابه عنوان الگو معرفی کرده است. هدف اصلی این پژوهش تحلیل روان شناختی پیشنهادهای ازدواج در سیره انبیاء الهی اهل

بیت (ع) بر مبنای قرآن و سیره اهل بیت علیهم السلام می باشد تا مورد استفاده کارشناسان رشته علوم قرآن و حدیث و پژوهشگران حوزه فرهنگ و تاریخ ادیان قرار گیرد.

فرضیه ها یا (و) پرسش های پژوهش

۱- چه الگوهایی در رابطه با پیشنهاد دهنده ازدواج در سیره انبیاء و اهل بیت (ع) وجود دارد؟

۲- در الگوهای مختلف پیشنهاد، چه ظرافت های روان شناختی مد نظر بوده است؟

۱-۳ مروری بر پژوهش های انجام شده

درباره موضوع پژوهش حاضر تحقیق جامع و کاملی صورت نگرفته است. اما درباره برخی از جنبه های ازدواج و سیره معصومین (ع) کتابها و مقالاتی نوشته شده است.

۱. پایان نامه: بررسی فقهی و حقوقی خواستگاری. مهدی اسلامی، دانشگاه مازندران (۱۳۹۳).
با توجه به اهمیت مسأله خواستگاری که زیر بنای پایداری ازدواج است و با عنایت به وجود برخی از مسائل در حیطه ی خواستگاری همچون ضرورت وجود خواستگاری به عنوان یکی از مقدمات عقد نکاح، در این پژوهش که در حد امکان به این مبحث از حیث فقهی و حقوقی پرداخته شده است.

۲. پایان نامه: ماهیت و آثار نامزدی در حقوق ایران، محمد صالح کرمشاهی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، دانشکده حقوق (۱۳۹۵)؛ در نکاح مرسوم است که مرد از زن دلخواه و مورد پسند خویش خواستگاری کند در صورت پذیرش تقاضا طرفین با یکدیگر نامزد می شوند.

۳. مقاله های همایش های ایران. تزویج فاطمه زهرا (س)، محمد روحانی علی آبادی (۱۳۷۶)؛ در این کتاب به خواستگارهای متعددی که حضرت فاطمه زهرا (س) داشته، اشاره شده است.

۴. لطفی، اسدالله. قربانی، فتح الله (۱۳۸۸) خواستگاری از دیدگاه فقه مذاهب اسلامی. دو فصلنامه بانوان شیعه، شماره ۲۰. ص ۶۵.

در خصوص ازدواج، مرسوم است که پیش از آن، مرد به خواستگاری زن می رود. یعنی از زنی درخواست ازدواج می کند. خواستگاری جایز و مشروع دارای شرایطی است که باتوجه به آن شرایط، احکام متعددی دارد. از طرفی، خواستگاری یا به طور صریح و روشن است و یا به طور تعریض و کنایه.

۵. پایان نامه: جلالی، سید احمد (۱۳۹۴). سیره ازدواج امامان شیعه (ع) پایان نامه- کارشناسی ارشد: دانشکده حقوق و علوم سیاسی. دانشگاه باقرالعلوم (ع).

ازدواج یکی از مسائل مهم در زندگی آدمی می باشد به طوری که آینده فرد در گرو آن قرار دارد. خداوند در قرآن انسان هایی (امامان شیعه (علیهم السلام)) را به عنوان الگو معرفی کرده است. تامل و در عمل به آن ها تأسی جویند.

در این نوشتار به سه سوال پاسخ داده می شود که امامان شیعه (ع) چگونه ازدواج می نمودند؟ و دلیل شان برای ازدواج چه بوده است؟ و در چه سنی به این امر مبادرت می ورزیدند؟

نازنین هنر پروران در پژوهشی که با عنوان رابطه سبک های همسرگزینی با کیفیت و پایداری ازدواج در دانشگاه های آزاد اسلامی استان فارس انجام داده است؛ نتایج نشان دادند که سبک های گوناگون همسرگزینی به گونه ای معنادار در گروه های گوناگون زوجین «راضی»، «ناراضی» در جستجوی درمان، و متقاضی طلاق متفاوت می باشد: در حالی بیش از ۸۹ درصد زوج های راضی از راه سبک خواستگاری و ازدواج با رضایت خود و خانواده ازدواج کرده بودند. بیش از ۴۸ درصد زوج های متقاضی طلاق یکی از دو سبک «خواستگاری و ازدواج اجباری» و «شیفتگی علیرغم مخالفت خانواده ها» ازدواج کرده بودند. و بیش از ۴۳ درصد زوج های در جستجوی درمان نیز یکی از دو سبک ازدواج «با انتخاب خود» ولی برای فرار از خانه و آشنایی و ازدواج اجباری را به عنوان سبک همسرگزینی خود گزارش کردند (مظاهری، ۲۰۰۹ نقل از هنر پروران، ۱۳۹۵: ۱۸)

هم چنین ظهیرالدین فاریابی در مقاله خود پیرامون بررسی و مقایسه سازگاری زناشویی، شادکامی، میل به طلاق در ازدواج های سنتی و غیر سنتی شهر یزد که به روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای انتخاب شدند، انجام داده بود، جهت گردآوری داده ها از پرسشنامه های سازگاری زناشویی لاک والاس، شادکامی آکسفورد و میل به طلاق زارعی استفاده کرده بود. نتایج نشان داد علیرغم تفاوت میانگین ها در شادکامی و سازگاری زناشویی بین زوجین با ازدواج سنتی و غیر سنتی (شادکامی بالاتر در ازدواج های غیر سنتی و سازگاری زناشویی بالاتر در ازدواج های سنتی) تفاوت معناداری بین آن ها وجود ندارد ولی در مورد متغیر میل به طلاق نتایج نشان داد به طور معناداری میل به طلاق در ازدواج های غیر سنتی بیشتر از سنتی می باشد. در سازگاری زناشویی زنان و مردانی که ازدواج غیر سنتی داشته اند تفاوت معناداری را نشان می دهد به طوری که میزان سازگاری در مردان با ازدواج غیر سنتی بیشتر است (فاریابی و زارع محمودآبادی، ۱۳۹۴: ۸۳)

سازگاری زناشویی را می توان به شکل فرایندی تعریف کرد که با پیامدهایی چون: دشواری در درک تفاوت های جنسی، اضطراب شخصی و بین فردی، رضایت مندی زناشویی هم آیند است. سازگاری زناشویی ضعیف اثر منفی بر کیفیت زندگی و کارکرد جنسی دارد.

شادکامی از موارد مهم روان شناسی مثبت گراست و مفهوم وسیعی است که تجربه هیجان های مطلوب، سطوح پایین هیجان های منفی و رضایت بالا از زندگی را در بر می گیرد.

شادکامی از سه بخش اساسی، عاطفی، شناختی و هیجانی تشکیل شده است به نظر آن‌ها شادکامی متضاد با افسردگی نیست، اما شرط عدم افسردگی برای شادکامی لازم است (همان: ۸۵)

مقصود از میل به طلاق، میزان تمایل و علاقه‌مندی زوجین به جدا شدن و گسستن روابط زناشویی طی مراحل قانونی است. این مفهوم دارای سه بعد شناختی، عاطفی و رفتاری است، که در بعد شناختی، تصورات فرد در مورد طلاق را در برمی‌گیرد و در بعد عاطفی شامل احساسات و عواطف مثبت و منفی فرد نسبت به طلاق است و سرانجام بعد رفتاری میزان آمادگی رفتاری فرد را جهت طلاق یا علیه آن در بر می‌گیرد (همان: ۸۴)

تحقیقات نشان می‌دهد که شیوه‌های همسرگزینی نقش مهمی در رضایت و روابط زناشویی دارد. مطالعه بلود (۱۹۶۷) نشان داد که بین دو انتخاب همسرگزینی سنتی و مدرن از لحاظ رضایت زناشویی تفاوت دیده می‌شود. او دریافت که رضایت زناشویی همسران با ازدواج سنتی در مقایسه با ازدواج مدرن بیشتر است و این افراد زندگی شادتری را تجربه کردند (رجبی و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۹)

در پژوهش‌هایی که مریم جواهر محمدی و سید محمد کلانتر کوشه و کیومرث فرحبخش و همچنین غلامرضا رجبی و شهلا اهواری انجام دادند، یافته‌های این پژوهشگران نشان داد که رضایت زناشویی در افرادی که به‌طور سنتی ازدواج کرده‌اند در وضعیت بهتری قرار دارد. آزادی بیشتری که انسان‌ها برای انتخاب همسر دارند باعث شده است که کمتر به‌طور سنتی ازدواج کنند. ولی این سؤال مطرح است که آیا انسان‌ها از این قدرت انتخابی که به دست آورده‌اند به بهترین شیوه مطلوب استفاده کرده و همسر مناسب خود را انتخاب می‌کنند و یا بدون شناخت و آگاهی همسر خود را انتخاب می‌کنند که این باعث می‌شود خانواده‌هایی با ساختارهای متزلزل ایجاد شود و باعث انواع معضلات اجتماعی مانند طلاق شود (کاپلان و مادوکس، ۲۰۰۲ نقل از سلیمی و کریمی، ۱۳۹۰)

۴-۱ روش انجام پژوهش

روش پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی-تطبیقی و مبتنی برگردآوری اطلاعات از طریق مطالعه کتابخانه‌ای می‌باشد؛ که با ارائه‌ی مطالب از کتاب‌های قرآن، تفاسیر، قصص‌الانبیاء، تورات و انجیل به تحلیل روان شناختی پیشنهادهای ازدواج در سیره انبیاء و اهل بیت (ع) خواهد پرداخت.

می‌پردازد در این فصل به مفهوم لغوی و اصطلاحی ازدواج، نکاح، پیشنهاد ازدواج (خواستگاری) اهمیت و ضرورت نکاح، علل اساسی تشریع ازدواج، علل فرعی تشریع ازدواج، اهمیت ازدواج از منظر اهل بیت علیهم السلام، اهمیت ازدواج از دیدگاه یهودیت و مسیحیت پرداخته شده است.

۲- اصطلاحات و مفاهیم

۲-۱- معنای لغوی و اصطلاحی ازدواج

ازدواج مصدر باب افتعال و حروف اصلی آن (زوج) است.

از نظر لغوی زوج به معنای جفت (در مقابل فرد) عبارت از دو چیز همراه و قرین است چه متمایل باشند مانند دو چشم و دو گوش و چه متضاد باشند مانند شب و روز همچنین در مواردی واژه زوج در معنای فرد به شرط داشتن قرین به کار رفته است (ابن منظور، ۱۴۱۳. ج ۶: ۶۰۷) بر این اساس هر یک از زن و شوهر زوج و به هردوی آن‌ها زوجین اطلاق می‌کنند چنان‌که در قرآن آمده است «وَ إِنَّهُ خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَ الْأُنثَى» (قرآن، نجم: ۴۵) به کار بردن زوج و زوجه (مذکر و مؤنث) برای زن صحیح است ولی قرآن در مورد زن همه‌جا زوج و ازواج به جای زوجه و زوجات به کار برده است (قرآن، بقره: ۳۵، ۱۰۲، ۲۳۴) (قرآن، احزاب: ۲۳، ۲۸، ۵۰، ۵۹...) هم چنین راغب می‌گوید: از آیه ۴۹ ذاریات به دست می‌آید که همه چیز جهان دارای زوج و قرین هستند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۸۵)

بنابراین با توجه به معنای زوج کلمه‌ی ازدواج مفهوم اقتران و اتحاد دو چیز را در بر خواهد داشت (فیومی، ۱۴۱۴. ج ۱: ۳۳۰)

ازدواج در لغت به معنای جفت شدن و جفت گرفتن و در اصطلاح علوم به معنای تنظیم دوبه‌دوی اشیا است (دهخدا، ۱۳۳۷ ذیل واژه ازدواج). و لغت «زواج» به معنای قرین و مقارن از یک جنس، اطلاق شده است «الزَّوْجُ يَدُلُّ عَلَى مَقَارَنَةِ شَيْءٍ لِشَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ» (ابن فارس، ۱۳۸۹. ج: ۴۷۵)

در فرهنگ معین ازدواج چنین تعریف شده است: ازدواج رابطه‌ای حقوقی است که برای همیشه یا مدتی معین، به وسیله عقد مخصوص بین زن و مرد حاصل شده است و به آن‌ها حق می‌دهد که از یکدیگر تمتع جنسی ببرند.

شهید مطهری می‌فرماید: ازدواج و زندگی زناشویی یک پدیده طبیعی قراردادی است.

ازدواج در عرف و شرع پیمان زناشویی است و بر اساس آن برای مرد و زن نسبت به یکدیگر تعهداتی اخلاقی و حقوقی پدید می‌آید که سرپیچی (از بسیاری) از آن‌ها عقوبت و کیفر را در بر خواهد داشت (مصطفوی، ۱۳۶۸. ج ۱۲: ۲۳۴)

در تعریف اصطلاحی ازدواج چنین آمده است ازدواج قراردادی است مبتنی بر قانون عرف شرع گفتار یا آیین خاص بین یک زن یا یک مرد برای ایجاد رابطه جنسی و معمولاً اساس خانواده فرزندزایی را تشکیل می‌دهد (شایان مهر، ۱۳۷۷: ۵۹)

با توجه به آنچه گفته شد ازدواج قراردادی رسمی برای پذیرش یک تعهد متقابل برای زندگی خانوادگی است که آدمی در سایه آن در خط سیر معین و شناخته‌شده‌ای قرار گرفته و با آن کامل می‌شود.

در قرآن کریم بیش از ۸۰ بار زوج و مشتقات آن به کار رفته است. هم‌چنین به نظر می‌رسد یکی از آیات قرآن کریم که بر تعریف ازدواج از نظر روان‌شناختی تأکید دارد آیه ۵۴ سوره فرقان می‌باشد.

بر طبق آیه ۵۴ سوره فرقان «فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا» توجه دادن افکار به خاصیت بسیار مهم عاطفی آدمی که نکته‌ای روان‌شناختی است تأکید می‌شود که همگی از آب و یک دسته موجود هستید، ولی عواطف در خویشاوندی به صورتی شدیدتر از او نمودار می‌شود و با یک بیگانه‌ای که از جنس خود که هیچ آشنایی با او ندارد تا مصاهره برقرار شد کمال دوستی و یگانگی میان آن‌ها پیدا می‌شود. مفسرین این آیه را با ازدواج حضرت علی (ع) و فاطمه (س) تطبیق کرده‌اند (عاملی، ۱۳۶۰. ج ۶: ۳۸۶)

بنابراین می‌توان ازدواج را چنین تعریف کرد: دو فرد ناآشنا که باهم ارتباط برقرار می‌کنند و میان آن‌ها دوستی و الفت برقرار می‌شود و عواطف که امری روان‌شناختی است با ازدواج میان آن‌ها شدیدتر می‌شود.

با توجه به تعاریف فوق می‌توان گفت پیمان زناشویی محکم‌ترین قرارداد اجتماعی است که می‌توان آن را ناشی از دوستی شدید و رحمت متقابل بین زن و شوهر دانست که قرآن کریم در سوره روم آیه ۲۱ به آن اشاره کرده است.

۲-۱-۱ معنای لغوی و اصطلاحی نکاح

نکاح از مصدر ثلاثی و از ریشه نکح می‌باشد، نکاح در لغت به معنی تقابل است. هم‌چنین نکاح در لغت به معنی ضم (پیوستن) است. نکاح به معنای آمیزش جنسی و عقد ازدواج آمده است، گروهی معنای حقیقی نکاح را آمیزش و کاربرد آن را در عقد مجاز می‌دانند (نجفی، ۱۳۶۵. ج ۲۹: ۵ و علامه طباطبایی، ۱۳۹۰. ج ۲: ۲۰۲)

هم‌چنین گروهی متقابلاً معنای حقیقی آن را عقد ازدواج قرار داده‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۲۳)

گروهی معتقد به اشتراک لفظی شده‌اند (فخر رازی، ۵۴۴: ج ۱۰: ۱۷-۲۱) هم‌چنین فیومی در تعریف نکاح چنین می‌گوید: عقد و آمیزش هر دو در معنای مجازی هستند و معنای حقیقی نکاح در لغت چسبیدن و به هم پیوستن یا مخلوط شدن است (فیومی، ۱۴۱۴: ج ۱: ۲۴)

در قرآن کریم کلمه نکاح و مشتقاتش حدود ۲۳ بار به‌کاررفته است. هم‌چنین نکاح در اصطلاح عرب، به معانی مختلفی بیان شده است. این واژه هم بر «عقد» و هم بر «وطی» (جماع) اطلاق شده است. از ظاهر بیشتر آیات قرآن، چنین استنباط می‌شود که نکاح به معنی عقد است: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ...» (قرآن، نور: ۳۲) «وَابْتَئُوا الْأَيَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ...» (قرآن، نساء: ۶) «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ...» (قرآن، احزاب: ۴۹) اما در بعضی آیات، مقصود از نکاح، وطی است نه عقد؛ از جمله آیه‌ای که در مورد زنان سه طلاقه است: «حتی تنکح زوجاً غیره...» (قرآن، بقره: ۲۳۰) البته به نحو مستقیم، این نکته از آیه فهمیده نمی‌شود که منظور از نکاح وطی است؛ بلکه به قرینه‌ی دیگر که از خارج به دست می‌آید، این معنی منظور می‌شود و به ذهن خطور می‌کند (اسلامی پناه، ۱۳۸۴: ۱۲)

هم‌چنین نکاح: عقدی است که بر اساس آن رابطه زوجیت بین زن و مرد برقرارشده، و در پس آن، طرفین دارای وظایف و حقوق جدیدی می‌شوند (بوجاری و پرچم، ۱۳۹۲: ۱۹) نکاح: عبارت است از تراضی زن و مرد برای تشکیل زندگی مشترک (قلی پور، ۱۳۹۳: ۱۱۳) بنابراین می‌توان گفت: نکاح رابطه‌ای است حقوقی، عاطفی که به‌وسیله عقد بین زن و مرد حاصل می‌گردد و به آن‌ها حق می‌دهد که با یکدیگر زندگی کنند.

آیه‌ی «وَابْتَئُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ» (قرآن، بقره: ۱۸۷) اشاره‌ای است به نکته لطیفی در طلب نکاح و قصد همسری و ازدواج نمودن و آن نکته لطیف این است که خداوند برای ما و در وجودمان تمایل به ازدواج و همسرگزینی قرار داده است تا با گزیدن همسر، نسل و تباری که سبب بقاء نوع انسانی است طلب کنیم و بخواهیم تا به ارزش نهایی آن برسیم، پس بر انسان واجب است که به‌وسیله همسر گزیدن و ازدواج چیزی را که خداوند به مقتضای عقل و دیانت قرار داده طلب کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۴: ۳۰۶)

نکاح، علاوه بر یک تقاضای طبیعی، یک سنت دینی و اسلامی نیز هست. بنابراین خیلی آسان است که کسی از طریق این اقدام و عمل که طبیعت و نیاز او آن را ایجاب می‌کند، ثواب هم ببرد؛ چون سنت است و به قصد ادای سنت پیامبر و اطاعت امر ایشان به این کار اقدام نماید (حاج علی‌اکبری، ۱۳۸۶: ۱۳)

۲-۲ اهمیت و ضرورت نکاح

از آنجاکه غریزه جنسی مرد جزء با برقرار شدن ارتباط جنسی وی با زن ارضا نمی‌شود و زن نیز نمی‌تواند غریزه جنسی خود را جزء توسط مرد اشباع کند و توالد و تناسل جزء به طریق ازدواج امکان‌پذیر نخواهد بود، اهمیت و ضرورت نکاح، آشکار می‌شود (اسلامی پناه، ۱۳۸۴: ۱۳).

ازدواج امری فطری است و بر آن اساس پایه‌گذاری شده است. داشتن زندگی خانوادگی نیز، امری طبیعی است و بر پایه‌ی نظام خلقت استوار است و همین ازدواج است که پایه و اساس اجتماع را تشکیل می‌دهد؛ زیرا خانواده پایه و اساس جامعه بشری است و بدون ازدواج هرگز خانواده و در پی آن جامعه‌ی بشری تحقق نخواهد یافت. چنان‌که در سوره حجرات آیه‌ی ۱۳ آمده است «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ». (قرآن، حجرات: ۱۳)

تأکید و ترغیب‌هایی در زمینه اهمیت و ضرورت ازدواج از ناحیه آیات و روایات وارد شده است که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌کنیم:

الف - عدم اختیار همسر و مذمت بر شمردن افراد مجرد؛ بر اساس این نصوص، از مجرد بودن به‌شدت نهی شده است تا جایی که در اجر و پاداش عمل افراد مجرد و افرادی که دارای همسر هستند، تفاوت زیادی وجود دارد. مقدس اردبیلی در توضیح آیه «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكُمْ أَذْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا» (قرآن، نساء: ۳) می‌نویسد: که ازدواج نکردن برای همیشه، کار شایسته و خوبی نیست؛ پس حداقل یک همسر یا کنیز لازم است و از این مطلب این نکته به دست می‌آید که مجرد زندگی کردن مذمت شده است و به ازدواج اهمیت زیادی داده شده است. (مقدس اردبیلی، بی‌تا: ۵۱۰)

با توجه به مطلب فوق چنین می‌توان گفت از آنجایی که غریزه جنسی نیرومندترین و سرکش‌ترین غرایز انسان است و انحراف آن منجر به انحراف انسان از دین و ایمان شده و او را به خطر خواهد انداخت تأکید زیادی بر ازدواج شده است.

هم‌چنین از منظر اهل بیت علیهم‌السلام روایت‌هایی در مورد نکوهش مجرد زیستن آمده است.

قال رسول الله (ص): مَنْ تَرَكَ التَّزْوِيجَ مَخَافَةَ الْعَيْلَةِ فَلَيْسَ مِنَّا (حر عاملی ۱۴۰۹، ج ۲۰: ۴۳)

هر که از ترس تنگدستی ازدواج نکند از ما نیست.

قال رسول الله (ص): تَزَوَّجْ وَ إِلَّا فَانْتَ مِنَ الْمَذْنِبِينَ (شعیری، ۱۳۶۳: ۱۱۹)

قال رسول الله (ص): شِرَارُ مَوْتَاكُمُ الْعَزَابُ رِذَالُ مَوْتَاكُمُ الْعَزَابُ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۰: ۲۲۰)

شوروترین و پست‌ترین مردگان شما مجردها هستند؛ آنان که زن نگرفته و یا شوهر نکرده‌اند و همواره تنها زیست می‌نمایند.

قال رسول الله (ص): تَزَوَّجْ وَ إِلَّا فَأَنْتَ مِنْ إِخْوَانِ الشَّيَاطِينِ (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴: ۱۵۵)
ازدواج کن و الا از گناهکاران خواهی بود.

بر مبنای روایات فوق که از پیامبر گرامی اسلام نقل شده است تأکید زیادی بر امر ازدواج شده است که فقر نمی‌تواند مانع آن شود آن چیزی را که امروزه متأسفانه بعضی‌ها بهانه می‌کنند و از زیر بار این مسئولیت الهی شانه خالی می‌کنند تا جایی که با توجه به سخن پیامبر گرامی اسلام عدم ازدواج فرد را در زمره گناهکاران قرار می‌دهد.

تأکید قرآن در ضرورت ازدواج، به گونه‌ای است که سفارش شده است، اگر کسی مجرد است و نمی‌تواند با زنان آزاده ازدواج کند، با کنیزان ازدواج کند. «وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلاً أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ» (قرآن، نساء: ۲۵)

ب - عدم هراس از فقر مالی؛ خداوند متعال می‌فرماید: «إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (قرآن، نور: ۳۲) اگر علت ازدواج نکردن فقر باشد، خداوند آن‌ها را بی‌نیاز خواهد کرد و به زندگی آن‌ها نظری خواهد کرد؛ بنابراین هرگز نباید ترس از فقر، مانعی برای ازدواج باشد.

بنابراین خداوند به زن و مرد فقیر مژده می‌دهد که اگر در امر ازدواج پیش‌قدم شوند آنان را از فضل خویش بی‌نیاز می‌سازد.

«عن محمد بن جعفر عن ابيه عن آبائه (ع) قال رسول الله (ص): مَنْ تَرَكَ التَّزْوِيجَ مُحَافَظَةَ الْفَقْرِ فَقَدْ أَسَاءَ بِاللَّهِ عَزَّوَجَلَّ إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ أَنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰: ۴۳)

بسیاری از مردان و زنان برای شانه خالی کردن از این مسئولیت الهی بهانه‌هایی از جمله نداشتن امکانات مالی، نداشتن شغل و کسب، مهریه سنگین و غیره می‌آورند. بنابر روایت فوق ازدواج سبب بی‌نیازی می‌شود و فقر نمی‌تواند مانع آن شود.

ج - تأکید بر تشویق و ترغیب دیگران به ازدواج؛ قرآن به مؤمنین دستور می‌دهد زنان و مردان را به همسری یکدیگر درآورد و نگذارید زنان و مردان مجرد باقی بمانند. «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ» (قرآن، نور: ۳۲) این آیه تشویق می‌کند که وسایل و مقدمات ازدواج دیگران را فراهم کنید؛ خواه زن یا مرد باشد؛ زیرا «وَأَنْكِحُوا» به معنی زن دادن و شوهر دادن است. در این زمینه روایات زیادی نیز وارد شده است که به یک نمونه اشاره می‌شود:

«عن ابی عبدالله قال: مَنْ زَوَّجَ أُعْزَبًا كَانَ مِمَّنْ يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰ : ۴۵) (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۵ : ۳۲۸)

با توجه به آیه ۳۲ سوره مبارکه نور و همچنین سخن امام صادق (ع) تأکید زیادی بر پیشنهاد ازدواج از طریق واسطه‌گری می‌شود که بر این مبنا مؤمنان تشویق شوند تلاششان را در جهت امر ازدواج یکدیگر فراهم آورند.

۲-۱- علت اساسی تشریع ازدواج

علت اساسی تشریع ازدواج، پاسخ به ندای فطرت و نیازهای (روحی، روانی، جسمی) طبیعی انسان است. تمام قوانین و مقررات اسلام، از زیرساخت‌های فطری و طبیعی به ودیعه نهاده شده در نهاد انسان، سرچشمه می‌گیرند. این قوانین و مقررات به شکلی بر آورنده‌ی نیازهای فطری و طبیعی انسان هستند و در پرتو این قوانین، سلامت و رشد آدمی تضمین می‌شود. فلسفه‌ی اساسی و بنیانی ازدواج همانند تمام احکام و مقررات آن، پاسخ به ندای فطرت خداجوی انسان است. ازدواج از این‌روی در اسلام، تشریع و مورد ترغیب قرار گرفته است که می‌تواند به نیازهای فطری آدمی پاسخ شایسته داده و سلامت و تعالی وی را زمینه‌سازی نماید. لذا افرادی که از ازدواج روی می‌گردانند، درواقع به‌طور ناخودآگاه با فطرت و طبیعت خود به جنگ برخاسته‌اند. درنتیجه، چون برخلاف فطرت و نیاز طبیعی حرکت می‌کنند، با دشواری و مشکلات فراوان مواجه می‌شوند و از مسیر اعتدال و جاده‌ی تکامل و رشد خارج می‌شوند (رشیدپور، ۱۳۷۶: ۸)

بر مبنای این دیدگاه و برخلاف دیدگاه‌هایی که ترک ازدواج را تشویق می‌کنند آن را امری فطری و برخاسته از طبیعت آدمی معرفی می‌کند که دوری از آن درواقع حرکت در مسیر غیر انسانیت و خروج از جاده کمال به حساب می‌آید. به همین دلیل بوده است که شرع مقدس اسلام بدان پرداخته و احکام تقریباً مفصلی در باب مراحل مختلف آن به‌اجمال در قرآن کریم و به‌تفصیل در سیره و روایات معصومین علیهم‌السلام آمده است.

از مطلب فوق چنین استنباط می‌شود ازدواج یک حکم فطری و هماهنگ با قانون آفرینش است و انسان برای بقا نسل و آرامش جسم و روح و حل مشکلات زندگی اجتماعی احتیاج به ازدواج سالم دارد و از آنجایی که تضمین سلامت جامعه در گروی سلامت خانواده‌هاست می‌توان گفت یک خانواده سالم جامعه سالم را نوید می‌دهد.

۲-۲-۴ حفظ نوع بشر: طبق بیان روایات معتبر، ازدواج وسیله‌ای برای تولید و بقای نسل در انسان است. از دیگر علل تشریع ازدواج در اسلام همانا حفظ نوع بشر در قالب توالد و تناسل سالم و مشروع می‌باشد. این علت تا به آن حد موردنظر اسلام است که روایات نقل شده از اولیای دین، فرزندآور بودن را از صفات شایسته زنان برای ازدواج می‌شمارد (عندلیب، ۱۴۲۲. ج ۱: ۱۴۰) و فرزند داشتن را مایه برکت می‌داند (کلینی، ۱۳۶۷. ج ۵: ۴۷۴)

(تَزَوَّجُوا بُكْرًا وَلَدُوا) (حرعاملی، ۱۴۰۹. ج ۲۰: ۵۴)

(تَزَوَّجُوا بُكْرًا وَلَدُوا وَ لَا تَزَوَّجُوا حَسَنًا جَمِيلَهُ عَقِرًا فَإِنَّی أَبَاهِی بِكُمِ الْأُمَمِ یَوْمَ الْقِیَامَةِ) (حر عاملی، ۱۴۰۹. ج ۲۰: ۵۴)

با توجه به روایت فوق می‌توان گفت: یکی از عواملی که باعث تداوم و قوام زندگی زوجین می‌شود به دنیا آمدن فرزندی در خانواده است. چون زوجین بعد از بچه‌دار شدن با احتیاط بیشتری با یکدیگر رفتار می‌کنند و سعی و تلاششان بر این است که تفاهم بیشتری داشته باشند تا محیط مناسب و آرامی برای خود و فرزندان به وجود آورند.

۲-۲-۵ حفظ دین: ازدواج نوعی تأثیر در تأمین مصونیت از انحراف‌ها، کژی‌ها و لغزش‌ها دارد و همین حالت موجب فراهم شدن جایگاهی متفاوت با قبل برای شخص مزدوج می‌شود و نوعی، فضیلت، برتری و دوری گزیدن از تخلفات را به همراه دارد و تقید فرد را به فضایل، آداب دینی و معنوی بیشتر می‌سازد؛ بنابراین با توجه به سرکش بودن غریزه جنسی که انحراف آن باعث انحراف انسان از دین و ایمان می‌شود تا جایی که قرآن کریم می‌فرماید انسان از حیوان هم پست‌تر می‌شود بنابراین برای حفظ دین بهترین راه ازدواج سالم است.

گویا از همین روی اولیای دین می‌فرمایند: «مَنْ تَزَوَّجَ أَحَرَّزَ نِصْفَ دِينِهِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ ج ۲۰: ۱۷) (کلینی، ۱۳۶۷ ج ۵: ۳۲۸) یا در سخنی نورانی و نغز، پیامبر رحمت (ص) می‌فرماید: «مردان مجرد را زن دهید تا خدا اخلاقشان را نیک و ارزاقشان را وسیع و جوانمردیشان را زیاد کند.» (مشکینی، ۱۳۶۶: ۴)

بنابراین می‌توان گفت با ازدواج زمینه تقوا و دوری از گناهان فراهم می‌شود و با اشباع غریزه جنسی در زن و مرد زمینه گناهان شهوت‌انگیز از میان می‌رود.

۲-۲-۶ رشد شخصیت و احساس مسئولیت اجتماعی: مسئولیت‌پذیری و بیرون آمدن از حصار خودبینی و طبیعت فردی و متعهد شدن در برابر دیگران و به دنبال آن فراهم شدن زمینه رشد اجتماعی، از دیگر علل و فلسفه‌های تشریع ازدواج است. این تأثیر را در هیچ عمل و رفتار فردی و اجتماعی دیگر نمی‌توان سراغ گرفت. انسان تنها در پرتو ازدواج می‌تواند به شخصیت اجتماعی خود دست یابد و یختگی شخصیت پیدا کند (مکارم شیرازی، ۱۳۶۸، ج ۱۴: ۴۶۵)

از این مطلب چنین استنباط می‌شود که انسان تا زمانی مجرد است احساس مسئولیت نمی‌کند؛ یعنی استعداد و خلاقیت خود را به اندازه کافی برای کسب درآمد مشروع بسیج نمی‌کند؛ بنابراین بعد از ازدواج شخصیت انسان تبدیل به یک شخصیت اجتماعی می‌شود و خود را مسئول حفظ همسر و آبروی خانواده و تأمین وسایل زندگی فرزندان آینده می‌بیند.

ازدواج اولین مرحله‌ی خروج از خود طبیعی فردی و توسعه پیدا کردن شخصیت انسان است (مطهری، ۱۳۶۲: ۲۵۱) اگر راهی غیرازاین برای رسیدن به این مطلوب وجود داشت، به‌طور یقین اسلام آن را معرفی می‌نمود. این پختگی جزء در پرتو ازدواج و تشکیل خانواده پیدا نمی‌شود.

۲-۳ اهمیت ازدواج از منظر اهل بیت علیهم السلام

ازدواج در سیره معصومین علیهم السلام و اهل بیت علیهم السلام مورد توجه بوده است و روایاتی هم در اهمیت و فضیلت این کار از ایشان صادر شده است که در ذیل به نمونه‌ای از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۲-۳-۱ کامل شدن دین

امام علی (ع) فرمود: احدی از یاران و اصحاب رسول الله (ص) اقدام به ازدواج نمی‌کرد مگر آن که پیامبر می‌فرمود: دین او کامل گشت (فیومی، ۱۴۱۴، ج ۱۴: ۱۴۹)
بر مبنای روایت فوق از آنجایی که هدف کلی زندگی انسان قرب به خداوند است و کمال انسان در همین قرب و نزدیکی است، هدف کلی ازدواج هم چیزی جزء نزدیک شدن به خداوند نیست. بنابراین می‌توان گفت ازدواج عاملی برای پیشرفت معنوی و حرکت سریع‌تر در مسیر حقیقی کمال و زندگی است.

۲-۳-۲ سنتی از پیامبر (ص)

قال رسول الله (ص) النِّكَاحُ سُنَّتِي فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۰: ۲۲۰)

ازدواج سنت من است؛ پس هر کس از سنت من روی گرداند از من نیست.
از روایت فوق چنین استنباط می‌شود که پیامبر گرامی اسلام با انتساب این کار به خود اهمیت و ارزش آن را بیان می‌کند و این سنت طبیعی را با سنت الهی به هم آمیزد تا مسلمانان به انگیزه ثواب به این کار رغبت ورزند.

بنابراین به نظر می‌رسد اسلام علاوه بر مسائل اخروی و بعد روحانی افراد توجه و تأکید فراوانی بر مسائل مادی و فردی و اجتماعی نیز مانند ازدواج دارد و از آنجایی که ازدواج پایه و اساس خانواده

است و نتایجی از جمله ارضای جنسی از راه مشروع، عدم گسترش فساد، آرامش فردی و اجتماعی و ... به دنبال دارد با توجه به این ضرورت‌ها پیامبر گرامی اسلام تأکید می‌کند که ازدواج سنت و روش من است.

۳-۳-۲ نصف عبادت

قال رسول الله (ص): مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ أُعْطِيَ نِصْفَ الْعِبَادَةِ (همان: ۲۲۰)

هر کس ازدواج کند، نصف عبادت به او داده شده است.

بر مبنای روایت فوق ازدواج وسیله‌ای است برای پاک‌دامنی و مهار غرایز جنسی و آرامش و حرکت به سوی کمال دینی و عبادت برای رشد و کمال است و زندگی عابدانه با ازدواج شروع می‌شود با چنین نگرشی می‌توان گفت ازدواج وسیله‌ای برای نصف دین است.

۴-۳-۲ نگهداری دو، سوم دین

قال علی (ع): مَا مِنْ شَابٍ تَزَوَّجَ فِي خَدَائِهِ سِنَّهُ إِلَّا عَجَّ شَيْطَانُهُ: يَا وَيْلَهُ، يَا وَيْلَهُ! عَصَمَ مِنِّي ثُلُثِي

دینِه (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴: ۱۴۹)

هیچ شخصی در نوجوانی ازدواج نکرد مگر آن که شیطان او فریاد کند: ای‌وای او دوسوم دینش را از دستبرد من نگه داشت.

بر مبنای روایت فوق می‌توان گفت ازدواج در سالم‌سازی روح، روان، دین و معنویت نقشی اساسی دارد و فرد با تشکیل خانواده از بسیاری از آسیب‌ها مصون می‌شود.

۵-۳-۲ بهترین و بدترین امت

قال رسول الله (ص): خَيْرُ أُمَّتِي الْمُتَاهِلُونَ وَ شَرُّ أُمَّتِي الْعَزَابُ (شعیری، ۱۳۶۳، بی تا: ۱۱۹)

نیکان امت من متأهل‌ها و بدان امت من مجرده‌ها.

بر مبنای این روایت به نظر می‌رسد شرط مفید بودن در جامعه احساس مسئولیت برای تشکیل خانواده و تن دادن به این مسئولیت مهم است و انسانی که از مسئولیت تشکیل خانواده سرباز می‌زند فردی بی‌مسئولیت و رها شده است که آسیب‌هایی از جمله تنبلی و بیکاری، ابتذال، هرزگی و انواع بلاها او را تهدید می‌کند اما تشکیل خانواده فرد را از بسیاری از مسائل دور می‌کند و در یک امر جهت‌دار متمرکز می‌سازد.

۲-۳-۶ توسعه‌ی معیشت

قال الصادق (ع): جاء رجل إلى النبي فشكا إليه الحاجة فقال: تزوج، فتزوج فوسّع عليه (حر عاملي، ١٤٠٩ ج ٢٠: ٤٣)

امام صادق (ع) فرمودند: مردی نزد رسول خدا (ص) آمد و از فقر و نداری شکایت نمود، پیامبر ببه او فرمود: برو ازدواج کن. وی رفت و مطابق دستور رسول خدا (ص) عمل کرد و در نتیجه روزی و معیشتش فراخ گردید.

بنابراین با توجه به روایت فوق فقر و ناداری نمی‌تواند مانع راه ازدواج گردد بلکه سبب غنا و به‌نیازی می‌شود.

۲-۳-۷ تضمین یاری خداوند

قال رسول الله (ص): حَقَّ عَلَى الْغَوْنُ مَنْ نَكَحَ الْإِيمَانَ الْعَفَافِ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ (متقى هندی ، ۱۴۰۱. ج ۴ : ۴۴۴)

هر کس به منظور پاک نگه داشتن خود از آنچه خداوند حرام کرده است ازدواج کند، بر خداست که او را کمک کند.

با توجه به آنچه گفته شد ازدواج یک امر پسندیده و مقدس مطابق طبیعت، فطرت و سنت رسول اکرم (ص) است پس باید بهتر و زودتر به آن پرداخت.

بر مبنای روایات ذکرشده در فوق ازدواج در وهله اول سبب گشایش روزی و در وهله دیگر نیفتادن در حرام را در پی دارد. حال که از ازدواج چنین نتایج متعالی‌ای مدنظر است، ازاین‌رو تأکید شده است که خداوند متعال نیز فرد را در این امر کمک کرده حتی از قول رسول اکرم (ص) نوعی وجوب را برای خداوند ذکر کرده است. بنابر اقوال رسول اکرم (ص) بنده می‌تواند مطمئن باشد که خداوند نیز او را یاری خواهد نمود.

همچنین از روایات نورانی اهل بیت چنین استنباط می‌شود اصل اساسی در تشکیل یک خانواده مطلوب ایمان و اخلاق و پاک‌دامنی است و به هیچ وجه نباید از این خصایص اساسی غفلت ورزید چون عدم توجه به این اصل در بعضی از ازدواج‌ها منجر به معضل و آسیب اجتماعی یعنی طلاق می‌شود.

۲-۴ اهمیت و جایگاه ازدواج در یهودیت

دین یهود همانند دین اسلام برای ازدواج اهمیت زیادی قائل است تا جایی که این امر را واجب دینی دانسته است؛ بنابراین در دین یهود هم تأکید زیادی بر ازدواج می‌شود و به نظر می‌رسد این دین پیشنهاد ازدواج را به مرد نسبت می‌دهد.

بر اساس آموزه‌های آیین یهود، تشکیل خانواده و ازدواج فریضه دینی مهمی محسوب می‌شود و ازجمله وظایفی است که بر عهده مرد یهودی گذاشته شده است (بوجاری و پرچم، ۱۳۹۲: ۱۸). مردی که برای تشکیل خانواده تلاشی نمی‌کند، مانند کسی دانسته شده است که خونی ریخته باشد، یا صورت خدا را که همه انسان‌ها به شکل آن آفریده می‌شوند، بی‌ارج بداند و یا باعث شود که حضور خدا از اسرائیل رخت بریندد.

با توجه به مطلب فوق عزوبت (مجرد زیستن) را دین یهود مورد نکوهش قرار داده است و بر امر ازدواج تأکید بسیاری دارد.

توجه به اصالت خانوادگی و عفت و پاکی زوجین، از دیگر معیارهای انتخاب همسر در دین یهود است (آنترمن، ۱۳۸۵، نقل از بوجاری و پرچم ۱۳۹۲: ۲۶).

در دین یهود بر تسریع در ازدواج بسیار تأکید شده است؛ زیرا عقیده بر این است که ذات قدوس تا سن بیست‌سالگی انسان انتظار ازدواج او را می‌کشد «تا سن بیست‌سالگی انسان، ذات قدوس متبارک انتظار می‌کشد که او ازدواج کند وقتی که سن او از بیست گذشت و ازدواج نکرد، خداوند او را نفرین می‌کند و می‌گوید: استخوان‌هایش بادکنند» (کهن، ۱۳۸۲: ۱۸۰).

بنابراین به نظر می‌رسد در دین یهود همانند دین اسلام ازدواج اهمیت زیادی دارد و به همین دلیل است که بر تسریع در امر ازدواج تأکید می‌کند. نکته جالب این جاست که سن ازدواج هم در دین یهود مورد تأکید قرار گرفته است تا جایی که اگر فرد سنش از بیست سالگی بگذرد مورد لعن و نفرین خداوند قرار خواهد گرفت.

اهمیت ازدواج و تشکیل خانواده را در آیات زیر از کتاب مقدس می‌توان مشاهده نمود: آیا کسی به‌تازگی دختری را نامزد کرده است، اگر هست به خانه خود بازگردد و با همسرش ازدواج کند؛ چون ممکن است در این جنگ کشته شود و شخص دیگری زن او را به همسری بگیرد (سفر تثنیه، ۷:۲۰). شخص نخست باید خانه‌ای برای خود بسازد، سپس تاکستانی غرس کند و آنگاه زن بگیرد (بوجاری و پرچم ۱۳۹۲: ۳۱).

جایگاه ازدواج در دین یهود بسیار حائز اهمیت است و تحت عناوین مختلف از آن یاد شده است که عبارت‌اند از:

۲-۴-۱ نخستین فرمان الهی به آدم ابوالبشر

در کتاب مقدس ازدواج نخستین فرمانی است که خداوند به آدم ابوالبشر داده است و زمینه‌ساز کمال انسان می‌شود: «او انسان را زن و مرد خلق کرد و ایشان را برکت داده و فرمود: بارور و زیاد شوید زمین را پر سازید بر آن تسلط یابید بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و همه حیوانات، فرمانروایی کنید» (سفر پیدایش، ۱: ۲۸)

با توجه به روایت فوق در سفر پیدایش می‌توان گفت: گرایش به اختیار همسر در دین یهود از آغاز خلقت انسان موردتوجه بوده است که این امر با آموزه‌های دینی که گرایش به اختیار نمودن همسر در انسان را از آغاز خلقت انسان با آفرینش آدم و حوا می‌داند، مطابقت دارد.

۲-۴-۲ تکامل انسان:

در یهودیت، ازدواج به معنای کامل شدن و اوج رشد انسانی است. بر پایه تعالیم یهود، زن و مرد بدون همسر انسان‌هایی کامل نیستند و با ازدواج و پیوند زناشویی، از شکل ناقص به وجودی کامل تبدیل می‌شوند (سفر پیدایش، ۵: ۲)

بنابراین از آنجایی که هر یک از زوجین از نظر وجودی بدون یکدیگر ناقص هستند با ازدواج کامل می‌شوند زن و مرد مکمل یکدیگرند. این روایت سفر پیدایش با اسلام و سیره معصومین مطابقت دارد.

۲-۴-۳ همسر انسان خانه انسانم

خانه انسان همسر اوست و «ریی یوسه گفته است: هرگز همسر را «زنم» ننمیده‌ام بلکه همواره او را «خانه‌ام» نامیده‌ام» (کهن، ۱۳۸۷: ۱۸۰)

۲-۴-۴ اتحاد ویکی شدن زن و مرد:

در یهودیت اعتقاد بر این است که زن و مرد با ازدواج پدر و مادر خود را ترک می‌کنند و با پیوند با همسر خود اتحاد یافته گویا یک وجود مستقل می‌شوند (سفر پیدایش، ۲: ۲۴)

بنابراین بر مبنای روایات فوق ازدواج در یهودیت از همان آغاز خلقت انسان وجود داشته است تا جایی که با ازدواج انسانها کامل و متحد می شدند.

۲-۵ اهداف ازدواج از دیدگاه یهودیت

اهداف ازدواج در یهودیت، توافقی میان دو انسان برای زندگی مشترک در قالب خانواده است که در ضمن آن طرفین برای رعایت اصول عقد ازدواج متعهد می‌شوند.

۲-۵-۱ تشکیل خانواده:

یکی از اساسی ترین اهداف ازدواج در یهود تشکیل خانواده است که از واجبات دینی یهودیان نیز به شمار می‌رود و چون عالی‌ترین آرمان یک یهودی آن است که فرزندان خداترس و در دانش تورات متبحر باشند از این‌رو، اعتقاد به اصل تورات موجب می‌شود یک جوان یهودی شدیداً تمایل داشته باشد با دختر شخصیتی دانشمند ازدواج کند (کهن، ۱۳۸۲: ۱۸۲)

۲-۵-۲ تولیدمثل:

یکی از اهداف ازدواج زن و مرد تولیدمثل است که در متون مقدس از ارزش والایی برخوردار است. خانواده عقیم و بدون فرزند به کمال نمی‌رسد؛ زیرا زنان و مردان با فرزند دار شدن، ارزش‌های اخلاقی خود را بسط می‌دهند. پدر و مادر شدن با انعطاف بیشتر، بردباری اجتماعی، دلسوزی و نجات و آینده‌نگری اقتصادی همراه است. ضمن آن‌که این اوصاف به سلامت جامعه نیز کمک می‌رساند. تکثیر نسل سالم، جوامع را نیز قدرتمند و پویا می‌کند. از این‌رو، ادیانی مانند دین یهود، می‌کوشد تا این هدف طبیعی، هدف ارزشی زن و مرد از ازدواج قرار گیرد و پاسخی به فرمان الهی مبنی بر تولید و افزایش نسل باشد. «بارور و زیاد شوید، زمین را پر سازید، بر آن تسلط یابید و بر ماهیان دریا، پرندگان آسمان و همه حیوانات فرمانروایی کنید» (سفر پیدایش، ۱: ۲۸) و یا اما شما فرزندان زیاد تولید کنید و زمین را پر سازید (سفر پیدایش، ۹: ۷)

۲-۵-۳ پرورش نسل پاک

قوانین الهی برای خوشبختی و سعادت انسان‌ها تدوین شده‌اند تا آن‌ها را به مقامی عالی‌تر از پلیدی‌ها و زشتی‌های حیوانی برسانند و احساس کنند که زندگی زیباست و ارزش زیستن دارد. در راه چنین هدفی، محیط خانواده باید با پاکی قرین باشد، تا مرد وزن بتواند وظیفه مهم خود؛ یعنی، تولیدمثل و تربیت فرزندان را در راه خداوند و در راه خدمت به هم نوعان به‌خوبی به انجام برسانند. چون سعادت کودکان هر خانواده، به پاکی و نیکی افکار و اعمال پدر و مادر بستگی دارد. از این‌رو، یکی از اهداف مهم ازدواج در دین یهود پرورش نسل پاک است (آنترم، ۱۳۸۵: ۲۱۵)

۲-۵-۴ ارضای نیازهای غریزی

انسان موجودی اجتماعی است و بر اساس غریزی که در وجود او قرار داده شده است تمایل به برقراری ارتباط با دیگر هم نوعان خود و در فضایی کوچک‌تر خواستار برقراری پیوندی بسیار نزدیک‌تر با فردی به نام همسر و داشتن روابط زناشویی است. تورات نیز مانند بسیاری دیگر از دستورهای خود، این خواسته را جهت بخشیده و سعی دارد تا با برنامه‌ریزی اصولی این خواسته را

از حالت غریزی و معمولی خارج کرده به آن تقدس بخشید، تا به این وسیله انسان هم بتواند خواسته‌ها و غرایز خود را ارضا کند و هم به سبب اجرای فرمان خداوند سزاوار و درخور پاداش باشد (همان : ۲۲۰)

از آنجایی که ازدواج و تشکیل خانواده در دین یهود از تقدس و جایگاه والایی برخوردار است چنان که اجرای فرمان خداوند است و انجام آن درخور پاداش است به همین دلیل است که راه صحیح ارضای نیازهای جنسی را ازدواج می‌داند. و همچنین ازدواج وسیله‌ای مجاز برای اطفای نیروی شهوت و پاسخی به این غریزه خدادادی است.

۲-۶ اهمیت و جایگاه ازدواج در مسیحیت:

از اساسی‌ترین اهداف ازدواج در نزد برخی از فرقه‌های مسیحیت، پیدایش فرزندان شایسته و برخورداری از نسل پاک و پارسا است. تنها راه پیدایش نسل پاک و شایسته، ازدواج و تشکیل خانواده است. لذا این ازدواج باید با رعایت شرایط معین‌شده همراه باشد تا بتواند به اهداف خود برسد. مثلاً - بنابر عقیده‌ی برخی از مذاهب مسیحی - از جمله‌ی این شرایط، آن است که باید عقد ازدواج خوانده شود و صرف رضایت طرفین کفایت نمی‌کند و حتی این عقد باید توسط کشیش اجرا شود (سکری سرور، بی تا : ۹۲) یا زوجین هر دو باید مسیحی و از یک مذهب باشند و اختلاف مذهب زن و شوهر، یکی از موانع ازدواج به حساب می‌آید (مولند، ۱۳۸۱ نقل از زینتی ۱۳۸۴ : ۳۱) بنابراین اهمیت و جایگاه ازدواج در مسیحیت (عهد جدید) را در ذیل مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم:

۲-۶-۱ تقدیس ازدواج:

مسیحیت با معرفی ازدواج به عنوان یکی از آیین‌های مقدس و شعائر دینی، جایگاهی خاص برای ازدواج قائل است. در الاهیات مسیحی شعائر دینی آدابی هستند که به واسطه‌ی آن‌ها فیض خداوند از طریق نامرئی به انسان می‌رسد (مولند، ۱۳۸۱ : ۳۷)

نزد مسیحیان شعار مذهبی عبارت است از یک عمل محسوس که به موجب تأسیس الهی‌اش تنها شکل و صورت نیست؛ بلکه چیزی است که در نجات و تقدس انسان اثر دارد (همان : ۶۶)

هر شعاری یک شکل مرئی و محسوس از فیض نامرئی به شمار می‌رود. مسیحیان کاتولیک رم، هفت شعار را به رسمیت می‌شناسند که ازدواج یکی از آن شعائر است. آن هفت شعار عبارت‌اند از : تعمید، توبه، تأیید (تثبیت ایمان)، عشای ربانی، تدهین نهایی، اعتراف و ازدواج. از بین این گروه شعائر، پنج شعار اول، برای سلامت روح هر فرد مسیحی انجام می‌شود؛ درحالی که دو شعار اخیر،

یعنی اعتراف و ازدواج برای خدمت به کلیسا و تشکیل خانواده انجام می‌پذیرد (همان : ۶۶-۶۷) ازدواج مقدس تنها شامل تشریفات ازدواج که صرفاً عمل تقدیسی است، نمی‌شود؛ بلکه پیمان میان زن و شوهر و اموری را که ازدواج با آن‌ها تکمیل می‌شود را نیز شامل می‌شود. از نظر تاریخی، مدرک ازدواج به عنوان یک آیین مذهبی، به کتاب مقدس برمی‌گردد که از آن به «سرّ عظیم» تعبیر می‌کند. سرّ عظیم به ارتباط میان زن و شوهر اشاره دارد. زندگی زناشویی صفت شعاری خود را از این عقیده گرفته است که نمونه‌ای زمینی از یک حقیقت آسمانی است (همان: ۸۰)

از این مطلب چنین استنباط می‌شود علی‌رغم تصویری که گفته می‌شود در مسیحیت ازدواج مورد طرد و نفی قرار می‌گیرد و برخی راهبان و کشیشان تجردشان را به عیسی (ع) مستند می‌کنند دیده می‌شود که برای نمونه کلیسای کاتولیک که یکی از فرقه‌های اصلی مسیحیت به شمار می‌رود ازدواج را جزو آیین‌های هفت‌گانه مسیحی برمی‌شمرد. نکته مهم‌تر این است که به ازدواج علاوه بر صورت ظاهری، معنای باطنی و رمزی بخشیده است. این رمز درواقع همان الگوی زمینی بودن پیوند آسمانی است.

۲-۶-۲ ازدواج اتحادی دائم و ناگسستنی

در مسیحیت، ازدواج نشانه‌ی محبت خداوند به بشریت است و به‌وسیله‌ی این عمل، زن و مرد اتحادی مقدس و غیرقابل انفصال برقرار می‌کنند. درواقع، در مسیحیت ازدواج عبارت است از یکی شدن محبت دو شخص که با یکدیگر برای زندگی مشترک همراه با امانت‌داری متقابل و همکاری متعهد می‌شوند (همان : ۲۸۶)

مسیحیان هنگام ازدواج متعهد می‌شوند که یکی شدن مرد و زن را نشانه‌ی آشکاری برای محبت خدا به بشر و محبت مسیح به شاگردانش قرار دهند. به همین علت، مسیحیان ازدواج را التزام و تعهد در طول زندگی می‌شمارند و با طلاق و تجدید فراش در زمان حیات همسر مخالفاند (میشل، ۱۳۷۷: ۹)

در مسیحیت، دو عنصر ماهیت ازدواج را فراهم می‌آورد؛ قداست آسمانی و الهی و ناگسستنی بودن پیمان منعقدشده. پس ازدواج در مسیحیت یک نوع پیمان دائم و تعهد پایدار آسمانی است که نشان از محبت خداوند دارد. این تعهد آسمانی و الزام‌آور، هرگز قابل گسستن و نقض نیست. در انجیل، طلاق زن و ازدواج مجدد زن، در حکم زنا به شمار می‌رود. در انجیل متی پیرامون طلاق چنین آمده است: هر کس زن خویش را بدون آن‌که خیانت از وی دیده شود، طلاق دهد و آن زن

هم دوباره شوهر کند، آن مرد مقصر است، چون باعث شده، زنش زنا کند و مردی هم که با این زن ازدواج کرده، زناکار است (انجیل متی، ۹:۱۹)

۲-۶-۳ تجرد عامل تقرب به خدا

اگرچه ازدواج در مسیحیت پدیده‌ای مقدس محسوب شده و سرّ عظیم نامیده می‌شود، اما در برابر آن عزوبت و تجرد و دوری گزیدن از ازدواج امری پسندیده‌تر است. شخص مجرد، با تمام توان به خدمت خداوند می‌رسد و با کم کردن مشغله‌های دنیوی و زندگی، خود را شبیه عیسی (ع) و مریم مقدس (ع) می‌سازد (پطرس، ۱۸۸۲: ۳۴)

بنابر دیدگاه عهد جدید، ازدواج تنها وسیله‌ای جهت دفع شهوت و جلوگیری از معصیت است و خود ارزشمند نیست. اگرچه از ازدواج به‌عنوان آیین مقدس یاد می‌شود، ولی این قداست ذاتی ازدواج نیست؛ بلکه نگاه به ازدواج به‌عنوان وسیله‌ای جهت حفظ پاکی و تأمین نیازهای جسمی است. لذا در صورت آلودگی به حرام، ازدواج مستحب می‌شود وگرنه اگر کسی بتواند شهوت خود را کنترل کند، بهترین عمل عزوبت، بتولیت و عدم ازدواج است. چون عزوبت نزد خداوند، از ازدواج بهتر است. پس برای افرادی که نمی‌توانند پاکی و طهارت خود را حفظ کنند و آلوده می‌شوند، ازدواج خوب است؛ ولی اگر ازدواج نکنند، خوب‌تر است؛ چون در ازدواج، انسان به فکر ارضا و تحصیل رضای همسر است؛ درحالی‌که شخص غیر متزوج پیوسته در پی تحصیل رضای پروردگار است (خادمی و هوشنگی، ۱۳۹۳: ۳۵)

در مسیحیت ازدواج به‌خودی‌خود مطلوب نیست و انتخاب و گزیده اول مسیحیت نمی‌باشد تا برای خود ازدواج به‌عنوان ازدواج، فلسفه بیان شود؛ بلکه عزوبت و تجرد که نقطه‌ی مقابل ازدواج است، گزیده‌ی نخست مسیحیت است. پس بنابر قاعده باید برای عزوبت فلسفه و علت بیان شود نه برای ازدواج؛ اما آنجا که عزوبت نمی‌تواند اهداف دست‌اول مسیحیت را - همانند پاکی از ارتباط با جنس مخالف و رهبانیت ناب - تأمین نماید، به سراغ ازدواج می‌آید تا بلکه بتواند به برخی از سطوح پایین‌تر اهداف خود دست یابد از منظر مسیحیت تجرد و عزوبت نسبت به ازدواج از جایگاه برتر و عالی‌تری برخوردار است برحسب این دیدگاه، رهبانیت روشی مبارک و پسندیده و یکی از نعمت‌های الهی و عطایای ربانی است؛ و بسیاری از مؤمنین مسیحی به رهبانیت دعوت می‌شوند و در این سلک زندگی می‌کنند و خود را به نماز، دعا مشغول می‌سازند و از زندگی با مردم و همراهی با آن‌ها کناره می‌گیرند (زینتی، ۱۳۸۴: ۳۰)

بنابراین روش رهبانیت و ریاضت با طبیعت انسان و دیگر جانداران مخالف است به دلیل اینکه قوه شهوت در وجود انسان آفریده‌شده است و بهره‌برداری از لذات مادی را هم طبیعت انسانی و

هم ادیان الهی تجویز می‌کنند و اگر این غریزه جنسی در انسان سرکوب شود باعث بروز اختلالات روانی در انسان می‌شود.

در انجیل متی نیز آمده است: که افرادی به خاطر ملکوت خدا، مجرد به سر خواهند برد گاهی راهبان خود را خصی (اخته) می‌کرده‌اند و این کار خود را به عیسی (ع) استناد می‌دادند (انجیل متی، ۱۹: ۱۲)

پولس که خود مجرد بود و تجرد را تشویق می‌کرد، می‌گوید: لیکن به مجردین و بیوه‌زنان می‌گویم که ایشان را نیکو است که مثل من بمانند، لیکن اگر پرهیز ندارند، نکاح بکنند؛ زیرا که نکاح از آتش هوس بهتر است (قرنتیان، باب ۷)

بنابراین مطلب اگر مرد و زن نتوانند خود را از گناه حفظ کنند باید ازدواج کنند. پولس در ادامه می‌گوید «شخص مجرد در امور خداوند می‌اندیشد که چگونه رضامندی خداوند را بجوید و صاحب زن در امور دنیا می‌اندیشد که چگونه زن خود را خوش سازد» (هوشنگی و خادمی، ۱۳۹۳: ۴۰)

هم‌چنین فروید معتقد است: راهبان و پدران کلیسا بدون توجه به کارکردهای مثبت ازدواج به سرکوب آن پرداخته‌اند و معتقدند که روابط جنسی در هر صورتی منافی کمال انسانی است (بوجاری و پرچم، ۱۳۹۲: ۱۹)

بنا بر آنچه گفته شد نزد مسیحیان ازدواج و تأهل از ارزش دینی برخوردار نیست هم‌چنین در سیره حضرت عیسی (ع) تأکید زیادی بر سنت ازدواج نمی‌شود چراکه خود وی سراسر عمرش را در تجرد و عزوبت به سر برد. و مسیحیان به همین دلیل بر تجرد به مثابه آرمانی والا تأکید دارند.

بنابراین در این فصل به روش‌های پیشنهاد ازدواج بر مبنای کتب مقدس (عهد عتیق و عهد جدید) قرآن کریم و روایات معتبر پرداخته شده است که این روش‌ها شامل پیشنهاد الهی، پیشنهاد از سوی مرد، واسطه‌گری (پیشنهاد از سوی پدر دختر، پیشنهاد به درخواست همسر اول) پیشنهاد از سوی زن و زنان هیبه‌ای که اختصاص به پیامبر گرامی اسلام دارد می‌باشد.

۳-۱ بررسی روش‌های پیشنهاد ازدواج

اینک روش‌های پیشنهاد ازدواج در سیره انبیاء الهی و اهل بیت علیهم السلام را با توجه به کتب مقدس، قرآن کریم و روایات معتبر در ذیل مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

۳-۱-۱ پیشنهاد الہی

یکی از مواردی که به این نوع از پیشنهاد ازدواج اشاره شده است در کتاب مقدس، سفر اعداد ماجرای ازدواج دختران صلفحاد است که خداوند درباره دختران صلفحاد فرموده است بگذارید با مردان دلخواه خود ازدواج کنند ولی فقط به شرط اینکه این مردان از قبیلۀ خودشان باشند به این طریق هیچ قسمتی از زمین های قبیلۀ یوسف به قبیلۀ دیگر منتقل نخواهد شد دخترانی که درتمام قبایل اسرائیل وارث زمین هستند بایستی با مردان قبیلۀ خودشان ازدواج کنند تا زمین ایشان از آن قبیلۀ جدا نشود به این طریق هیچ میراثی از قبیلۀ ای به قبیلۀ دیگر منتقل نخواهد شد دختران صلفحاد همانطور که خداوند به موسی دستور داده بود عمل کردند این دختران با پسر عموهای خود ازدواج کردند (سفر اعداد. ۳۶: ۶)

از این مطلب سفر اعداد ظاهراً چنین به نظر می رسد که یهودیان با ازدواج غیر یهودی مخالفت شدید می ورزیدند و این امر به این دلیل بود که آنها معتقد بودند غیر یهودی نمی تواند میراث یهودیت را حفظ کند؛ و آنها نمی خواستند میراث یهود به سرزمین دیگر منتقل شود. هم چنین خوف تاثیر پذیری در عبادات و از دست دادن اصالت یهودی مانع ازدواج یهودی باغیر یهودی بود.

یکی از مواردی که این نوع پیشنهاد ازدواج به آن اشاره شده است ماجرای ازدواج پیامبر گرامی اسلام با زینب بنت جحش است که در قرآن کریم سوره احزاب آیه ی ۳۷ چنین آمده است:

«وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفَى فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا» (قرآن ، احزاب :

(۳۷)

این آیه ماجرای ازدواج پیامبر گرامی اسلام با همسر پسر خوانده اش زید بن حارثه را بیان می کند، که داستان آن در تفسیر المیزان چنین آمده است: زید بن حارثه برده رسول خدا (ص) بود. پیامبر (ص) آن را آزاد کرد و او را فرزند خود گرفت، و این یک انعامی بود که پیامبر (ص) به وی کرد، انعام دیگری این بود که دختر عمه ی خود زینب بنت جحش را همسر او کرد. بعد از این اتفاق زید آمد نزد پیامبر (ص) و فرمود: اگر صلاح بدانید من او را طلاق می دهم، پیامبر (ص) او را از این کار نهی کرد و با او ازدواج کرد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶: ۴۸۲)

هم چنین از این آیه بر می آید: که ترس پیامبر (ص) از مردم نبوده است که از جان خود بترسد بلکه ترسش راجع به خداوند و مربوط به دین او بوده است، و می ترسید مردم به خاطر ازدواجش با همسر زید او را سرزنش کنند، و این ترس را در دل پنهان می داشته است. از این جمله فهمیده می شود که خدای متعال بر پیامبر (ص) واجب کرده است، که باید با همسر زید پسر خوانده اش ازدواج کند تا به این وسیله بفهمند که همسر پسر خوانده محرم انسان نیست و سایر مسلمانان می توانند با همسر پسر خوانده ها یشان ازدواج کنند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶: ۴۸۳)

هم چنین از جمله «فَلَمَّا قُضِيَ زَيْدٌ» فهمیده می شود همین که زید از همسرش صرف نظر کرد ما او را به ازدواج تو در می آوریم. گویی ازدواج زینب از اراده و اختیار پیامبر (ص) خارج بوده است و خداوند این کار را کرده است. و کارهای خداوند انجام شدنی است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶: ۴۸۴)

زینب به این آیه بر زنان پیغمبر فخر و مباهات می نمود و می گفت شما را پدرانتان به پیغمبر داده اند ولی مرا پروردگار به او عطا فرمود و امر نکاح من از آسمان فرود آمد شبی به پیغمبر اکرم (ص) عرض کرد من به سه چیز از سایر زنان شما امتیاز دارم یکی آنکه جد من و شما یکی است دیگر خداوند مرا به شما داده سوم خواستگاری من توسط جبرئیل بوده است (بروجردی، ۱۳۶۶، ج ۵: ۳۵۸)

طبرسی مفسر بزرگ شیعی با استناد به سخنی از حضرت رضا (ع) با فردی به نام علی بن محمد بن جهم درباره این داستان از قول حضرت چنین نقل می کند که خدا سزاوار تر از هر کس است که باید از او ترسید و خداوند متصدی تزویج کسی از بندگان خود نشد مگر تزویج آدم و حوا و رسول اکرم (ص) با زینب و علی بن ابی طالب علیه السلام با زهرا سلام الله علیها پیغمبر اکرم (ص) بنا به امر پروردگار پس از طلاق زید زینب را به زوجیت خود درآورد علی بن محمد گریه کرد و به حضرت رضا علیه السلام عرض نمود هرگز قول خدا را در باره پیغمبران جزء آنچه که شما فرمودید بیان نخواهم نمود (طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۵: ۳۵۷-۳۵۸).

هم چنین مجرای این ازدواج در کتاب داستان پیامبران چنین آمده است: یکی از همسران پیامبر «زینب بنت جحش بود» و قبلاً در حواله «زیدبن حارثه» پسر خوانده پیامبر بود و حضرت تا مدت ها اسم او را با اینکه یکی از همسران ایشان بود بر زبان جاری نمی ساخت؛ چرا که منافقین نسبت به ازدواج با همسر پسر خوانده، تهمت هایی را در مورد ایشان روا می ساختند و حضرت از اشاعه تفکرات جاهلی در بین امت خویش ترس داشت در حالی که قرآن صریحاً به حضرتش می فرماید: «وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ فِي نَفْسِكَ» و این مسأله مسلم است که خداوند تزویج او را خود بر عهده داشت (جزایری، ۱۳۸۱: ۴۰)

بعضی مانند فخررازی و آلوسی داستان فوق را از اساس جعلی می دانند (فخر رازی، ۵۴۴. ج ۲۵: ۲۱۲) (آلوسی، ۱۲۶۸. ج ۲۲: ۲۳)

هم چنین بلاذری ماجرای این پیشنهاد ازدواج را در انساب الاشراف چنین نوشته است: وقتی به زینب مژده رسید که الله وی را به عقد نکاح پیامبر درآورده و برایش وحی فرستاده است، به شکرانه این لطف عظیم خدایی نذر کرد که دو ماه روزه بگیرد، و زیورهای که بر تن داشت را به مژده، برنده داد (بلاذری، ۱۴۱۷. ج ۲: ۶۹)

و در طبقات ابن سعد و تفسیر طبری نیز آمده است: زینب نزد دیگر زنان پیامبر می نازید که من آنم جبریل به خواستگاریم فرستاده شده و الله در آسمان صیغه نکاح را جاری کرد، و داستان ازدواج را در قرآن نوشت و مسلمین می خوانند و هیچ گاه تغییر و تبدیل در آن ایجاد نخواهد شد (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲: ۶۸) (ابن سعد، ۱۳۷۴، ج ۸: ۱۰۳) (طبری، ۱۳۹۴، ج ۱۰: ۳۰۳)

بنابر این با توجه به آنچه گفته شد، چنین استنباط می شود که پیامبر گرامی اسلام تصمیم ازدواج با زینب بنت جحش را به فرمان خدا گرفته بوده است، و این یک مساله اخلاقی و انسانی بود و نیز وسیله موثری برای شکستن سنت غلط جاهلی آن زمان یعنی ازدواج با همسر مطلقه پسر خوانده، و ازدواج با همسر مطلقه یک غلام و برده آزاد شده بود. پیامبر گرامی اسلام از این ازدواج هدف هایی را دنبال می کرد که در سرنوشت مکتب او تاثیر به سزایی داشت.

از آنجایی که پیامبر گرامی اسلام و اهل بیت (ع) دارای اختصاصاتی، از جمله در ازدواج می باشند نمی توان آنها را با انسان های دیگر و شرایط عادی و طبیعی مقایسه کرد، و این امر برای افراد عادی قابل تبعیت و الگو گیری نیست، از این رو این نوع از پیشنهاد ازدواج یعنی (الهی بودن) به آن بزرگواران اختصاص دارد.

خدمات پژوهشی مهرگان در ایتا و تلگرام

فصل سوم: الگوهای پیشنهاد ازدواج در سیره انبیاء الهی و اهل بیت علیهم السلام ۳۱

۳-۱-۲ پیشنهاد ازدواج از سوی مرد

از جمله مواردی که می توان گفت در آن معمول ترین سنت پیشنهاد ازدواج آمده یعنی همان پیشنهاد از سوی مرد است داستان ازدواج حضرت یعقوب (ع) با راحیل است. در کتب مقدس سفر پیدایش آمده است: که لابان دو دختر داشت که نام دختر بزرگ لیه و نام دختر کوچک راحیل بود لیه چشمانی ضعیف داشت اما راحیل زیبا و خوش اندام بود. یعقوب عاشق راحیل شده بود پس به لابان گفت اگر راحیل دختر کوچکت را به من بدهی هفت سال برای تو کار می کنم لابان جواب داد قبول می کنم و ترجیح می دهم دخترم رابه تو که از بستگانم هستی بدهم تا به یک بیگانه، یعقوب برای ازدواج با راحیل هفت سال برای لابان کارکرد ولی بقدری راحیل را دوست می داشت که این سالها درنظرش چند روزی آمد. آن گاه یعقوب به لابان گفت مدت قرارداد تمام شده وموقع آن رسیده که راحیل رابه زنی بگیرم (سفر پیدایش، ۲۱:۱۵)

از این مطلب چنین استنباط می شود که در دین یهود یکی از معیارهای اصلی ازدواج توجه به زیبایی و سیمای زنان است ملاکی که در اسلام و سیره اهل بیت علیهم السلام آن چنان مورد توجه نبوده است. هم چنین در دین یهود به نظر می رسد پیشنهاد ازدواج به مرد نسبت داده شده است.

یکی از روشهای پیشنهاد ازدواج که در قرآن کریم به آن اشاره شده است، پیشنهاد به روش تعریض و کنایه می باشد، که این نوع از پیشنهاد ازدواج را قرآن کریم به مرد نسبت می دهد چنان که در سوره بقره آیه ۲۳۵ آمده است: «وَلَا جُنَاحَ عَلَیْكُمْ فِیْمَا عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكْنُتُمْ فِیْ أَنْفُسِكُمْ عَلَیْمَ اللَّهِ أَنْتُمْ سَتَدْرُؤْنَهُنَّ وَلَٰكِنْ لَا تُوَاعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا وَلَا تَعْزِمُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّىٰ یَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ» (قرآن ، بقره : ۲۳۵)

قرآن ازدواج با محارم نسبی، سببی و رضائی را حرام کرده است؛ از این رو خواستگاری از این گونه زنان مجاز نیست؛ به طور کلی خواستگاری از زنانی مجاز است که خالی از موانع نکاح باشند. از مفهوم آیهی فوق حرمت تصریح به خواستگاری (در عده وفات) از زنانی که شوهر آنها وفات یافته، استفاده می شود؛ پس به طریق اولی خواستگاری از کسی که شوهر دارد یا زنانی که در عده رجعی به سر می برند، حرام است؛ زیرا آنان از آن جهت که از همدیگر ارث می برند و بر مرد واجب است، مسکن و نفقه زن را تضمین و تأمین کند، زن و شوهر محسوب می شوند. خداوند متعال می فرماید: «وَيُعْلِتُهُنَّ أَحَقَّ بِرَدِّهِنَّ» پس خواستگاری از آنها، حداقل خواستگاری صریح، مجاز نخواهد بود؛ اما زنانی که در حال عدهی وفات یا طلاق خلع و بائن هستند، خواستگاری نسبت به آنها به صورت کنایه جایز است (نجفی، بی تا . ج ۳۰ : ۱۲۰)

آیه مبارکه «وَلَا جُنَاحَ عَلَیْكُمْ فِیْمَا عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكْنَنْتُمْ فِیْ أَنْفُسِكُمْ» گرچه پس از بیان عده‌ی وفات زنان است، اما این حکم اختصاص به آن‌ها ندارد و شامل دیگر زنان که در این جهت شباهت دارند، نیز می‌شود. طلاق بائن و خلع به منزله‌ی شوهر نداشتن به حساب می‌آید، به دلیل این که اگر شوهران آن‌ها بخواهند دوباره با آن‌ها زندگی زناشویی داشته باشند، می‌بایست با عقد جدید صورت گیرد و در این جهت با دیگر زنان فرقی ندارند.

بر مبنای آیه ۲۳۵ سوره بقره که پیشنهاد ازدواج به مردان نسبت داده شده است این امر بدین جهت است که پاسخ رد شنیدن زن از مرد به نوعی شکست عاطفی در زندگی زن است که اثر آن هنگام تشکیل خانواده و اداره آن و نیز در تربیت فرزندان ظاهر می‌شود؛ درحالی که خواستگاری از سوی مرد و شنیدن پاسخ رد شکست در زندگی به شمار نمی‌رود. البته به نظر می‌رسد زن به فرض خواستگاری مرد باید آماده هر گونه تصمیم و واکنشی باشد و نباید از همان اول کار را تمام شده حساب کند.

بنابراین از آیه ۲۳۵ بقره چنین استنباط می‌شود که خواستگاری از هر زنی تحت هر شرایطی روا نیست، از طرفی به‌طور طبیعی، زن با فوت شوهر یا جدا شدن از او درباره آینده خویش دغدغه دارد و نگران سرنوشت خودش است و از طرفی باید حریم زوجیت پیشین نیز حفظ شود دستوری که به نظر می‌رسد عادلانه و همراه با حفظ احترام طرفین است؛ به همین دلیل از خواستگاری صریح یا ملاقات و وعده پنهانی با آنان نهی شده است.

دین مقدس اسلام نیز که آیین فطرت است بر این رویه فطری و طبیعی صحه نهاده است و بر همین مبنا و اساس است که قرآن و سنت در امر ازدواج مردان مخاطب واقع گشته‌اند و مستقیماً به آنان دستور ازدواج و همسرگزینی داده است و فرموده است: «فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ»

همچنین در اصول کافی ماجرای این خواستگاری چنین آمده است: بر شما باکی نیست که با کنایه و تعریض، بانوان شوهرمرده را خواستگاری کنید و با محبت آنان را در دل بپرورانید. خدا می‌داند که شما در آینده نزدیک با آنان سخن می‌گویید؛ اما وعده پنهانی مگذارید مگر آنکه سخنی آراسته و معقول بگویید؛ و برای پیوند ازدواج تصمیم مگیرید مگر آنگاه که عده مقرر الهی به پایان برسد. این وعده پنهانی کدام است؟ ابوعبدالله امام صادق (ع) گفت: وعده پنهانی آن است که بگوید شما را در خانه فلانی خواهیم دید سؤال شد سخن آراسته چگونه است؟ ابوعبدالله گفت: سخن آراسته تقاضای حلال است، بی‌آنکه در زمینه پیوند ازدواج تصمیمی گرفته شود، مگر بعد از پایان عده مقرر که می‌تواند راجع به مسائل ازدواج سخن بگویند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۷۶)

بنابراین روایت نیز به نظر می‌رسد پیشنهاد ازدواج به مرد نسبت داده شده است.

خدمات پژوهشی مهرگان در ایتا و تلگرام

فصل سوم: الگوهای پیشنهاد ازدواج در سیره انبیاء الهی و اهل بیت علیهم السلام ۳۳

قرآن کریم در سوره بقره آیه ۲۳۴ عده وفات را به چهار ماه و ده روز بالا می‌برد و بلافاصله در آیه بعدی اعلام می‌کند که با خانم‌های شوهرمرده تماس مگیرید، مگر در مجالس عادی و غیر خلوت و از آنان که در حال عزای شوهرند، خواستگاری نکنید، مگر با گوشه و کنایه (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۷۶)

با توجه به آنچه گفته شد این مورد از پیشنهاد ازدواج اختصاص به زنان شوهرمرده دارد و شامل افراد دیگر نمی‌شود.

گویا مرسوم‌ترین نوع پیشنهاد ازدواج همان طرح پیشنهاد از طرف مرد است. پیشنهاد ازدواج مرد از زن امری است که طبق مقتضای طبیعت مرد می‌باشد و این امر از همان ابتدای خلقت بوده است: با توجه به حدیثی که در «من لایحضره الفقیه» در مورد خلقت آدم و حوا آمده است که در قسمتی از آن این چنین آمده است: خداوند حوا را خلق کرد و دید که حضرت آدم نسبت به وی انس پیدا کرده و تمایل دارد که با او باشد، پس از آدم پرسید: آیا می‌خواهی با او انس پیدا کنی و با تو انس داشته باشد و محبوب تو باقی بماند؟ حضرت آدم جواب داد: آری! خداوند فرمود: «فَأَخْطَبَهَا إِلَىٰ فَإِنَّهَا أُمِّي» «او را از من خواستگاری کن؛ او کنیز من است» (صدوق، ۱۴۰۱، ج ۳: ۲۲۹) (حسینی بحرانی، ۱۳۳۴، ج ۱: ۳۳۹)

بنابراین مسأله خواستگاری مرد از زن، از همان ابتدای خلقت انسان بوده است و در اولین ازدواج انسان، خواستگاری مرد از زن بوده است؛ بنابراین، این ادعا که خواستگاری مرد از زن بر اساس فطرت است، ادعای گزافی نیست (عاملی، ۱۴۰۰، ج ۱: ۱۱۳)

اما جالب اینجاست که در فرهنگ شیعی نیز این نوع از ازدواج در مورد حضرت علی و فاطمه نیز بیان شده است.

آنچه مسلم است این است که حضرت فاطمه (س) خواستگاران بسیاری داشته‌اند. بدین جهت که پدر ایشان چه قبل و چه بعد از بعثت از مردان شریف و بزرگ عرب و قریش بوده‌اند و از جهت دیگر شخصیت حضرت فاطمه (س) شخصیتی بسیار والا و بزرگ بود.

در طبقات ابن سعد چنین آمده است: پیش از حضرت علی (ع) افرادی مانند ابوبکر و عمر آمادگی خود را برای ازدواج با دختر پیامبر گرامی اسلام اعلام کرده بودند و هر دو از پیامبر یک پاسخ شنیده بودند و آن اینکه درباره ازدواج فاطمه (س) منتظر وحی الهی است (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۸: ۱۱)

از این مطلب چنین برداشت می‌شود که جواب پیامبر گرامی اسلام در مورد پیشنهاد ازدواج ابوبکر و عمر منفی بود.

در مناقب ابن شهر آشوب ماجرای پیشنهاد ازدواج عبدالرحمن بن عوف و عثمان بن عفان که هر دو از ثروتمندان بزرگ بودند این چنین آمده است: آن دو برای خواستگاری از فاطمه (س) خدمت پیامبر گرامی اسلام رسیدند عبدالرحمن عرض کرد یا رسول الله اگر فاطمه را به من تزویج کنی، حاضر یکصد شتر که بارهایشان پارچه‌های کتان اعلای مصر می‌باشد و ده هزار دینار مهریه‌اش کنم. عثمان نیز اظهار داشت: یا رسول الله من هم به این مهریه حاضر و بر عبدالرحمن برتری دارم زیرا از او زودتر مسلمان شده‌ام.

پیامبر گرامی اسلام از سخن آنان ناراحت شد و فرمود به مال آن‌ها علاقه ندارد داستان ازدواج، داستان خریدوفروش و مبادله ثروت نیست. هم‌چنین به عبدالرحمن فرمود خیال می‌کنی من بنده پول و ثروتم و به‌وسیله ثروت خود بر من فخر و مباهات می‌کنی و می‌خواهی به‌وسیله پول ازدواج را بر من تحمیل کنی (ابن شهر آشوب، ۱۳۱۳، ج ۳: ۳۴۵)

از این مطلب چنین استنباط می‌شود مال و ثروت از نظر پیامبر گرامی اسلام مهم نبوده است. افتاد جامعه امروزی اگر فردی درخواست و تقاضای ازدواج کند دارایی و ثروت آن برای طرف مقابل جزء ملاک‌های اصلی قرار می‌گیرد بنابراین توصیه می‌شود پیامبر گرامی اسلام و معصومین (ع) الگو قرار بگیرند، و نهی از میل افراطی به ثروت داد دارایی و ثروت ضامن خوشبختی نیست شاید باعث آسایش و رفاه زندگی شود اما آرامش و امنیت را تضمین نمی‌کند.

ماجرای این ازدواج در قصص الانبیاء چنین آمده است: همان‌که فاطمه (س) به دختر جوانی مبدل گشت که خواستگاران زیادی داشت، چون همه می‌دانستند پیامبر (ص) چقدر به این دختر دردانه خود علاقه‌مند است، پس وصلت با او را افتخاری برای خویش محسوب می‌کردند، اما پیامبر (ص) در این خصوص در انتظار فرمان الهی بسر می‌برد و خواستگاران را باظرافت رد می‌کرد، اما زمانی که علی (ع) برای خواستگاری قدم پیش نهاد، پیامبر (ص) به آن حضرت فرمود: هم‌اکنون جبرئیل به نزد من آمد و ابلاغ کرد، خداوند تو را در آسمان به همسری فاطمه (س) برگزیده و فرشتگان را بر این وصلت گواه گرفته است (جزایری، ۱۳۸۱: ۷۱۵)

پیامبر (ص) به واسطه وحی به‌خوبی می‌دانست که جزء علی (ع) هیچ‌کس در روی زمین لیاقت و شایستگی همسری فاطمه را ندارد، اما از آنجا که در اسلام روا نیست پدر بدون اجازه دختر، قول همسری او را به مردی بدهد، پیامبر (ص) ضمن ابراز موافقت خویش جواب قطعی را به موافقت فاطمه (س) موکول نمود. آنگاه به نزد فاطمه (س) رفت و ابتدا درباره فضایل علی (ع) و سوابق او در اسلام برای فاطمه (س) سخن گفت و سپس پیشنهاد خواستگاری آن حضرت را مطرح نمود و منتظر پاسخ فاطمه (س) نشست، فاطمه زهرا (س) که خود به‌خوبی از صفات بی‌همتای علی (ع)

خدمات پژوهشی مهرگان در ایتا و تلگرام

فصل سوم: الگوهای پیشنهاد ازدواج در سیره انبیاء الهی و اهل بیت علیهم السلام ۳۵

آگاه بود، سربه‌زیر افکند و پاسخی نداد، آنگاه رسول خدا (ص) تکبیر گفت و فرمود: سکوت نشانه رضایت است (همان: ۷۱۶)

با توجه به آنچه گفته شد ازدواج حضرت علی (ع) با حضرت فاطمه (س) به همانندی ایمان و ویژگی‌های اخلاقی اشاره دارد، البته همتایی و همانندی نسبی است، چنان‌که در بحارالانوار آمده است: «الْكَفُو أَنْ يَكُونَ غَفِيفاً وَ عِنْدَهُ يَسَارٌ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰: ۳۷۲) همانندی به این است که فرد پاک‌دامن و زندگی با او همراه با آسایش باشد.

البته در تأکید همتایی و همانندی که نسبی هستند امام رضا (ع) می‌فرماید: اگر ما می‌خواستیم اعضای خانواده خود را به افرادی کاملاً هم‌تا و هم‌شان ما باشند، به همسری بدهیم بدون همسر می‌ماندند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵: ۳۶۷)

در امالی شیخ طوسی چنین آمده است: بعد از سکوت جبریل نزد پیامبر گرامی اسلام آمد و گفت: ای محمد او را به ازدواج علی (ع) درآور که خداوند این دو را برای هم پسندیده است (طوسی، ۱۴۱۴: ۳۹)

با این حرکت رسول خدا (ص) می‌خواست به مسلمانان درس عملی زندگی دهد تا بدانند از نظر اسلام از یک طرف دختر صاحب کرامت و حق اختیار است و می‌تواند همسر آینده خود را، خود برگزیند و از طرف دیگر پدر او نیز صاحب حق مشورت است و خیر و صلاح او را می‌شناسد، ولی حق اعمال زور و تحمیل بر دختر را ندارد، درحالی‌که در زمان جاهلیت زن به‌مثابه کالایی به خریدوفروش رفته و حتی به ارث می‌رسید (جزائری، ۱۳۸۱: ۷۱۶)

از این مطلب چنین استنباط می‌شود رضایت دختر در مورد رد یا پذیرفتن خواستگار در سیره اهل بیت علیهم السلام موردتوجه بوده است با توجه به اینکه زن در اسلام دارای ارزش و صاحب‌اختیار است و هیچ اعمال زور و تحمیلی بر دختر در ازدواج را والدین او ندارند.

این امر حتی در سیره سایر اهل بیت علیهم السلام نیز دیده شده است. چنانکه روایت شده است که زمانی که یکی از فرزندان امام حسن (ع) که او نیز حسن نام داشت از یکی از دو دختر امام حسین (ع) خواستگاری کرد. امام حسین به او فرمود: ای پسر عزیزم! هر کدام را که دوست داری انتخاب کن. حسن خجل شد و جوابی نگفت. امام حسین فرمود: من فاطمه را برای تو انتخاب نمودم، زیرا این فاطمه شباهت بیشتری به مادرم فاطمه زهرا دارد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۴: ۱۷۵)

از این مطلب نیز چنین استنباط می‌شود همتایی و همانندی در سیره اهل بیت (ع) برای درخواست‌کننده ازدواج از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. البته منظور از همتایی و همانندی در سیره آن بزرگواران از نظر ایمان و اعتقادی مدنظر می‌باشد.

ماجرای پیشنهاد ازدواج پیامبر گرامی اسلام با ام هانی دختر ابوطالب عموی خود در تفسیر عاملی چنین آمده است: در تفسیر آیه «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ» ابو ا لفتح سدی از ابو صالح نقل کرده است: پیامبر گرامی اسلام به ام هانی دخترعموی خود پیشنهاد ازدواج داد امّا طبق این آیه همسرانی بر پیامبر (ص) حلال هستند که از مکه به مدینه هجرت کرده‌اند و چون ام هانی هجرت نکرده بود پیامبر (ص) از پیشنهاد خود ممنوع شد (عاملی، ۱۳۶۰، ج ۷: ۱۷۳)

ظاهراً این امر، هجرت کردن از مکه به مدینه همسران اختصاص به پیامبر گرامی اسلام دارد. ماجرای ازدواج امام سجاد (ع) در بحارالانوار چنین آمده است: زراره از حضرت باقر (ع) نقل می‌کند که فرمود: علی بن الحسین خانمی را در مکه مشاهده کرد و نسبت به کمالات او متعجب شد، سپس او را برای خود خواستگاری نمود و با او ازدواج نمود. حضرت دوستی داشت که نسبت به این ازدواج به او انتقاد داشت چرا با خانمی نا آشنا وصلت کردی، مردم هم چنین نظری دارند. آن حضرت جواب داد خداوند متعال اسلام را آورد و با آن پستی و فرومایگی را برطرف نمود و نقص‌های اجتماعی را به آن اتمام فرمود، سرزنش‌ها و نکوهش‌ها را به کرامت تبدیل کرد پس سرزنشی بر مسلمانان نیست هر آینه سرزنش، سرزنش جاهلیت است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۶: ۲۰۰)

از این روایت چنین برداشت می‌شود که ملاک انتخاب و همسرگزینی برحسب شرافت فامیلی، شهرت و خویشاوندی نیست. در سیره امامان معصوم (ع) ملاک پیشنهاد ازدواج برتری اسلام است، چنان‌که در قرآن کریم سوره حجرات آیه ۱۳ تقوا ملاک برتری افراد است از این‌رو معصومین (ع) با وجود معرفت علمی و معنوی با کسانی ازدواج می‌کردند که موقعیت اجتماعی آن‌چنانی نداشتند این امر بیان‌گر این است که در سیره معصومین (ع) همسانی طبقه اجتماعی چندان مهم نبوده است و ملاک اصلی در سیره آن بزرگواران ایمان فرد بوده است.

رسم پیشنهاد ازدواج مرد از زن به این خاطر است که حیا، عفت و شئون زن خدشه‌دار نشود. هم‌چنین پیشنهاد از سوی مرد به خاطر حیثیت، لطافت و ظرافت زن است. گوهر را در موزه نگهداری می‌کنند و خواستاران برای دیدن آن موجود ارزشمند به سراغش می‌روند (لطفی و قربانی، ۱۳۸۸: ۴۵)

در اهمیت این نوع از پیشنهاد ازدواج شهید مطهری می‌فرماید: این‌که مردان از قدیم‌الایام به‌عنوان خواستگاری نزد زنان می‌رفته‌اند و از آن‌ها تقاضای همسری می‌کرده‌اند، از بزرگ‌ترین عوامل حفظ حیثیت و احترام زن بوده است. طبیعت مرد را مظهر طلب و عشق و تقاضا آفریده است و زن را مظهر مطلوب بودن و معشوق بودن است، احساسات مرد طالبانه و احساسات زن مطلوبانه است (مطهری، ۱۳۷۸: ۵۳)

خدمات پژوهشی مهرگان در ایتا و تلگرام

فصل سوم: الگوهای پیشنهاد ازدواج در سیره انبیاء الهی و اهل بیت علیهم السلام ۳۷

۳-۱-۳ واسطه‌گری

تشکیل خانواده (ازدواج) در اسلام مورد تشویق قرار گرفته و همگان موظف شده‌اند مقدمات آن را برای افراد بی‌همسر فراهم کنند

بحث واسطه‌گری در فرمایشات خداوند متعال و همچنین سیره معصومین علیهم السلام ذکر شده است چنان‌که خداوند مهربان در قالب یک امر ارشادی، در آیه‌ی شریفه ۳۲ سوره نور می‌فرماید «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ».

در همسانی^۱ ازدواج در کتب مقدس آمده است که حضرت ابراهیم به ناظر خود که رئیس نوکرانش بود گفت دستت را زیر ران من بگذار و به خداوند خدای آسمان و زمین قسم بخور که نگذاری پسر من با دختر کنعانی ازدواج کند به زادگاهم نزد خویشانم برو و در آنجا برای اسحاق همسری انتخاب کن (سفر پیدایش ۲۴: ۳-۲)

از مطلب فوق چنین استنباط می‌شود که در تورات توجه به طبقه اجتماعی همسر تأکید شده است. امری که در سیره معصومین (ع) زیاد لحاظ نشده است، و از آنجایی که ابراهیم (ع) از انبیاء بوده است این نژادپرستی با شخصیت توحیدی ایشان ناسازگاری می‌نماید.

با توجه به آنچه گفته شد: آیین یهود پیروان خود را از ازدواج با بیگانگان بر حذر داشته است. و آن به سبب مصونیت اعتقادی پیروان یک دین و حفظ ملیت و اصالت نژادی و قومی بوده است. همچنین ماجرای ازدواج یوسف (ع) در تورات این چنین آمده است: پرعوه (پادشاه مصر) آسنت دختر پوطیفرع کاهن اون را به همسری به یوسف (ع) داد و او در سرزمین مصر شهرت یافت (معارف و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۵)

اینکه در بعضی از روایات و تفاسیر فریقین گفته شده که حضرت یوسف با زلیخا ازدواج کرده است به نظر می‌رسد بی‌اساس است با توجه به اینکه در تورات و قرآن کریم خبر یا مطلبی درباره ازدواج حضرت یوسف با زلیخا نیامده است.

همچنین در کتاب داوران ماجرای ازدواج سامسون چنین آمده است: یک روز سامسون به تمنه رفته بود، دختری فلسطینی توجه او را جلب نمود، چون به خانه بازگشت جریان را با پدر و مادرش در میان گذاشت و از آن‌ها خواست تا آن دختر را برایش خواستگاری کنند (داوران ۱۴: ۳)

^۱ یکی از مهم‌ترین شرایط ازدواج در یهود همسانی زن و مرد در برخی مسائل است کفویت زن و مرد در ازدواج شامل حوزه‌های گوناگونی همچون مسائل اعتقادی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و غیره می‌شود که درجه برتری اولویت هر یک از آن‌ها متفاوت بوده است و برخی از اهمیت بسزایی نسبت به دیگری برخوردار هستند (بوجاری و پرچم، ۱۳۹۲: ۲۶)

بنابراین بر مبنای کتب مقدس (عهد عتیق) به نظر می‌رسد واسطه‌ها خصوصاً والدین در امر ازدواج نقش مهمی داشته‌اند. یکی از مواردی که این نوع از پیشنهاد ازدواج در آن آمده است ماجرای ازدواج شکیم پسر حمور از دینه در کتاب مقدس و در سفر پیدایش است. در روایت خواستگاری شکیم پسر حمور (از اهالی کنعان) از دینه دختر یعقوب آمده است پدر شکیم نزد یعقوب می‌رود تا دینه را برای پسرش خواستگاری کند (سفر پیدایش ۳۴:۱۲) بنابراین روایت تصمیم‌گیرنده اصلی نیز پدر بوده، بدون اینکه نظر دینه را بپرسد. با توجه به روایاتی که در تورات در مورد ازدواج آمده است چنین می‌توان دریافت که پیشنهاد ازدواج از سوی زن مورد نکوهش و سرزنش قرار گرفته است.

۳-۱-۳ اهمیت وساطت در ازدواج از منظر اهل بیت علیهم السلام

وساطت در امر ازدواج در سیره اهل بیت علیهم السلام و هم‌چنین معصومین (ع) مورد توجه بوده است و روایاتی هم در فضیلت این کار از ایشان صادر شده است که در ذیل به نمونه‌ای از آن‌ها می‌پردازیم:

حضرت علی (ع) فرمودند: بهترین میانجیگری و وساطت در امر ازدواج است (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴ : ۱۷۳)

در تهذیب نیز این چنین آمده است: قال امیرالمؤمنین (ع) «أَفْضَلُ الشَّفَاعَاتِ أَنْ تَشْفَعَ بَيْنَ اثْنَيْنِ فِي نِكَاحٍ حَتَّى يَجْمَعَ اللَّهُ بَيْنَهُمَا» حضرت امیر فرمودند از بهترین شفاعت‌ها، شفاعت بین دو نفر در امر ازدواج است تا اینکه خداوند آنان را مجذوب یکدیگر گرداند (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۷ : ۴۰۵)

پیامبر گرامی اسلام فرمودند: هر کس در تزویج زن و مرد مؤمن بکوشد، خدا آن‌ها را با یکدیگر جمع کند، به هر گامی که برمی‌دارد یا کلمه‌ای که در این راه می‌گوید خداوند ثواب یک سال عبادت را به او می‌بخشد (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۴ : ۲۷۰)

امام موسی بن جعفر (ع) فرمودند: «ثَلَاثَةٌ يَسْتَظِلُّونَ بِظِلِّ عَرْشِ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَوْمٌ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ رَجُلٌ زَوَّجَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ أَوْ أَخَذَمَهُ أَمْ كَتَمَ لَهُ سِرًّا» سه کس در روز قیامت، روزی که سایه و پناهی جزء سایه‌ی خداوند نیست، در سایه و پناه خداوند هستند از جمله کسی که برادر مسلمانش را زن دهد، کسی که به برادر مسلمانش خدمت کند، کسی که سر برادر مسلمانش را بپوشاند (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰ : ۴۶)

خدمات پژوهشی مهرگان در ایتا و تلگرام

فصل سوم: الگوهای پیشنهاد ازدواج در سیره انبیاء الهی و اهل بیت علیهم السلام ۳۹

در اهمیت این نوع از پیشنهاد ازدواج در مکارم الاخلاق چنین آمده است که امام صادق (ع) فرمود: بهترین واسطه‌گری در ازدواج است تا خداوند بین دو نفر حلال را جمع کند (طبرسی، ۱۴۱۲. ج ۱: ۳۷۴)

و در ارشاد القلوب آمده است: هر کس در ازدواج زن و مردی تلاش کند، خداوند به تعداد هر مویی از بدنش شهری در بهشت به او کرامت می‌فرماید و اگر موقع رفتن به خانه خود از دنیا برود در قیامت جزء شهیدان خواهد بود (دیلمی، ۱۴۱۲. ج ۱: ۴۵۷)

حضرت علی (ع) می‌فرماید: بهترین وساطت‌ها این است که میان دو نفر درباره ازدواج وساطت کنی تا خداوند میان آن دو جمع کند (بروجردی، ۱۳۸۶. ج ۲۵: ۹۵)

از آنجاکه واسطه‌ها نقش مهمی در پیشنهاد ازدواج دارند توصیه می‌شود از ایده‌آل نگری اجتناب شود.

والدین وقتی می‌خواهند به‌عنوان افراد باتجربه فرزندان را در گزینش همسر یاری کنند، باید از ایده‌آل نگری بپرهیزند و به دنبال این نباشند که همسر و فرزند آن‌ها تمام شرایط و جزئیات را داشته باشد شرایط نسبی است.

ماجرای ازدواج زیدبن حارثه با زینب بنت جحش چنین آمده است:

زینب بنت جحش از قبیله‌ی قریش و دارای منزلت و موقعیت اجتماعی بالا و از زنان اولیه مهاجر و دختر عمه پیامبر (ص) بود. پیامبر (ص) از وی برای زید بن حارثه که یک برده‌ی آزاد شده بود و از بازار عکاظ خریداری شده بود، اگرچه به واسطه اسلام و پیامبر (ص) (موقعیت خوبی پیدا کرده بود) خواستگاری کرد. زینب راضی به این ازدواج نبود و به پیامبر (ص) گفت: «تزوج بنت عمتک مولاتک؟!» (طبرسی، ۱۴۰۳. ج ۴: ۳۰۹) و نیز گفت: «أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ حَسَبًا» (طباطبایی، ۱۹۷۲. ج ۱۶: ۳۲۶، به نقل از تفسیر درالمنثور) اما پس از نزول آیه‌ی مبارکه «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا» (قرآن، احزاب: ۳۶) وی راضی به این ازدواج شد (ابن اثیر، ۱۳۷۷. ج ۳: ۲۴۴) اغلب مفسرین این شأن نزول را با اندک تفاوتی در ذیل آیه بیان کرده‌اند. پس از مدتی پیامبر زینب بنت جحش را به ازدواج زید بن حارثه درآورد؛ اما این دو با هم سازگاری نداشتند و زید، زینب را طلاق داد و پس از گذراندن عده، پیامبر (ص) با زینب ازدواج کرد. مردم با دیدن این ماجرا گفتند: پیامبر (ص) با عروس خود یعنی همسر طلاق داده شده زید ازدواج کرده است و او را طعن می‌زدند؛ زیرا آن را حرام دانسته و زن پسرخوانده را مانند زن پسر واقعی به حساب می‌آوردند. منافقین هم به ماجرا دامن زده و می‌گفتند: زنان پسران ما را بر ما حرام می‌کند، آن وقت خودش با همسر پسرش ازدواج می‌کند؛ در اینجا بود که آیه‌ی «وَمَا جَعَلَ

أَذْعِيَاءَكُمْ «أَبْنَاءَكُمْ» نازل شد (قمی، ۱۳۸۷ . ج ۲ : ۱۷۳) (طباطبائی، ۱۹۷۲ . ج ۱۶ : ۲۸۰)
سیوطی، ۱۴۰۳ . ج ۶ : ۵۶۳)

بنابراین با توجه به آیهی ۳۶ سوره احزاب می‌توان دریافت که ازدواج زینب بنت جحش با زید خط بطلانی بر ضرورت همسانی در طبقه اجتماعی کشید و پیامبر گرامی اسلام بر مبنای ایمان این وساطت را انجام داد.

ازجمله مواردی که این نوع از پیشنهاد ازدواج در آن آمده است ماجرای ازدواج پیامبر گرامی اسلام با حضرت خدیجه (س) است. گرچه گفته شده است که پیشنهاد ازدواج در وهله اول از سوی خدیجه مطرح شده بود (عاملی، ۱۴۰۰، ج ۱: ۱۱۳).

در منابع فقه شیعه این چنین آمده است: ابوطالب نزد عموی خدیجه رفت و فرمود همانا فرزند برادرم (رسول خدا) از کسانی است که با هر یک از قریش سنجیده شود برتر خواهد بود و هیچ کس با او قیاس نشود جزء آن که فرزند برادرم برتر از او خواهد بود، او همتایی در خلق ندارد او به خدیجه علاقه مند و خدیجه نیز به او متمایل است و ما آمده ایم تا از خدیجه با رضایت و خواست او نزد تو خواستگاری کنیم و مهر او به عهده من است آنگاه ابوطالب ساکت شد و عموی خدیجه لب به سخن گشود و پاسخ روشن و شایسته ای به ابوطالب نداد (بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۲۵: ۲۶۹)

بر این اساس، ابوطالب خدیجه را از عمویش برای پیامبر خواستگاری کرد. ورقه که خود جزو مسیحیان بود پاسخ روشنی نداد در این میان خدیجه شروع به سخن کرد و گفت: ای عموجان تو در میان شاهدان بر من بیش از دیگران ولایت داری ولی ولایت بیش از خودم نیست آنگاه به پیامبر خطاب کرد: ای محمد، خویش را همسر تو ساختم و مهر نیز بر عهده خودم و در مال خودم باشد به عمومیت دستور ده تا شتری بکشد و با آن مهمانی دهد و شما نزد همسرت بیا (بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۲۵: ۲۶۷)

یکی از مواردی که در آن به‌نوعی از این پیشنهاد ازدواج اشاره شده است مجرای خواستگاری آمنه دختر ابوسفیان برای پیامبر گرامی اسلام است، که امام رضا (ع) در این باره می‌فرماید: هنگامی نجاشی، آمنه دختر ابوسفیان را برای پیامبر گرامی اسلام خواستگاری کرد، او را به همسری پیامبر (ص) درآورد و غذا آماده کرد و گفت: یکی از سنت‌های پیامبران مرسل غذا دادن به هنگام ازدواج است (بروجردی، ۱۳۸۶. ج ۲۵: ۲۶۱)

هم چنین مجرای ازدواج پیامبر گرامی اسلام با ام سلمه این گونه آمده است: ام سلمه فرمود که پیامبر، حاطب بن ابی بلتعه را به خواستگاری من فرستاد. من گفتم: به رسول الله عرض کن: من دو مانع دارم، یکی آن که دختری دارم از ابو سلمه دوم آن که من غیورم، یعنی نمی توانم ببینم که

خدمات پژوهشی مهرگان در ایتا و تلگرام

فصل سوم: الگوهای پیشنهاد ازدواج در سیره انبیاء الهی و اهل بیت علیهم السلام ۴۱

زنان متعدد داشته باشی پیامبر فرمود: من دعا می‌کنم اولاً: دختری را خداوند از تو بی‌نیاز کند دوم آن‌که غیرت را از تو بگیرد یعنی همان حالت را (شهید ثانی، ۱۳۷۵، ج ۵۵: ۵۴)

بنابراین به نظر می‌رسد با توجه به تأکید منابع اسلامی بر خصوصیات اخلاقی مانند غیرت در مردان و نفی آن در زنان (نهج‌البلاغه، کلمات قصار ۱۲۴) همسانی زوجین در همه ابعاد اخلاقی از دیدگاه اسلام روا نیست.

ماجرای ازدواج پیامبر گرامی اسلام با سوده در طبقات الکبری ابن سعد چنین آمده است: پس از رحلت حضرت خدیجه (س) خوله بنت حکیم بن امیه همسر عثمان بن مظعون پیش پیامبر (ص) آمد و گفت فکر می‌کنم پس از مرگ خدیجه تنها شده‌اید اگر مایل باشید برای شما خواستگاری کنم وی به خواستگاری سوده رفت و مقدمات ازدواج این دو را فراهم آورد (ابن سعد، ج ۸: ۷۹)

شاید بتوان گفت که انبیاء در قصه ازدواجشان موضع انفعال داشتند یا منتظر حکم خداوند درباره خود بودند و یا در برابر تصمیم والدین سر تسلیم فرومی‌آوردند؛ اما از منظر جامعه‌شناسی، تعیین تکلیف افراد به وسیله پدر خانواده را شاید بتوان از موضع پدر سالارانه تبیین کرد.

برخی از ازدواج‌های پیامبر طبق مصلحت بود از جمله ازدواج بامیمونه را که عباس عموی پیامبر که در مکه جامانده بود به رسول خدا پیشنهاد داد (شجاعی، ۱۳۸۴: ۱۲۰)

همچنین ماجرای ازدواج مقداد بن اسود کندی این‌گونه نقل شده است که مؤمنان همتایان یکدیگرند پیامبر گرامی اسلام صناعه دختر زبیر بن عبدالمطلب را به ازدواج مقداد بن اسود کندی درآوردند سپس فرمودند: ای مردم من دخترعمویم را با مقداد تزویج کردم تا ازدواج از سخت‌گیری‌های بی‌جا فروافتد (بروجردی، ۱۳۸۶: ۱۱۱)

بنابراین مطلب ازدواج در سیره انبیاء و معصومین (ع) بیشتر تأکیدش بر همتایی دینی و اعتقادی است.

به نظر می‌رسد دلیل پسندیده بودن جایگاه واسطه‌گری در ازدواج در دین و فرهنگمان این است نکاح با رعایت تمامی چارچوب‌های عقلی و عرفی و حفظ شئون مرد و زن همراه باشد.

یکی از مواردی که به این نوع پیشنهاد ازدواج اشاره شده است ماجرای ازدواج امام موسی کاظم (ع) با نجمه است که پیشنهاد ازدواج از طرف مادر پسر بوده است چنین آمده است حمیده همسر امام صادق (ع) نجمه را که کنیزی از اهالی مغرب بود خرید و به منزل برد نجمه در خانه، حمیده را بسیار احترام می‌کرد. روزی حمیده در عالم رؤیا رسول گرامی اسلام را دید که به او فرمودند ای حمیده، نجمه را به ازدواج فرزند خود موسی درآور سپس حمیده به فرزندش فرمود

پسرم نجمه بانویی است که من هرگز بهتر از او را ندیدم زیرا در زیرکی و محاسن اخلاق مانندی ندارد.

از این مطلب چنین برداشت می‌شود که بعضی از امامان معصوم با کنیزان ازدواج می‌کردند و دنبال این نبودند با ازدواج به شهرت برسند ملاک آن‌ها اسلام بود و هر کس در دین خداوند پاکیزه باشد هرگز در هیچ امری دچار اخلال و مشکل نخواهد شد. با توجه به اینکه در دوران جاهلیت ازدواج طبقاتی، نژادی و اشرافی گری رایج بود پیامبر گرامی اسلام و معصومین (ع) در مبارزه با امتیازات جاهلیت، ازدواج با کنیزان عفیف و پاک‌دامن در بین آن بزرگواران رسم بود. بنابراین به نظر می‌رسد که در ادبیات دینی مسئله واسطه‌گری در ازدواج مسئله‌ای حائز اهمیت است و فردی که می‌خواهد ازدواج کند و در خیلی از موارد کسی را نمی‌شناسد که مستقیماً به سراغ او برود نیازمند این است که از افرادی کمک بگیرد.

۳-۱-۳-۲ پیشنهاد از سوی پدر دختر

از جمله مواردی که در کتاب مقدس به این نوع از ازدواج اشاره شده است در همان سفر پیدایش و در ماجرای حضرت لوط است. بر طبق سفر پیدایش هنگامی که دو فرشته به دروازه شهر سدوم رسیدند. لوط آنجا نشسته بود به محض مشاهده آن‌ها از جا برخاست و به استقبالشان شتافت و گفت ای سروران من امشب به منزل من بیاوید و مهمان من باشید. فردا صبح هر وقت بخواهید می‌توانید حرکت کنید ولی آن‌ها گفتند در میدان شهر شب را به سر خواهیم برد. لوط آنقدر اصرار نمود تا اینکه آن‌ها راضی شدند و به خانه وی رفتند او از آن‌ها پذیرایی نمود سپس درحالی که آماده شدند بخوابند مردان شهر سدوم پیر و جوان منزل لوط را محاصره نمودند و فریاد زدند ای لوط آن دو مرد را که مهمان تو هستند پیش ما بیاور تا با آن‌ها تجاوز کنیم. لوط از منزل خارج شد تا با آن‌ها صحبت کند و در را پشت سر خود بست. او به ایشان گفت دوستان خواهش می‌کنم چنین کار زشتی نکنید من دو دختر باکره دارم آن‌ها را به شما می‌دهم هر کاری که دلتان می‌خواهد با آن‌ها بکنید اما به این دو مرد کاری نداشته باشید چون آن‌ها در پناه من هستند (سفر پیدایش، ۱۹:۲۴)

از این مطلب تورات چنین استنباط می‌شود که در سنت انبیاء امر ناپسند لواط آن‌چنان مذموم است که نبی دوران دختران خویش را به کسانی که مبتلا به این امر ناپسند بودند برای ازدواج پیشنهاد می‌دهد. این امر خود نشان از این است که حتی پیشنهاد دختر از سوی پدر برای مردی دیگر در آن دوره امری نادرست نبوده بلکه خود سنتی برای ترویج ازدواج و راهی برای

خدمات پژوهشی مهرگان در ایتا و تلگرام

فصل سوم: الگوهای پیشنهاد ازدواج در سیره انبیاء الهی و اهل بیت علیهم السلام ۴۳

دوری کردن از چنین افعال مذمومی بوده است که همه سنت‌های دینی با آن به مخالفت پرداخته‌اند.

ازجمله مواردی که به این نوع از پیشنهاد ازدواج اشاره شده است ماجرای ازدواج حضرت موسی در کتاب مقدس و سفر خروج است: بعد از کشته شدن مصری، موسی به سرزمین مدیان فرار کرد روزی در آنجا سر چاهی نشسته بود. هفت دختر يترون کاهن مدیان آمدند تا از چاه آب بکشند آبشخورها را پر کنند تا گله پدرشان را سیراب نمایند ولی چوپانان دختران يترون را از سر چاه کنار زدند تا گله‌های خود را سیراب کنند. اما موسی جلو رفت و چوپانان را عقب راند و به دختران کمک کرد تا گوسفندان‌شان را آب دهند هنگامی که دختران به خانه بازگشتند پدرشان پرسید چطور شد که امروز این قدر زود برگشتید گفتند یک مرد مصری به ما کمک کرد و چوپانان را کنار زد و برایمان از چاه آب کشید و گله را سیراب کرد پدرشان پرسید چرا او را با خود نیاوردید بروید او را دعوت کنید تا با ما غذا بخورد موسی دعوت را قبول کرد و از آن‌پس در خانه آن‌ها ماند يترون هم دختر خود صفوره را به عقد موسی درآورد (سفر خروج، ۱۵:۲)

از این داستان نیز چنین فهمیده می‌شود يترون بدون اینکه نظر دخترش را بپرسد او را به عقد موسی درآورد و این بیانگر عدم اختیار دختر در انتخاب همسر می‌باشد.

طبق قانون یهود، دختر متعلق به پدرش است و در ازدواج، داماد عروس را از پدرش دریافت کرده و صاحب‌اختیار او می‌شود (صاحب‌الزمانی، ۱۳۹۴: ۶۴)

از این روایت تورات چنین فهمیده می‌شود که دختر در پیشنهاد ازدواج نقشی ندارد و تصمیم‌گیرنده ازدواج او پدر و برادرانش می‌باشد و این یک نوع ازدواج تحمیلی است و قابل قبول نمی‌تواند باشد.

یکی از ماجراهای قرآنی که در آن به نوعی به شیوه‌ای از پیشنهاد ازدواج اشاره شده، داستان ورود موسی (ع) به وادی شعیب و آب دادن گوسفندان شعیب پیامبر است که در نتیجه این رفتار دختران، حسن رفتار موسی را به پدر پیر خویش گزارش می‌کنند: «يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ» (قرآن، قصص: ۲۶) این دختر، نیرومندی موسی علیه‌السلام را هنگامی که او برای وی و خواهرش از چاه، آب بیرون آورد، دیده بود و نیز پاکی موسی علیه‌السلام را زمانی احساس کرد که او را به نزد پدرش فراخواند (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۶: ۱۰۵) در ادامه در همین سوره آیه بیان می‌شود: «قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ نَمُنَ بِكَ بِإِخْوَتِكَ إِبْنَتِي هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِي حِجَاجٍ فَإِنْ أَتَمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَمْلِكَ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ» (قرآن، قصص: ۲۶) در این آیه شعیب (ع) پیشنهادی به موسی (ع) می‌کند و آن اینکه خود را برای هشت و یا ده سال اجیر او کند، در مقابل او هم یکی از دو دختر خود را به همسری به عقد

وی درآورد. البته این قرارداد عقد قطعی نبوده است به شهادت اینکه شعیب (ع) معین نکرده که کدامیک از آن دو همسر وی باشند. و ازجمله «إِخْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ» برمی آید که دختران در آن هنگام حاضر بوده‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ۲۷ و ۲۸)

در تفسیری دیگر نیز چنین آمده است که این ازدواج یک ازدواج ساده نبود بلکه مقدمه ای بود برای ماندن موسی در مکتب شعیب، مقدمه ای بود برای اینکه موسی یک دانشگاه بزرگ را در این مدت طولانی طی کند و موسی (ع) بسیاری چیزها از پیر مدین فرا گرفت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ج ۱۶: ۷۰).

به گفته مغنیه فقیهان درباره این آیه فراوان سخن گفته و بدان استدلال کرده‌اند. در اثبات این که سرپرست زن می‌تواند زن را به منظور ازدواج بر مرد عرضه کند ... اماحق آن است که علاوه بر سرپرست، [خواستگاری] از طرف مرد و هم از طرف خود زن نیز روا می‌باشد. دلیل این دیدگاه قاعده «اصل» است و نیازی به نص ندارد. امامیه و شافعیه می‌گویند: ازدواج تنها با گفتن واژه تزویج [زوجت] و نکاح [انکحت] منعقد می‌شود. البته، منشأ عقیده آنان عطف آیه ۳۷ از سوره احزاب بر این آیه است پس چون زید از او حاجت خویش بگزارد، به همسری تواس درآوریم. مالکیه و حنابلّه می‌گویند: ازدواج با واژه هبه [وهبت] نیز منعقد می‌شود. اینان به آیه ۵۰ از سوره احزاب استدلال کرده‌اند: «و نیز زن مؤمن را [حلال کردیم] که خود را به پیامبر بخشیده باشد». حنفیه می‌گوید: ازدواج با هرلفظی که بر قصد ازدواج دلالت کند حاصل می‌شود (مغنیه، ۱۴۲۴. ج ۷: ۱۰۵)

گویند: هنگامی که دختر از قوت و امانت موسی سخن گفت: شعب پر سید:

از کجا میدانی که قوی و امین است؟ پاسخ داد: قوتش را از آنجا فهمیدم که سنگ عظیمی را از روی چاه برداشت و امانتش را از آنجا دانستم که به من گفت: از پشت سرم راه برو. زیرا خوش ندارم که باد لباس‌های ترا حرکت دهد و دندنت را به من بینمایاند.

این جواب دختر، رغبت و علاقه شعیب را نسبت به موسی زیاد کرد.

به گفته علامه طباطبائی از این آیه «قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِي حَجَّجٍ فَإِنْ أَتَمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ» [شعیب] گفت من می‌خواهم یکی از این دو دختر خود را [که مشاهده می‌کنی] به نکاح تو درآورم به این [شرط] که هشت سال برای من کار کنی و اگر ده سال را تمام گردانی اختیار با تو است و نمی‌خواهم بر تو سخت‌گیرم و مرا آن شاء الله از درستکاران خواهی یافت (قرآن، قصص: ۲۷) چنین می‌توان دریافت که آنچه امروز مطرح است که پیشنهاد پدر و اقوام دختر را

ازدواج با زنان پاکیزه‌تر است بلکه منظور این است ازدواج با دختران من عملی است پاک و هیچ شایبه زشتی و پلیدی در آن نیست (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۰: ۳۳۸) هم چنین در این آیه جمله «هَؤُلَاءِ بَنَاتٍ» را مقید کرد به قید «هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ» برای اینکه بفهماند منظور لوط از عرضه کردن دختران خود این بوده که مردم با آن‌ها ازدواج کنند نه اینکه از راه زنا شهوات خود را تسکین دهند و حاشا بر مقام یک پیامبر که چنین پیشنهادی بکند برای اینکه در زنا هیچ طهارتی وجود ندارد. هم چنان‌که قرآن کریم فرموده «وَلَا تَقْرَبُوا الزَّانَا إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۰: ۳۳۹)

با توجه به اینکه قوم لوط کافر، و دچار عمل شنیع اخلاقی بودند آیا جایز بود که لوط (ع) پیشنهاد ازدواج دخترانش را به کفار بی ایمان بدهد؟ در تفسیر نمونه چنین آمده است: در آیین لوط همانند آغاز اسلام تحریم چنین ازدواجی وجود نداشت چنان‌که پیامبر گرامی اسلام دختر خود زینب را به ازدواج ابی العاص قبل از آنکه اسلام را بپذیرد درآورد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۹: ۱۸۳)

پیشنهاد ازدواج مشروط بود (مشروط به ایمان) این دختران من است، بیاوید ایمان آورید تا آن‌ها را به ازدواج شما درآورم.

از این مطلب چنین فهمیده می‌شود ایراد و اشکال بر لوط پیامبر توسط برخی از مفسران که می‌گفتند ازدواج دختران خود را به جمعی از اوباش پیشنهاد کرد نادرست است. زیرا پیشنهاد او مشروط به ایمان و برای اثبات نهایت علاقه به هدایت آن‌ها بود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۹: ۱۸۳)

بنابراین آنچه از مجموع تفاسیر مختلف در رابطه‌ی با این آیه استفاده می‌شود این است که پیشنهاد ازدواج دختران لوط به قومش به جهت پاکي، دوری از فساد و گناه و پلیدی و ناپاکی و از دیگر سو ایمان و هدایت آن‌ها بوده است. هم‌چنین انبیاء الهی اطفای شهوت از راه‌های نامشروع مانند خودارضایی، زنا و هم‌جنس‌گرایی را منع کرده‌اند بدین جهت بود که حضرت لوط پیشنهاد ازدواج دختران خود را داد.

امانکته قابل توجه این است که در اصول کافی نیز چنین آمده است که شرح این صورت تزویج ریشه قرآنی دارد. قرآن مجید، در سوره قصص آیه ۲۷ و ۲۸ حکایت می‌کند که شیخ مدین دختر خود را با موسی بن عمران تزویج فرمود و کابین عروس این بود که موسی هشت سال برای شیخ مدین شبانی کند. این عقد ازدواج به این صورت تحلیل می‌شود که شیخ مدین هشت سال موسی را در استخدام خود نگه دارد و در برابر این استخدام، کابین عروس را شخصاً متعهد شود و موقع عروسی به صورت جهاز همراه عروس کند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۲۱)

برای نمونه در داستان حضرت ابراهیم هنگامی که از همسر اول خود دارای فرزندی نمی‌شد ساره از او خواست که با کنیز خود هاجر ازدواج کند چنانکه در کتاب مقدس آمده است: هنگامی سارا زن ابراهیم بچه‌دار نمی‌شد پس او کنیز مصری خود هاجر را به ابراهیم داد و گفت خداوند به من فرزندی نداده است تو با این کنیز همبستر شو تا برای من فرزندی به دنیا آورد ابراهیم با پیشنهاد سارا موافقت نمود (سفر پیدایش ۱۴).

هم‌چنین در روایت زندگی حضرت یعقوب و همسرانش چنین آمده است: راحیل همسر دوم یعقوب به دلیل نازایی به خواهرش لیه حسادت می‌ورزید و برای اینکه فرزندی برای یعقوب به دنیا آورد و با خواهرش رقابت کند کنیزش بلهه را به یعقوب می‌بخشد لیه هم کنیزش زلفه را به یعقوب می‌بخشد (سفر پیدایش ۳۰:۲۳) این عبارت اهمیت فرزند آوری و داشتن فرزند پسر را نشان می‌دهد

هم‌چنین بر پایه برخی روایات ازدواج مرد با خویشاوندان همسر فعلی‌اش آمده است آفت زندگی خانوادگی است. روایت پیامبر گرامی اسلام در این باره چنین است «لَا تَزَوَّجُوا النِّسَاءَ عَلَى قَرَابَاتِهِنَّ، فَإِنَّهُ يَكُونُ مِنْ ذَلِكَ الْقَطِيعَةُ» زنان را با خویشاوندانشان تزویج نکنید؛ زیرا این کار به بریده شدن روابط خویشی می‌انجامد. (ری شهری ، ۱۳۸۸: ۴۵۸). از این روایت چنین برداشت می‌شود این گونه ازدواج‌ها موجب اختلاف خانوادگی و از عوامل فروپاشی خانواده است. از این مطلب چنین استنباط می‌شود از آنجایی که داشتن فرزند پسر در عهد عتیق از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و یک نوع افتخار برای آنان محسوب می‌شد این نوع از ازدواج در آن زمان رایج بوده است. البته این نوع از ازدواج توصیه نمی‌شود از این جهت که حسادت در زنان باعث اختلاف، کشمکش و درگیری، و نهایتاً باعث جدایی می‌شود. بنابراین در امر واسطه‌گری به نظر می‌رسد وساطت والدین مهم‌تر از دیگر واسطه‌ها باشد.

۳-۱-۴ پیشنهاد از سوی زن

به نظر می‌رسد یکی از مواردی که پیشنهاد ازدواج از سوی زن مطرح شده است در قرآن کریم سوره بقره آیه ۲۳۴ می‌باشد البته درباره زنانی که شوهران آن‌ها از دنیا رفته‌اند پس از گذراندن عده که از این قرار است:

«...فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (قرآن ، بقره : ۲۳۴) این آیه دلالت دارد بر این که زنانی که شوهران آن‌ها از دنیا رفته‌اند، پس از طی عده وفات، هر تصمیمی که نسبت به امور خود بگیرند، آزاد هستند و کسی حق دخالت در کار آن‌ها را ندارد؛ البته به شرط آن که

خدمات پژوهشی مهرگان در ایتا و تلگرام

فصل سوم: الگوهای پیشنهاد ازدواج در سیره انبیاء الهی و اهل بیت علیهم السلام ۴۹

تصمیم‌های آن‌ها موردپسند و رضایت شرع، عقل و عرف متشرعه باشد؛ یکی از این تصمیم‌ها درباره‌ی ازدواج است و این‌که با چه کسی ازدواج کنند.

از این مطلب چنین استنباط می‌شود که زنان بیوه در پیشنهاد ازدواج مجدد از آزادی برخوردارند و هیچ‌گونه تحمیل و اجباری بر آن‌ها نیست. و خود آنان می‌توانند پیشنهاد ازدواج بدهند.

شارع مقدس در خصوص پیشنهاد ازدواج زن از مرد هیچ منعی وارد نکرده است. نمی‌توان پیشنهاد ازدواج را از سوی زن آن‌هم با رفتاری حیاآمیز و ضمن رعایت موازین شرعی ناروا انگاشت. گر چه به نظر می‌رسد که مراتب حجب و وقار زنانه مانع از اقدام آشکار زنان در این زمینه می‌شود. بر اساس برخی نقل‌ها پیامبر اسلام (ص) با اموال خدیجه و به وکالت از او سفر تجاری موفقیت‌آمیزی به شام داشت که از آن‌پس خدیجه دل‌بسته او شده و شخصی را نزد پیامبر فرستاد تا ببیند که آیا ایشان تمایلی به چنین ازدواجی دارد، مورخان در ارتباط با این سفر چنین نقل کرده‌اند:

ابوطالب به پیامبر گفت تا به خدیجه پیشنهاد دهد که اموال خود را به او بسپارد تا با آن‌ها تجارت کرده و در سود شریک یکدیگر باشند؛ اما از این‌که خود تقاضایی کند سرباز زد ابوطالب نزد خدیجه رفت و این پیشنهاد را مطرح کرد و گفت چند برابر مبلغی که به دیگران برای تجارت می‌دهی، به محمد بده تا تجارت کند پیامبر در این سفر تجاری بسیار موفق بود (ابن اثیر جزری، ۱۳۶۷. ج ۱: ۲۳)

با توجه به اینکه پیامبر گرامی اسلام در این سفر تجاری بسیار موفق و امانت‌دار بود خدیجه دل‌بسته آن حضرت شد و فرمود من به سبب خویشاوندی، شرف، امانت‌داری، نیک‌خویی و راست‌گویی به تو راغبم (طبری، ۱۳۵۲. ج ۲: ۲۸۱)

بنابراین از مطالب فوق چنین استنباط می‌شود از نظر قانونی و اعتقادی پیشنهاد ازدواج دختر به پسر هیچ‌گونه ایرادی ندارد اما از نظر عرف این‌گونه در جامعه نهادینه شده است که معمولاً دختران رفتاری همراه با شرم و حیا دارند و تمایل به موردپسند قرار گرفتن دارند و این‌طور متعارف شده که پسر باید برای ابراز عشق به دختر پا پیش بگذارد و از او تقاضای ازدواج کند.

امابه نظر می‌رسد اگر پیشنهاد از سوی دختر به پسر باشد باگذشت زمان این مراسم‌های مجلل و اضافی و مهریه‌های عجیب از بین می‌رود و این سنت‌های اشرافی و مصرفی گرایانه از بین می‌روند. چه بسیار افرادی با این‌گونه مراسم‌ها و مهریه‌ها ازدواج کرده‌اند اما زندگی آن‌ها دوامی نداشته است و منجر به از هم پاشیدن خانواده‌ها شده است بنابراین این موارد نمی‌توانند ضامن خوشبختی و پایداری زندگی را برای فرد به همراه داشته باشند.

به عقیده ویلیام جیمز فیلسوف معروف آمریکایی، حیا و خودداری ظریفانه زن غریزه نیست بلکه دختران حوا در طول تاریخ دریافته‌اند که عزت و احترامشان به این است که دنبال مردان نروند، خود را مبتذل نکنند و از دسترس مرد خود را دورنگه دارند، زنان این درس‌ها را در طول تاریخ دریافته‌اند و به دختران خود یاد دادند (مطهری، ۱۳۷۸: ۵۴)

با توجه به اینکه پیشنهاد ازدواج از سوی زن ممکن است در بعضی مواقع با جواب منفی روبرو شود و این امر باعث آسیب‌های روحی و روانی شدیدی در زن می‌شود بنابراین بهتر است پیشنهاد از سوی زن مطرح نگردد.

بنابراین در این زمینه توصیه می‌شود به‌منظور احترام و حرمت زن تدابیری اندیشیده شود ابتدا نظر پسری را که دختر خواهان اوست به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم پرسید و اگر پاسخ مثبت بود برنامه‌ای ترتیب داده شود تا پسر در این زمینه پیش‌قدم شود.

۳-۱-۴-۱ زنان هبه‌ای

یکی از مواردی که به این نوع از پیشنهاد ازدواج اشاره شده «هبه» است و اختصاص به پیامبر گرامی اسلام دارد در قرآن کریم سوره احزاب آیه ۵۰ چنین آمده است «وَأَمْرًا مُّؤْمِنَةً إِن وَهَبْتُ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَنْكِحَهَا خَالِصَةً لَّكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ». (قرآن، احزاب: ۵۰)

در تفسیر المیزان آمده است: زن مؤمنه‌ای که خود را به رسول خدا (ص) ببخشد و آن بزرگوار هم بخواهد با او ازدواج کند که خداوند چنین زنی را که بخواهد بدون مهریه، خود را در اختیار آن بزرگوار بگذارد، برای آن حلال کرده است، اگر بخواهد می‌تواند با او ازدواج کند.

از جمله «خَالِصَةً لِّكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ» فهمیده می‌شود که این حکم یعنی حلال شدن زنی برای مردی به‌صرف اینکه خود را به او ببخشد از خاصیتی است که مختص به پیامبر گرامی اسلام است و در مؤمنین جریان ندارد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶: ۳۳۵)

امادر فقه اسلامی هیچ‌کس حق ندارد همسری را بدون مهر (کم باشد یا زیاد) ازدواج کند، اگر نام مهر به هنگام اجرای صیغه عقد برده نشود و قرینه تعیین‌کننده‌ای در کار نباشد، باید مهرالمثل پرداخت، منظور از مهرالمثل مهریه‌ای است که زنانی با شرایط و خصوصیات او معمولاً برای خود قرار می‌دهند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱. ج ۱۷: ۳۷۹)

با توجه به آنچه گفته شد بدون تردید همسر بدون مهر (هبه) از اختصاصات پیامبر (ص) بود و آیه‌ی ۵۰ سوره احزاب به صراحت این امر تأکید دارد.

نکته قابل توجه روایتی از امام محمدباقر (ع) است که بر اساس آن طرح پیشنهاد ازدواج با استاد به سیره پیامبر (ص) موجه دانسته شده است. چنانکه گفته شده است که امام باقر

خدمات پژوهشی مهرگان در ایتا و تلگرام

فصل سوم: الگوهای پیشنهاد ازدواج در سیره انبیاء الهی و اهل بیت علیهم السلام ۵۱

علیه السلام فرمود: زنی از انصار نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و درحالی که رسول خدا صلی الله علیه و آله در منزل حفصه بود خدمت ایشان رسید این زن لباس زیبا بر تن کرده و آرایش کرده بود.

خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای رسول خدا! زن از مرد خواستگاری نمی کند و من زنی بیوه هستم که مدت زمانی است شوهر ندارم و نیز فرزند ندارم آیا شما نیازی به من دارید؟ اگر نیازی هست من خودم را به شما بخشیدم اگر می پذیرید، رسول خدا صلی الله علیه و آله با آن زن خوب حرف زد و برایش دعا کرد سپس فرمود: ای خواهر انصاری خداوند از سوی رسول خدا به شما پاداش خیر دهد، مردانتان مرا یاری کردند و زنانتان به من تمایل دارند. حفصه به آن زن گفت: چقدر کم حیا و پرچراوت و پرشهووت نسبت به مردانی؟ رسول خدا به حفصه فرمود: ای حفصه خویش را از این زن بازگیر او از تو بهتر است او به رسول خدا رغبت و تمایل دارد و تو او را ملامت می کنی و بر او عیب می گیری سپس حضرت به زن فرمود: برگرد خدایت رحمت کند خداوند به دلیل رغبت تو به من و شاد کردن تو مرا، بهشت را بر تو واجب کرد و به زودی دستور من به تو خواهد رسید ان شاء الله. پس خداوند عز و جل نازل کرد: «حکم (هبه و بخشیدن زن و حلال شدن او) مخصوص توست دون مؤمنان که ما حکم زنان عقدی و کنیزان ملکی مؤمنان را می دانیم که چه مقرر کرده ایم، این زنان را که بر تو حلال کردیم و تو را مانند مؤمنان امتت به احکام نکاح مقید نکردیم» (بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۲۵: ۳۰۱)

در مجمع البیان آمده است که بعضی گفته اند وقتی آن زن از انصار خود را به رسول خدا بخشید عایشه گفت زنان را چه شده که خود را بدون مهر می بخشند سپس این آیه نازل شد «وَأَمْرًا مَوْمِنَةً إِنْ وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَنْكِحَهَا» عایشه گفت چقدر خدا موافق میل تو عمل می کند رسول خدا ص فرمود توهم اگر خدا را اطاعت کنی به میل و خواهش توهم عمل می کند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸: ۳۶۵)

با توجه به آنچه گفته شد توصیه می شود پیشنهاد از سوی زن با توجه به حیا و وقار و رفتار خردمندانه توأم با احتیاط باشد.

طبق شواهدی که از تاریخ استفاده می شود، پیامبر اسلام (ص) از ناحیه افراد و قبایل مختلف، تحت فشار بود که از آن ها همسر بگیرد و افتخار می کردند که پیامبر (ص) از آن ها همسر اختیار کند؛ حتی بعضی از زنان حاضر می شدند خود را هبه کنند و بدون مهر خود را در اختیار پیامبر بگذارند

در مجمع‌البیان و تفسیر بیضائی و المیزان آمده است: مراد زنی است که بدون مهر، خود را به پیامبر هبه کند این فقط مخصوص به پیامبر است و برای مؤمنان نیست (قرشی بنابی، ۱۳۷۵، ج ۸: ۳۸۰)

از جمله این آراء فهمیده می‌شود که آن حضرت در قبول این درخواست مجبور نیست. طبرسی رحمه‌الله فرموده: اختلاف است در اینکه آیا چنین چیزی اتفاق افتاده است یا نه ابن عباس گفته است چنین کاری اتفاق نیفتاد. به قولی می‌مونه دختر حرث از زنان آن حضرت نفس خویش را بدون مهر به آن حضرت بخشیده بود در قول دیگر زینب دختر خزیمه و در قول سوم زنی از بنی اسد بنام ام شریک دختر جابر بود. این قول از امام سجاد صلوات‌الله‌علیه نقل شده است (قرشی بنابی، ۱۳۷۵، ج ۸: ۳۸۰)

در کافی از حلبی از امام صادق علیه‌السلام در ضمن خبری نقل شده: (قرشی بنابی، ۱۳۷۵، ج ۸: ۳۸۰) «و احل له ان ینکح من عرض المؤمنین بغیر مهر و هی الهبه» قَدْ عَلِمْنَا مَا قَرَضْنَا عَلَيْهِمْ فِي أَزْوَاجِهِمْ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ (قرآن، احزاب: ۵۰) فرض در اینجا به معنی تعیین است و این نشان می‌دهد که اختصاص بذل نفس به آن حضرت دارای مصلحتی بوده که در سائر مردان نیست (قرشی بنابی، ۱۳۷۵، ج ۸: ۳۸۱)

از این مطلب چنین استنباط می‌شود همسر بدون مهر (هبه) از اختصاصات پیامبر گرامی اسلام است و در سایر مؤمنان نیست و این از جهت بیان رحمت‌های الهی نسبت به آن بزرگوار و تنزیه ساحت مقدس او بود.

لَكَيْلًا يَكُونَ عَلَيْكَ حَرَجٌ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ظاهراً تعلیل همه احکام آیه است و شاید راجع به بذل نفس بوده باشد، غفور اینجا به معنی چاره‌ساز و نظیر آن است. یعنی چاره‌سازی و رحمت خدا سبب این تسهیل شده است (قرشی بنابی، ۱۳۷۵، ج ۸: ۳۸۱)

از این آیه چنین استنباط می‌شود که اجرای صیغه ازدواج با لفظ هبه تنها مخصوص پیامبر (ص) بوده و هیچ فرد دیگری نمی‌تواند با چنین لفظی عقد ازدواج را اجرا کند.

نکته قابل‌توجه روایتی است که در کتاب منابع فقه شیعه به این نوع از پیشنهاد ازدواج اشاره شده است که خداوند برای پیامبر گرامی اسلام حلال کرده است که با دختران مؤمنان بدون مهر ازدواج کند و آن همان هبه است و هبه تنها برای رسول خدا (ص) حلال است و برای غیر رسول خدا ازدواج بدون مهر جایز نیست. «زن باایمان که خود را به پیامبر بخشید» (بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۲۵: ۳۰۱)

در مذاهب اسلام به زن اجازه داده شده است که از میان خواستگاران متعدد یکی را انتخاب کند، در این خصوص به قضیه زنی اشاره کرده‌اند که به رسول خدا گفته بود من تمایل به ازدواج

خدمات پژوهشی مهرگان در ایتا و تلگرام

فصل سوم: الگوهای پیشنهاد ازدواج در سیره انبیاء الهی و اهل بیت علیهم السلام ۵۳

دارم و آنگاه پیامبر به مسجد رفت و اعلام نمود: این زن از من طلب خواستگاری نموده است، کدامیک از شما حاضرید با او ازدواج نمایید. آنگاه مردی اعلام نمود من حاضرم، اما چیزی به عنوان مهر ندارم پیامبر فرمود: آیا از قرآن و معانی چیزی آگاه هستی؟ گفت: آری. پیامبر فرمود: تعلیم قرآن را مهریه این زن قرار بده (مسلم، ۱۴۰۷، ج ۱: ۵۶۹)

در صحیح مسلم در توضیح این حدیث آمده است: در این روایت روشن است که آن زن از مردی نامعین از پیامبر طلب خواستگاری کرد و در امر خواستگاری معادله متعارف را بر هم زد، زیرا خواستگاری معمولاً و عرفاً از ناحیه مرد صورت می گیرد. لیکن خواستگاری زن از مرد هم از موارد ممنوع نیست، زیرا اگر ممنوع بود پیامبر این زن را سرزنش می نمود و برای او خواستگاری نمی کرد. هم چنین در کافی با ذکر سند، از محمد بن قیس، از ابی جعفر (ع) روایت کرده که فرمود: زنی از انصار نزد رسول خدا (ص) آمد، و عرضه داشت: یا رسول خدا (ص) هر چند رسم نیست که زن به خواستگاری شوهر رود، ولی من از آنجایی که زنی بالغ و دارای تجربه هستم، و سالها است که شوهر ندارم، و فرزند دار نشده ام، آیا شما میل داری مرا ازدواج کنی؟ اگر حاجتی به من داشته باشی، من خود را به تو می بخشم، در صورتی که قبول کنی، و رسول خدا (ص) روی خوش به او نشان داد و دعای خیر کرد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۵۶۸)

به نظر می رسد تمامی روایتهایی که در مورد (هبه) اعم از شیعه و سنی آمده است، تأکید بر این نوع ازدواج که مختص به پیامبر گرامی اسلام است، دارند؛ و آنچه برای ما مسلم است وجود تفاوت بسیاری میان پیامبر گرامی اسلام و سایر مردم است. پیامبر (ص) رسول و فرستاده خداوند و بنده برگزیده خداست که سمت هدایت گری مردم را بر عهده دارد بنابراین از برخی جهات از جمله ازدواج تفاوت هایی با سایرین دارد.

با توجه به آنچه گفته شد پیشنهاد ازدواج زن از مرد از نظر قرآن کریم و سنت و قانونی ایرادی ندارد اما توصیه می شود با توجه به فرهنگ و عرف جامعه ما اگر دختری به پسری علاقه مند است بهتر است برای حفظ شأن و منزلت فردی و اجتماعی اش از یک فرد واسطه قابل اعتماد برای علاقه اش قدمی بردارد.

خدمات پژوهشی مهرگان در ایتا و تلگرام

فصل چهارم

ظرافت‌های روان‌شناختی پیشنهاد ازدواج

مقدمه

فرایند تشکیل خانواده و ازدواج یکی از مراحل اساسی و حساس زندگی افراد در جامعه است که بر روی سایر فرایندها و پدیده‌های اجتماعی، فرهنگی و روان‌شناختی تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین به علت تأثیری که از خود بر جای می‌گذارد موردعلاقه و توجه محققین رشته‌های مختلف از جمله علم روان‌شناسی قرار گرفته است.

خانواده یکی از رکن‌های اصلی جامعه به شمار می‌رود. دستیابی به جامعه سالم آشکارا در گروی سلامت خانواده و تحقق خانواده سالم مشروط بر برخورداری افراد آن از سلامت روانی و داشتن رابطه‌های مطلوب با یکدیگر است.

صاحب‌نظران بر این باورند که با ازدواج یکی از بارزترین نهادهای جامعه یعنی خانواده شکل می‌گیرد و نیازهای زیستی و روانی انسان تأمین می‌گردد چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: یکی از آیات الهی این است که برای شما از جنس خودتان جفتی بیافرید که در بر او آرامش یافته و باهم انس گیرید و میان شما رأفت و مهربانی برقرار فرمود (قرآن، روم : ۲۱).

همسرگزینی مرد و زن مقدمه‌ای برای تشکیل خانواده است. اظهار علاقه زن و مرد به یکدیگر؛ نهایتاً به پیوند سیستم‌های ارزشی آن‌ها، ویژگی‌های مزاجی و شخصی و ظرفیت آن‌ها در عشق ورزیدن و ورود به یک رابطه مشترک می‌انجامد (بارکر، به نقل از دهقانی ۱۳۸۲). ازدواج نخستین پیمان عاطفی و قانونی در زندگی به شمار می‌آید. به‌علاوه همسرگزینی و پیمان زناشویی هر دو،

نشانه بالیدگی و پیشرفت شخصی‌اند. اکثر مسائل و مشکلات خانواده‌ها در صورت ریشه‌یابی علت آن به انتخاب نامناسب در یک یا چند عامل اثرگذار در ازدواج برمی‌گردد صرف وقت و دقت در انتخاب همسر خوب، سرمایه‌گذاری برای حصول یک زندگی شاد و لذت‌بخش است (حسینی بیرجندی، ۱۳۸۶: ۱۵)

گرچه ازدواج هنوز بخشی از ساختار جامعه است، اما اکنون دیگر والدین و واسطه‌های ازدواج، انتخاب همسر را تحمیل نمی‌کنند و در عوض بیشتر انتخاب یا پیشنهاد از طرف دختر یا پسر حاکم است یا این‌گونه به نظر می‌رسد. البته باس معتقد است همسرگزینی اساساً پدیده‌ای روان‌شناختی است و رشته‌های مختلف روان‌شناسی این پدیده را از منظرهای مختلف موردبررسی و پژوهش قرار می‌دهند (باس، ۲۰۰۵)

فصل سوم از دو بخش تشکیل شده است که در بخش اول به کلیات ازجمله مفهوم روان‌شناسی ازدواج، اهمیت خانواده در روان‌شناسی، نظریه‌های انتخاب همسر، اهمیت ازدواج از دیدگاه روان‌شناختی و نظریه‌های روان‌کاوی در همسرگزینی پرداخته‌شده است و در بخش دوم به مبانی نظری ازدواج، پیشنهاد ازدواج در روان‌شناسی، محاسن و معایب روش‌های پیشنهاد ازدواج و ظرافت‌های روان‌شناختی پیشنهاد ازدواج پرداخته‌شده است.

بخش اول کلیات

۴- روان‌شناختی ازدواج

۴-۱ مفهوم روان‌شناختی ازدواج

ازدواج یکی از مراحل مهم زندگی انسان به شمار می‌رود. نتایج اطلاعات متعدد در مورد ازدواج، نمایانگر اهمیت آن در سلامت جسمانی و روان‌شناختی افراد می‌باشد. به‌طورکلی آنچه در روان‌شناسی ازدواج موردتوجه است، بررسی عوامل مؤثر بر ازدواج و ارتقادهنده‌ی شرایط کیفی آن می‌باشد که مباحثی چون نقش عوامل مادی، فرهنگی، روانی و شخصیتی بر تصمیم‌گیری ازدواج و رضایت از آن را در برمی‌گیرد (بلوری، ۱۳۸۹: ۲۵)

ازدواج به‌عنوان یکی از رویدادهای مهم مرحله انتقال به بزرگسالی مقوله‌ای بسیار پیچیده است. شروع مطالعه علمی و دقیق در این مورد به سال ۱۹۳۰ برمی‌گردد. اولین تحقیق منتشرشده در مورد روان‌شناسی ازدواج اثر ترمن و همکارانش بود. آنان تلاش کردند به این سؤال پاسخ دهند که چه تفاوت‌هایی بین ازدواج موفق و ناموفق می‌تواند وجود داشته باشد (شعیمی، ۱۳۹۲: ۹)

ازدواج قراردادی رسمی برای پذیرش یک تعهد متقابل به‌منظور تشکیل زندگی خانوادگی است، این قرارداد با رضایت و خواسته زن و شوهر بر مبنای آزادی کامل دو طرف منعقد می‌گردد (غلام زاده جعفری، ۱۳۹۵: ۲۰)

بنابراین ازدواج را از نظر روان‌شناختی می‌توان چنین تعریف کرد: ازدواج یک انتخاب آزاد و خصوصی است که توسط دو نفر صورت می‌گیرد که هدفش گسترش لذت متقابل، رضایت مندی، صمیمیت و خود کامروایی است.

روان‌شناسان تعاریف متفاوتی در باره ازدواج دارند که در ذیل به آنها اشاره می‌کنیم: (مایرز، ۲۰۰۵^۱) در تعریف ازدواج می‌گوید: ازدواج مهم‌ترین پیوندی است که بین دو فرد روی می‌دهد و سرآغاز شکل‌گیری یک کانون حمایتی-عاطفی است که در کیفیت زندگی افراد و تربیت نسل‌های بعدی نقش حیاتی دارد.

(السون، دفرین، اسکوگراند، ۲۰۱۰)^۲ در تعریف ازدواج می‌گویند: ازدواج موقعیتی است برای ایجاد و پرورش روابط صمیمانه و مشترک گر چه بسیاری ازدواج‌ها با شکست مواجه می‌شوند اما بسیاری دیگر از آنها نیز بستری حمایت گر فراهم می‌کنند که در آن افراد صمیمیت را با یکدیگر ایجاد و حفظ می‌نمایند.

(آدامز، ۱۳۸۰)^۳ در تعریف ازدواج می‌گوید: ازدواج ارتباطی است که دارای ویژگی‌ای بی‌نظیر و گسترده‌ای می‌باشد، ارتباطی که دارای ابعاد زیستی، عاطفی، روانی، اقتصادی و اجتماعی است، به‌عبارتی دیگر، هم‌زیستی زوجین در درون خانواده موجب چنان ارتباط عمیق و همه‌جانبه‌ای می‌شود که بی‌هیچ شک و شبهه‌ای قابل‌مقایسه با هیچ‌یک از ارتباطات انسانی نمی‌باشد به‌نحوی که قرارداد ناشی از آن دارای نوعی تقدس می‌باشد.

هم چنین پرل (۲۰۰۰). معتقد است: مفهوم امروزی ازدواج در فرهنگ‌های فردگرا در غرب و همین‌طور به‌صورت رو به افزایشی در شرق عمدتاً بر اساس و بر محوریت عشق است.

۴-۱-۱ اهمیت خانواده در روان‌شناسی

خانواده نهادی است که یکی از طبیعی‌ترین و پایدارترین نیازهای انسان را به صورتی ساخت‌یافته و تعریف‌شده تأمین می‌کند نیاز به آرامش و سکون و استراحت یکی از مهم‌ترین نیازهای انسان است که خداوند متعال با آفرینش زوج و جفتی در کنار انسان، این نیاز را برآورده

^۱ Myers

^۲ Alsun Deferin

^۳ Adams

کرد و برای اینکه سازوکار ارضای این نیاز قاعده‌مند باشد یک‌راه را مجاز دانست و آن نهاد خانواده است (غلام‌زاده جفری، ۱۳۹۵: ۴۷)

ازدواج یک امر اجتماعی است که پایه و اساس ارتباط و سبب‌ساز ایجاد کانون خانواده است (لندیس^۱، ۱۹۷۵)

از آنجاکه تشکیل خانواده آرامش و اعتدال را برای جامعه به ارمغان می‌آورد، این کانون به‌عنوان اصلی‌ترین و بنیادی‌ترین شکل اجتماع بیشترین تأثیر را در سلامت هر جامعه‌ای ایجاد می‌کند که این مهم مشروط به برخورداری افراد از سلامت روانی و داشتن ارتباطات مطلوب با یکدیگر است (سادوک^۲ و کاپلان^۳ ۲۰۰۳)

ازدواج و تشکیل خانواده خدمتی است برای پدید آمدن یک کانون آسایش و خوشبختی و نشاط، باین‌حال این کانون آسایش گاهی اوقات به ناآرامی‌های زناشویی منجر می‌شود تا جایی که ساپنیگتون (ترجمه برواتی، ۱۳۷۹) نتیجه می‌گیرد که میان ناآرامی‌ها و اختلال جسمانی عاطفی یک رابطه روشن و مستقیم وجود دارد (تارین، ۱۳۸۸: ۱۶)

خانواده یکی از نظام‌های اولیه جوامع بشری است که باوجود تحولات اساسی، در اهداف و کارکردهای خود ثابت مانده و هنوز در همه جوامع اهمیت اساسی دارد، خانواده مناسب‌ترین نظام برای تأمین نیازهای مادی و روانی بشر بوده و بهترین بستر را برای تأمین امنیت و آرامش روانی اعضا، پرورش نسل جدید، اجتماعی کردن، فرزندان و برآورده ساختن نیازهای عاطفی افراد فراهم نموده است (گیتی پسند، ۱۳۹۳: ۲۰)

با توجه به آنچه گفته شد به نظر می‌رسد از آنجایی که تشکیل خانواده باعث آرامش و اعتدال در جامعه می‌شود این امر می‌تواند بیشترین تأثیر را در سلامت هر جامعه‌ای ایجاد کند. بنابراین خانواده مناسب‌ترین کانون جامعه برای تأمین نیازهای اقتصادی، روانی، عاطفی و اجتماعی است اما گاهی اوقات ناآرامی‌هایی در زندگی زناشویی دیده می‌شود که این امر هم به جهت اختلالات روانی، جسمانی و عاطفی افراد است.

۴-۲ نظریه‌های انتخاب همسر

در خصوص اینکه افراد چگونه و چه همسری را برای ازدواج انتخاب می‌کنند نظریه‌هایی مطرح شده است که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌کنیم:

¹ landis

² sadock

³ caplan

۴-۲-۱ نظریه مجاورت

این نظریه بیان می‌کند احتمال ازدواج یک فرد با فردی که در نزدیکی او زندگی می‌کند، یا در محل کار، یا دانشگاه او بیشتر است. نظریه هم‌جواری بیانگر اهمیت یک عامل غیرشخصی (عامل جغرافیایی یا اکولوژیک) در روند همسرگزینی است (نور بخش ۱۳۹۲: ۱۶). بنابراین تأکید این نظریه بر ازدواج مدرن است به دلیل آشنایی افراد در محل کار و دانشگاه و ارتباطی که باهم دارند باعث ازدواج آنان می‌شود.

۴-۲-۲ نظریه فیلتر

این نظریه تحت عنوان فرآیند نیز مطرح شده است. به طور بدیهی انتخاب همسر، یک فرآیند انتخاب هست. این فرآیند را مجموعه‌ی پیچیده‌ای از عوامل روان‌شناختی و اجتماعی تعیین می‌کند. البته خود این عامل، انتخاب را هم محدود می‌کند و هم تعالی می‌بخشد. این نظریه بیان می‌کند: در ابتدا ایجاد ارتباط یک سری متغیرها بر جذب شدن افراد به همدیگر تأثیر می‌گذارد (البته نه در مراحل بعدی، یعنی این متغیرها مختص همین مرحله است) این متغیرها از طریق فیلتر کردن، افرادی که مناسب ما نیستند را از دایره ارتباط بیرون می‌کند (همان، ۱۳۹۲: ۱۶). این نظریه تأکیدش بر همتایی روان‌شناختی و اجتماعی در پیشنهاد ازدواج می‌باشد و همین عوامل باعث می‌شود افراد به یکدیگر جذب شوند.

۴-۲-۳ نظریه زیست‌شناسی

برخی از زیست‌شناسان معتقدند که یک منطق زیستی خاص بر رفتار همسرگزینی حاکم است بر طبق این دیدگاه که مبتنی بر نظریه تکامل است، انسان‌ها به‌طور غریزی زوج‌هایی را برمی‌گزینند که بقاء گونه‌هایشان را در پی داشته باشد (گرمان مقدوره، ۱۳۹۳: ۳۵).

۴-۲-۴ نظریه همسان همسری

این نظریه بیان می‌کند ما معمولاً جذب افرادی می‌شویم که در بعضی مشخصه‌ها مانند سن، نژاد، مذهب و طبقه اجتماعی شبیه خود ما باشند. معمولاً همه نظام‌های همسرگزینی به ازدواج همسان تمایل دارند و این خود نتیجه تمایل به معامله‌گری است؛ یعنی معمولاً با توجه به انواع مشخصات، اشخاص همسان با یکدیگر ازدواج می‌کنند. پدیده همسان همسری به این خاطر رخ می‌دهد که فرد علاقه‌ای به فرد غیرمشابه خود ندارد، نه اینکه چون افراد شبیه خود را انتخاب کرده است. می‌توان گفت همسان همسری قاعده جهانی است. انسان دانسته یا ندانسته در پی گزینش همسری است که صفات همگونی داشته باشد (نوربخش، ۱۳۹۲: ۱۷).

بنابراین از این مطلب چنین استنباط می‌شود که دیدگاه همسان همسری همسانی زوجین را در تمامی عرصه‌ها یا لااقل در عرصه‌های نژادی، دینی، منزلت اقتصادی و اجتماعی لحاظ کرده است اما در سیره امامان معصوم (ع) تأکید بیشتر بر همسانی دینی و اعتقادی است. بنا بر نظریه فوق افرادی که در پیشنهاد ازدواج خود بر مسائل اعتقادی و طبقه اجتماعی تأکید دارند به نظر می‌رسد ازدواج بادوام و پایدارتری داشته باشند.

۴-۲-۵ نظریه تبادلی:

این نظریه بر این فرض استوار است که ما کسانی را برای ازدواج برمی‌گزینیم که کم‌وبیش مساوی و همتای ما باشند بر طبق این نظریه دیگر جوانی، زیبایی یا جایگاه اجتماعی نیست که مورد توجه قرار گیرد، بلکه به گفته روان شناسان اجتماعی این کل شخص است که در نظر گرفته می‌شود (گرمان مقدور، ۱۳۹۳: ۳۶)

البته می‌توان گفت در همسرگزینی ملاک‌هایی ازجمله زیبایی و جایگاه اجتماعی فرد باید به‌عنوان ملاک فرعی در نظر گرفته شود و از آنجایی که این نظریه بیان می‌کند زیبایی و جایگاه اجتماعی فرد مورد توجه قرار نمی‌گیرد صحیح به نظر نمی‌رسد و همچنین معیار و ملاک نسبی است و اگر کسی بخواهد دنبال کسی باشد که تمامی ملاک‌ها را داشته باشد به نظر می‌رسد این امر غیرممکن باشد. با توجه به آنچه گفته شد این نظریه صحیح به نظر نمی‌رسد از آنجایی که همتایی امری نسبی است نه مطلق.

۴-۲-۶ نظریه تعادل

نظریه اساسی در زمینه همسان همسری نظریه تعادل هایدرا^۱ (۱۹۸۵) است. این نظریه خاطرنشان می‌سازد اگر انسان فردی را به‌عنوان همسر انتخاب کند که نسبت به اشخاص عقاید و وقایع اطراف، همان عقاید تفکر و احساسات او را داشته باشد از استرس کمتری برخوردار است. البته نمی‌توان گفت عقاید و احساسات دو نفر کاملاً شبیه هم هست؛ چراکه به‌طور مستقیم نمی‌توان احساسات و عقاید افراد را مشاهده کرد. آنچه مستقیم قابل مشاهده است رفتارها یا تغییرات بدنی افراد است که به اعتقاد ما از عقاید و احساسات آن‌ها منشأ می‌گیرد و شامل آنچه فرد می‌گوید، آنچه انجام می‌دهد و حرکات بدنی‌اش می‌شود (نور بخش، ۱۳۹۲: ۵۲)

^۱ Heider

۴-۲-۷ نظریه یرسونا

(خود نقاب شخصی): بر اساس این نظریه، یک عامل مهم در همسرگزینی این است که یک خواستگار بالقوه تا چه میزان، با تصویر درونی ما از خودمان و یا به عبارتی خودباوری ما مطابقت و همخوانی داشته و تا چه حد آن را بهبود و ارتقا می‌بخشد، هر یک از ما نقابی بر چهره داریم این نقاب درواقع همان چهره‌ای است که از خود به دیگران نشان می‌دهیم (جرالد کوری^۱، ۲۰۰۵، نقل از گرامان، مق دوره ۱۳۹۳: ۳۶)

بر طبق این نظریه ما درنهایت کسی را برمی‌گزینیم که همان تصویر شخصی‌ای که از خود سراغ داریم تأیید نموده و آن را تقویت می‌کند (هندریکس^۲، ۲۰۰۱، نقل از گرمان مقدوره ۱۳۹۳: ۳۶).

بنابراین به نظر می‌رسد به دلیل ضرورت و مقتضیات اجتماعی فرد برای نهایت تأثیرگذاری بر دیگران نقاب بر چهره خود می‌زند و آن چیزی که فرد به دنیای بیرون ارائه می‌کند واقعی نیست.

۴-۲-۸ نظریه تبادل اجتماعی

این نظریه فرض می‌کند که انسان‌ها در روابط با یکدیگر در پی دریافت سود هستند و مایلند رفتارشان ازجمله: روابط دوستانه، صمیمی و عاشقانه آنان به‌نوعی سود و بازده برابر منجر شود (کلمه، ۱۹۷۹)^۳

البته به نظر می رسد این سود می تواند هم مادی و هم معنوی باشد مانند ازدواج پیامبر گرامی اسلام با حضرت خدیجه (س) هر دو جنبه سود را ممکن است داشته باشد.

طبق این نظریه که ممکن است بر انتخاب همسر اثر بگذارد. در این صورت یک مرد جوان ممکن است با زن مسن و پولدار یا زنی جوان با مردی مسن و مشهور ازدواج نمایند و از این ازدواج راضی باشند، چراکه مبادله‌ای سودمند برای هر دو طرف روی داده است. البته، عادلانه بودن بر ادراکات ذهنی خود فرد استوار است، به همین دلیل ممکن است برخی افراد از ارتباطی که با یکدیگر دارند راضی باشند؛ هرچند ناظر خارجی این ارتباط را عادلانه نداند (مهراپی زاده هنرمند و داوودی ۱۳۸۵: ۲۵)

¹ Gerald kouri

² Hendrix

³ Kelly

۴-۲-۹ نظریه توازن

این نظریه ابراز می‌دارد که انسان در پی حفظ هماهنگی و تفکر و ارتباطات اجتماعی خود است و در صورتی که در این امور ناهماهنگی ایجاد شود به شدت ناراحت شده، می‌کوشد تا با تغییر برخی از ابعاد موقعیت به تعادل دست یابد (هایدر، ۱۹۵۸) برای مثال دوستی با کسی که موردعلاقه خانواده نیست ارتباط فرد با خانواده را نامتوازن می‌سازد و او برای متوازن ساختن روابط می‌کوشد نظر خانواده را در مورد فرد موردعلاقه خود تغییر دهد یا در صورت عدم موفقیت، علاقه خود را به فرد موردنظر از دست می‌دهد و به این ترتیب توازن را برقرار می‌سازد (مهرابی زاده هنرمند و داوودی، ۱۳۸۵: ۲۶)

۴-۲-۱۰ نظریه همگونی (شبیه بودن)

همگونی یکی از مهم‌ترین پایه‌های اساسی جذابیت است، همگونی مشتمل بر ویژگی‌های شخصیتی، ویژگی‌های اقتصادی و عوامل دیگر می‌باشند. همگونی یعنی تمایل برای انتخاب همسری همگون و مشابه به خود که به‌عنوان هنجاری از انتخاب‌ها از سال‌ها پیش دنبال شده است (اسماعیلی و همکاران، ۱۳۸۵، نقل از گرمان مقدور ۱۳۹۳: ۳۶)

البته به نظر می‌رسد عوامل اقتصادی در سیره معصومین (ع) و پیامبران الهی مهم نبود و این بزرگواران بیشتر بر همانندی دینی و اعتقادی تأکید داشتند.

۴-۲-۱۱ نظریه عشق استر نبرگ

یکی از نظریه‌هایی که درباره انتخاب همسر وجود دارد نظریه عشق استرنبرگ است که در ذیل به آن اشاره می‌کنیم:

استرنبرگ (۱۹۸۶) در سنخ شناسی خود از عشق، عشق را دارای سه مؤلفه اساسی می‌داند: ۱- صمیمیت ۲- شور جنسی ۳- تصمیم (تعهد).

از نگاه استرنبرگ عنصر صمیمیت به احساس‌هایی چون نزدیکی، ایجاد تماس، از بین رفتن مرزها در روابط عاشقانه استناد می‌کند، درحالی‌که عنصر شور جنسی، به غریزی که به عشق رمانتیک، کشش فیزیکی و رفتاری جنسی و روابطی عاشقانه مربوط است گفته می‌شود و «عنصر تصمیم تعهد در کوتاه‌مدت به تصمیم در عشق ورزیدن و در بلندمدت به تعهد نسبت به این رابطه عاشقانه اشاره دارد» (جواهری محمدی، ۱۳۹۳)

هم‌چنین استرنبرگ هفت نوع از عشق را که از هم تفکیک می‌کند عبارت‌اند از: ۱- دوستی که شامل صمیمیت اما فاقد شور جنسی و تعهد است ۲- عشق کور که شور دارد اما فاقد صمیمیت و

تعهد است ۳- عشق تهی که تعهد را دارد اما فاقد شور جنسی و صمیمیت است ۴- عشق رمانتیک که صمیمیت و شور جنسی را در خود دارد ولی فاقد تعهد است ۵- عشق زوج وار که دارای صمیمیت و تعهد ولی فاقد شور جنسی است ۶- عشق بی‌مبالات که تعهد و شور جنسی را دارد اما فاقد صمیمیت است ۷- عشق کامل که قدرتمندترین نوع عشق است و هر سه عنصر تعهد، شور و صمیمیت را دارد.

از آنجایی که عشق یک امر روان‌شناختی است نظریه‌پردازان متعددی آن را مورد مطالعه و تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند که به نظر می‌رسد نظریه مازلو^۱ در میان آن‌ها از اهمیت زیادی برخوردار برخوردار است، بنابراین در اینجا به آن اشاره می‌کنیم:

از نظر مازلو عشق اساساً عبارت است از اشتیاق و محبت توأم با لذت، شادی، رضایت، احساس غرور و حتی وجد و شغف از برخوردار بودن از این احساس (در صورتی که همه چیز به خوبی پیش رود) (مازلو ۱۳۶۷ : ۲۵۰)

از دیدگاه مازلو اگرچه هیچ‌کس به اندازه معشوق باعث تحریک و لذت جنسی در عاشق نمی‌شود و اثرات خوشایند و لذت بخشی که عشق در عشاق به لحاظ فیزیکی و جسمی ایجاد می‌کند غیرقابل انکار است، اما در عین حال این امر چندان ضروری به شمار نمی‌رود زیرا عشق را در افرادی نیز که به خاطر کهولت سن نمی‌توانند رابطه‌ی جنسی برقرار کنند می‌توان مشاهده کرد، ضمن اینکه صمیمیت تنها دارای جنبه‌های جسمی نیست و جنبه روانی نیز دارد و این میل مکرراً به عنوان اشتیاق خاصی به خلوت و تنهایی از نظر زوج‌ها جلوه‌گر می‌شود. (مازلو ۱۳۶۷ : ۲۵۱)

مازلو دو نوع عشق را از هم تفکیک می‌کند: ۱- عشق نیاز خواه ۲- عشق وجود خواه
عشق نیاز خواه نوعی خودخواهانه از عشق است که تنها نیازهای یکی از شریک‌ها را ارضا می‌کند، در چنین نوعی از عشق طرفین بیش از اینکه به وجود دیگری و نیازهایش توجه کنند، به خود و نیازهایشان و اینکه طرف مقابل چه مقدار از نیازهایشان را برآورده می‌کند توجه می‌نماید.
عشق وجود خواه بخشنده و غیر خودخواهانه است و در آن هر یک از دو طرف، علیرغم ضعف‌ها و محدودیت‌هایشان درک درست داشته باشند، زیرا این نوع عشق تملک طلب نیست و هر دو شریک می‌توانند در آن رشد و بلوغ یابند. (صادقی فر ۱۳۸۷ : ۲۶)
با توجه به آنچه گفته شد به نظر می‌رسد عشق از اهمیت ویژه‌ای در روان‌شناسی برخوردار است البته نگاه قرآن و روایات هم نسبت به عشق چندان منفی نیست.

¹ Maslow

برای نمونه در قرآن کریم دو داستان عاشقانه وجود دارد که در اولین عشق بسیار پر رنگ و واضح است و آن داستان یوسف و زلیخا است و در دیگری تا حدی کمتر است و آن داستان حضرت موسی (ع) با دختر شعیب پیامبر (ص) است (صادقی فر، ۱۳۸۷: ۱۰۷). البته نکته جالب این است که در هر دو داستان زنان عاشق مرد خود شده‌اند، بنابراین می‌توان گفت پیشنهاد ازدواج از سوی زن از نظر قرآن کریم و روان‌شناسی مانعی ندارد هرچند در ماجرای ازدواج حضرت موسی (ع) دختر شعیب به خاطر حجب و حیایی که داشته است پیشنهاد مستقیم نمی‌دهد و در این امر پدر خود را واسطه قرار می‌دهد، اما در مورد ازدواج حضرت یوسف با زلیخا در قرآن کریم اشاره‌ای نشده است.

۳-۴ اهمیت ازدواج از دیدگاه روان‌شناختی

ازدواج از منظر روان شناختی اهمیت زیادی دارد، یکی از نظریه‌هایی که اهمیت ازدواج از منظر روان شناختی را بیان می‌کند نظریه السون است که در ذیل به آن اشاره می‌کنیم: السون^۱ (۱۹۹۹) بیان می‌کند انسان‌ها به دلایل زیر احتیاج دارند تا ازدواج کنند:

۴-۳-۱ مصاحبت و دوستی

به معنای سهیم شدن با فردی دیگر در سفر زندگی است، بعضی فکر می‌کنند ازدواج به‌تنهایی آنان پایان می‌دهد درحالی‌که باید بدانند فقط در صورتی تنهایی آنان با ازدواج پر می‌شود که شریک مناسبی انتخاب کرده باشند.

۴-۳-۲ عشق و صمیمیت

عشق خالصانه و ارتباط عاطفی عمیق که جزء نیازهای اساسی و مهم انسان است می‌تواند با ازدواجی موفق ارضاء شود.

۴-۳-۳ داشتن شریک حمایت‌کننده

مشارکت زوجین در موفقیت‌های یکدیگر و حمایت از یکدیگر شانس موفقیت را افزایش می‌دهد؛ اما در صورتی‌که هر یک از زوجین فقط به فکر رشد خود و نگرانی‌های خود باشند، در آن صورت ازدواج عمق چندانی نخواهد داشت.

¹ Alsun

۴-۳-۴ داشتن شریک جنسی

از گذشته، ازدواج همیشه به‌عنوان یک منبع ارضای غریزه جنسی برای همسران بوده است، در نتیجه انقلاب جنسی که در سال ۱۹۶۰ رخ داد بعضی افراد معتقد شدند که راه ارضای نیاز جنسی ازدواج نیست، آن‌ها ازدواج را به‌عنوان یک هنجار تاریخی زیر سؤال بردند؛ اما هم‌اکنون شیوع بیماری‌ها و مشکلات دیگر سبب شده است تا حدودی این نگرش‌ها اصلاح شوند، اما باید بدانیم که ارضای غریزه تنها دلیل ازدواج کردن نیست و اگر باشد در آن صورت دوام ازدواج بسیار ضعیف خواهد بود (شادمهر، ۱۳۹۰: ۳۵)

۴-۳-۵ نقش والدینی

اغلب والدین تربیت فرزندان را کاری دشوار، وقت‌گیر و درعین‌حال ارضاء کننده می‌دانند آنان معتقدند اگر از آن‌ها بپرسند اگر دوباره می‌خواستند درباره بچه‌دار شدن یا نشدن تصمیم بگیرند دوباره تصمیم به بچه‌دار شدن می‌گرفتند. همسرانی که فرزندان خود را به‌طور موفقیت‌آمیزی با مشارکت همدیگر تربیت می‌کنند، پیوندهایی عمیق بین خودشان برقرار می‌کنند (شادمهر، ۱۳۹۰: ۳۶)

بنابراین بر مبنای نظریه السون ازدواج در صورتی می‌تواند فرد را از تنهایی رها کند که بتواند شریک مناسبی در زندگی انتخاب کند و این امر میسر نمی‌شود مگر اینکه فرد در پیشنهاد ازدواج خود دقت لازم را داشته باشد عاقلانه تصمیم‌گیری کند. هم‌چنین عواملی نظیر حمایت‌کنندگی و ارضای غرایز جنسی دوام و پایداری ازدواج را در پی خواهد داشت.

۴-۴ نظریه‌های روان‌کاوی در همسرگزینی

با توجه به اهمیت روان‌شناختی ازدواج بر آنیم تا مهم‌ترین نظریه‌های روان‌کاوانه در همسرگزینی را موردبررسی قرار دهیم.

باس (۱۹۹۰) معتقد است همسرگزینی اساساً پدیده‌ای روان‌شناختی است و رشته‌های مختلف روان‌شناسی این پدیده را از منظرهای مختلف موردبررسی و تحقیق قرار می‌دهند (مهرابی زاده هنرمند و داوودی، ۱۳۸۵: ۲۵)

همسرگزینی به‌عنوان پایه و اساس تشکیل خانواده از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است (نصیر زاده و رسول‌زاده، ۱۳۸۸ نقل از جواهر محمدی، ۱۳۹۳: ۲۸).

همسرگزینی زن و مرد مقدمه‌ای برای تشکیل خانواده است اظهار علاقه زن و مرد به یکدیگر نهایتاً به پیوند سیستم‌های ارزشی آن‌ها، ویژگی‌های مزاجی و شخصیتی آن‌ها، ظرفیت آن‌ها در

عشق ورزیدن و ورود به یک رابطه مشترک می‌انجامد هر طرف احتیاجاتی دارد و برای برآوردن آن‌ها معمولاً بدون آگاهی هوشیارانه از این نیازها به دیگری چشم دارد (بارکر نقل از دهقانی ۱۳۸۲)

در یک نگاه کلی می‌توان گفت بعضی عوامل منجر به همسرگزینی و ازدواج می‌شود این موارد را عوامل مثبت می‌نامیم؛ یعنی عواملی که فرد را تحریک و تشویق می‌کنند فرد دیگری را به دلیلی انتخاب کند ازجمله به دست آوردن ارزش‌ها یا رسیدن به اهداف خاص، ارتقای خود پنداره فرد و احساس کلی در مورد خوب بودن است (مرادی پور، ۱۳۸۶: ۳۱)

هم‌چنین عواملی که مانع انتخاب فرد مقابل به‌عنوان همسر آینده می‌شود عبارت‌اند از: فاصله جغرافیایی (عدم اطلاع از وجود یکدیگر) مسائل تاریخی (عدم ازدواج کاتولیک‌ها با پروتستان‌ها) زندانی بودن، بیماری روانی داشتن (مرادی پور، ۱۳۸۶: ۳۱)

هم‌چنین مارکمن (۱۹۹۳) بیان می‌کند بسیاری از مشکلات خانوادگی ریشه در نوع انتخاب همسر دارد که می‌توان گفت صرف کردن وقت و انرژی در این مرحله می‌تواند مقدمه‌ای برای دست‌یابی به زندگی سالم و فرحبخش باشد (جواهر محمدی، ۱۳۹۳: ۳).

هم‌چنین دلخوش (۱۳۸۶) بیان می‌دارد که برای تأمین سلامت خانواده و رضایت از زندگی زن‌شویی، نحوه انتخاب همسر امری بسیار مهم است و پرداختن به این موضوع به‌صورت روزافزون، نشان‌دهنده اهمیت این مطلب می‌باشد درواقع موفقیت در انتخاب همسر اولین مرحله در چرخه‌ی زندگی خانوادگی است که موفقیت در مراحل بعدی را به‌شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد و می‌توان گفت که ازدواج موفق شرط اساسی برای ساختن جامعه‌ای سالم است (نیتزل و هاریس، ۲۰۰۸ نقل از جواهر محمدی ۱۳۹۳: ۳)

۴-۴-۱ نظریه تصویری از والدین (نظریه ابژه)

فروید معتقد است انسان‌ها معمولاً به دنبال همسری هستند که آن نوع روابط روان‌شناختی را که آن‌ها در کودکی تجربه کرده‌اند، تداوم بخشند. این ایده به تعبیر فرویدی آن عبارت است از اینکه عشق اول آدمی متوجه یکی از والدین است این عشق در طول گشودن عقده ادیپ ارضا و یا سرکوب می‌گردد. در نوجوانی فرد مجدداً نسبت به کسی عشق می‌ورزد ولی این باور او روابط ناخودآگاه معشوق خود را با توجه به ویژگی‌های یکی از والدین خود انتخاب می‌کنند بر این اساس پسر در جستجو کسی است که شبیه مادرش باشد و دختر در جستجوی کسی است شبیه پدرش باشد، هرچند منطقی به نظر می‌رسد که انتظار داشته باشیم تصورات والدین به تشویق یا عدم

تشویق یک فرد برای ازدواج با شخصی که شبیه والدینش است منجر شود، اما هیچ مدرک روشنی برای حمایت از این فرضیه وجود ندارد (گرین^۱، ۱۹۷۷، نقل از شیر نژاد، ۱۳۸۳: ۱۱۶) با توجه به نظریه ابژه می‌توان گفت کودک وابستگی خیلی شدیدی نسبت به والد جنس مخالف خود پیدا می‌کند و نمی‌تواند از او جدا شود و نسبت به جنسیت خود در او هام به سر می‌برد و نمی‌تواند به صورت یک فرد بالغ با جنس مخالف خود رفتار جنسی مناسب داشته باشد.

۴-۲- نظریه نیازهای مکمل

طرفدار اصلی این نظریه رابرت وینچ^۲ است بر اساس این نظریه مکمل بودن به جای همسانی ویژگی‌ها و خصوصیات، اساس عملکرد هر نظام همسرگزینی است. پروفیسور وینچ تائندهای همسان همسری را به وسیله این فرض ابقا می‌کند که بر اساس آن انتخاب نخستین یا اولیه همسران قابل قبول در درون مرزهای پذیرفته شده فرهنگی صورت می‌گیرد، پس انتخاب نهایی همسر بر اساس نیازهای مکمل صورت می‌گیرد. بنابراین کسی که نیازمند مقدار زیادی عاطفه برای حفظ یا نگهداری آسایش روانی‌اش است، شخصی را جستجو می‌کند که مستعد دادن مقدار نامحدودی از عاطفه است؛ اساس این نظریه به جای ارزش‌های فرهنگی کنش متقابل روان‌شناختی است (شیر نژاد، ۱۳۸۳: ۱۱۴)

رابرت وینچ و همکارانش معتقدند که در همسرگزینی هر فرد در میان افراد واجد شرایط در جستجوی زن یا مردی است که بتواند بیش از دیگران او را ارضاء کند، به این ترتیب کسانی که عاشق یکدیگر می‌شوند به احتمال قوی دارای مشخصات اجتماعی یکسان و احتیاجات روانی مکمل خواهند بود (شیر نژاد، ۱۳۸۳: ۱۱۴)

نظریه مذکور نمی‌گوید که هر فرد در هر گروه واجد شرایطی می‌تواند کسی را بیابد که قادر باشد احتیاجاتش را برآورد، بلکه فقط نشان می‌دهد که به چه دلیل در هر گروهی تنها عده معدودی مورد توجه هر فرد قرار می‌گیرند، همچنین این نظریه پیش‌گویی نمی‌کند که کسانی که احتیاجات روانی یکدیگر را برآورده کنند الزاماً بعد از ازدواج خوشبخت خواهند شد (شیر نژاد، ۱۳۸۳: ۱۱۴)

بنابراین افرادی همدیگر را به عنوان همسر انتخاب می‌کنند که الگوی نیازهایشان ارضای متقابل را تأمین نماید و بیشترین کامروا سازی نیازها را برای آن‌ها داشته باشد.

¹ green

² winch

۴-۳-۴ نظریه تصور از همسر ایده آل

این نظریه توسط آنسلم اشتروس و کتل و نزارود^۱ مورد بحث و بررسی قرار گرفته است این نظریه بر این باور است که شخص یک تصور ذهنی از خصوصیات آرمانی شده کسی را که آرزو می کند با او ازدواج کند، دارد این تصور ممکن است مبهم و نامعین، یا روشن و واضح باشد در نوجوانی مرد یا زن خیالی در صفات فیزیکی اش، فیزیک بدن، زیبایی صورت یا شکل و در خصیصه های روان شناختی از جمله شهامت، جرات، فریبندگی ادراک می شود. اما تصور همسر ایده آل یا تأکیدش بر صفات فیزیکی همیشه کاملاً خیالی نیست، این تصور معمولاً شامل ویژگی های اجتماعی می شود که به طور کلی بر ملاحظات واقعی شباهت در نژاد، ملیت، ایمان مذهبی، استانداردهای رفتاری، وضعیت اقتصادی - اجتماعی، آموزش - دیدگاه های سیاسی و غیره تأکید می کند به طور کلی همسر ایده آل در معاشرت با جنس مخالف، سازگاری در سلیقه، علایق و ایده آل ها و تأکید بر سازگاری در خصیصه های شخصی را در بر می گیرد (بل، ۱۹۷۰ نقل از شیر نژاد ۱۳۸۳: ۱۱۶)

این نظریه بایان اینکه هر فرد تصویری از همسر ایده آلش دارد چیز زیادی به ما نمی گوید مطالعات کتل و نزارود و اشتروس در این زمینه قابل توجه است، اشتروس در مطالعه خود دریافت که «ایده آل ها» درصد زیادی از افراد مورد مطالعه شامل خصوصیات فیزیکی، خصوصیات مربوط به خلق و خو و خصوصیات فرهنگی بوده است درصد زیادی نیز ایده آل های فیزیکی و فرهنگی داشته اند ایده آل های مربوط به خلق و خو کمتر مورد توجه بوده اند (ساسمان، ۱۹۶۳ نقل از شیر نژاد ۱۳۸۳: ۱۱۷)

بنابراین می توان گفت در جامعه ای که ازدواج و همسرگزینی از اهمیت زیادی برخوردار است انتظار می رود که افراد وقت قابل ملاحظه ای را به تفکر درباره ترسیم ذهنی ویژگی همسر مطلوبشان اختصاص دهند. یا اینکه فرد تصویری از ویژگی های شخص مورد نظرش جهت ازدواج در ذهن خود بسازد.

۴-۴-۴ نظریه نیازهای ابزاری

این نظریه از طرف سنتر^۲ در سال ۱۹۷۵ مطرح شد افراد به دنبال روابطی هستند که باعث افزایش حداکثر پاداش برای نیاز آنان و حداقل تنبیه برای نیاز آنان است زنانی که فروتن، وابسته و

¹ Strauss Anselm cattel

² center

عاطفی هستند به دنبال مردانی هستند که دارای گرایز قوی‌تر از آنان باشند (اعزازی، ۱۳۸۲ نقل از شیر نژاد ۱۳۸۳: ۱۱۸)

عموماً نظریه‌های روان‌شناسانه به نتایج روشن و واضحی نرسیده‌اند و ابهام کلی و نامعین بودن آن‌ها هم چنان پابرجاست.

۴-۴-۵ نظریه برابری

نظریه برابری اجتماعی یک نظریه روان‌شناختی است که به‌طور اخص بر آن دسته از ادراکات ذهنی فرد تأکید دارد که مبادله را منصفانه می‌سازد (مقدم، ۱۹۹۸).

۴-۴-۶ نظریه روان‌شناختی دل‌بستگی بالبی

یکی از عوامل شکل‌گیری شخصیت در بزرگسالی کیفیت دل‌بستگی‌های زمان کودکی فرد می‌باشد؛ از این‌رو پرداختن به نظریه دل‌بستگی می‌تواند راهی برای مطالعات موردنظر در زمینه رشد و شکل‌گیری شخصیت افراد در آینده باشد.

نظریه دل‌بستگی: این نظریه بیانگر داشتن ارتباط و دل‌بستگی عاطفی عمیق با افراد نزدیک زندگی مانند والدین، فرزندان، همسر و معشوق به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نیازهای اولیه بشری صحه می‌گذارد.

جان بالبی مبدع نظریه دل‌بستگی است (۱۹۶۹) که بر وجود دو عامل دسترسی و پاسخ‌گویی عاطفی در تعاملات آرام‌بخش انسان‌ها تأکید می‌کند (نقل از جانسون^۱ و ای دیفن ۲۰۰۳ ترجمه بهرامی ۱۳۸۸).

طبق این نظریه، تلاش برای جستجو و حفظ تماس با افراد مهم زندگی یک اصل برانگیزاننده‌ی اولیه و ذاتی بشر است که در تمام طول زندگی با وی همراه است و با گذشتن از دوران کودکی از وی جدا نمی‌شود (بالبی ۱۹۸۸) حضور مظاهر دل‌بستگی مانند والدین، همسر یا معشوق، منجر به احساس آرامش و امنیت برای فرد می‌شود و بالعکس، در دسترس نبودن آن‌ها منجر به پریشانی می‌شود به عبارتی، نزدیکی به فرد موردعلاقه سیستم عصبی را آرام ساخته و یک پادزهر طبیعی علیه احساس اضطراب به حساب می‌آید دل‌بستگی‌های مثبت، بافت خوش‌بینانه‌ای را برای رشد مستمر شخصیت فرد فراهم می‌کنند و همچنین پناهگاهی ایمن را علیه احساس‌های پریشانی و اضطراب را به وجود می‌آورند (میکالینس ۱۹۹۳)^۲.

^۱ Johnson

^۲ Macalens

زمانی که حوادث آسیب‌زایی مانند مشکلات زندگی روزمره، بیماری‌ها روی می‌دهند، عاطفه قدرتمندی در انسان‌ها برانگیخته می‌شود و نیازهای دل‌بستگی‌شان به آرامش و ارتباط به اصلی‌ترین و ضروری‌ترین نیازها تبدیل می‌شود و در نتیجه رفتارهای دل‌بستگی همچون مجاورت جویی در آن‌ها فعال می‌شود در این زمان تمایل به ارتباط با شخص موردعلاقه، ابتدایی‌ترین میل عاطفی فرد است دل‌بستگی به افراد کلیدی زندگی همچون همسر مقابله‌ی اصلی با احساس درماندگی و پوچی است (مک فارلان و وندرکلک ۱۹۹۶).^۱

هم‌چنین بالبی معتقد است که دل‌بستگی در رابطه‌ی والد کودک به رابطه‌ی عاشقانه در بزرگسالی انتقال می‌یابد، برخلاف ارتباط‌های مادر-نوزاد ارتباط‌های عاشقانه بین بزرگسالان شامل دو فرد است که دارای شرایط نسبتاً برابری هستند؛ یعنی هر دوی آن‌ها بارها مورد تهدید واقع شده‌اند، ترسیده و هراسان شده‌اند، متحمل صدمه و آسیب شده‌اند و نیازمند حمایت یا آسایش و راحتی‌اند و در چنین روابطی که این زوج‌ها با هم دارند شرایط و ویژگی‌های هر دو زوج و ترکیب منحصر به فردشان بر هیجانات و عواطف، رفتار و پیامدهای آن تأثیر می‌گذارد (جوهر محمدی، ۱۳۹۳: ۲۴)

بنابراین از نظر روان‌کاوان مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده شخصیت فرد در بزرگسالی رابطه او با مراقب یا مادرش است.

۴-۴-۷ ازدواج در مراحل رشدی اریکسون^۲

نظریه رشد روانی اجتماعی اریکسون یکی از معروف‌ترین نظریه‌های شخصیت در روان‌شناسی است اریکسون هم‌چنین معتقد بود شخصیت هر فرد طی مراحل رشد می‌یابد. اریکسون مراحل زندگی را به هفت دوره تقسیم می‌نماید که ازدواج در مرحله پنجم مطرح و در مرحله ششم اتفاق می‌افتد.

۴-۴-۷-۱ هویت‌مندی در برابر هویت (سیزده تا بیست‌سالگی)

اریکسون هم مانند فروید بیدار شدن میل و نیروی جنسی را در تحولات دوره بلوغ دخیل می‌داند، اما علاوه بر آن به نقش عوامل اجتماعی هم اشاره می‌کند با دوران امیال جنسی، نوجوان ناگهان احساس می‌کند که گویا تکانه‌هایش دیگر کاملاً به اختیار او نیستند، رشد سریع جسمی در این دوره نیز عامل دیگری برای مضطرب کردن نوجوان است؛ او دیگر خود را به‌زحمت می‌شناسد و از همین رو بارها و بارها در آینه می‌نگرد و به‌ظاهر خود توجه زیادی نشان می‌دهد اما مهم‌تر از

^۱ Mcfarlane

^۲ Ericsson

رشد جسمی و سر برآوردن تکانه‌های جنسی دغدغه عمده نوجوان این است که نکند به نظر دیگران فرد خوبی نیاید؟ در عرصه اجتماعی چه جایگاهی خواهد داشت؟ به عبارت دیگر مسئله اصلی نوجوان که دائم با آن اشتغال خاطر دارد، هویت است او می‌خواهد بداند کیست و که خواهد شد؟ نوجوان در پی یافتن پاسخ این سؤال دچار یک تعلیق روانی-اجتماعی می‌شود و مضطربانه با افراد و گروه‌های مختلف همانندسازی می‌کند اما همه این‌ها ممکن است هویت‌های موقت و متزلزلی باشند، به طوری که نوجوان برای حفظ آن‌ها ممکن است روش‌های مختلفی را در پیش بگیرد که راه انداختن دار و دسته یا پیوستن به یکی از دار و دسته‌های موجود و بی‌تحملی در برابر تفاوت‌های فردی دیگران از آن جمله است. او به ترتیب هویت‌های مختلف را می‌آزماید تا سرانجام با عقاید و ارزش‌های یک گروه اجتماعی احساس وحدت درونی کند البته فرآیند تشکیل هویت، فرآیندی مادام‌العمر بوده و از خودگردانی، هدفمندی و ابتکار عمل و صلاحیت و پشتکار متأثر است. عاشق شدن و همانندسازی مفرط با مشاهیر نیز طرق دیگری برای نیل به تعریفی از خود به شمار می‌روند در فرآیند عاشق شدن، نوجوان با برون‌افکنی خودانگاره نا منسجم و آشفته خود بر معشوق و به تدریج دیدن واضح‌تر آن در وی می‌کوشد خود را بشناسد.

از سوی دیگر این فرآیند در نوجوانی خاتمه نمی‌یابد و گاه نوجوان در پاسخ به نیازی اصیل و درونی برای اجتناب از تثبیت زودرس هویت، پذیرش نقش‌های متحجر اجتماعی را برنمی‌تابد. به این ترتیب گرچه او می‌باید رنج جست‌وجوی هویت را به مدت طولانی‌تری تحمل کند، در مقابل امید آن هست که به شکل متعالی‌تری از انسجام فردی دست یابد که درعین حال بکر، بدیع و بی‌سابقه نیز هست؛ کما اینکه بزرگانی چون پیازه، فروید و خود اریکسون به جای پذیرش زودرس هویت‌های رایج شغلی وقت زیادی را صرف یافتن و بلکه ساختن پیشه‌ای شایسته خود کردند. پیامد متعادل و موفق این مرحله چنان‌که گفته شد کسب فضیلت پایبندی؛ یعنی رعایت معیارهای جامعه علی‌رغم نقص‌ها و ناهنجاری‌های آن است.

منظور وفاداری کورکورانه یا انکار آن نقص‌ها و تناقض‌هاست، این دو امکان ایجاد هر تحولی در اجتماع پیرامون را از فرد می‌گیرند، بلکه منظور آن است که فرد جایی برای خود در آن اجتماع بیابد تا بتواند در تحول آن سهیم شود و نقشی ایفا کند (غلامی، ۱۳۸۶: ۴۱، ۴۲). بنابراین با توجه به این نظریه رشدی بیدار شدن امیال جنسی و عوامل اجتماعی و هویت باعث می‌شود فرد پیشنهاد ازدواج را مطرح کند.

۴-۷-۲ صمیمیت در برابر انزوا (بیست تا چهل سالگی)

این مرحله ازدواج را یک نشانه رشدی و طبیعی می‌داند و فرد باید در این مرحله رشدی دست به انتخاب بزند.

فرد در این دوره به یک جوان تبدیل شده است که مهم‌ترین وظیفه رشدی او سروسامان گرفتن از طریق تشکیل خانواده است انجام این وظیفه نیز مشروط به داشتن قابلیت برای برقراری روابط صمیمانه و ظرفیتی برای دوست داشتن و دوست داشته شدن است.

نوجوان هم عشق می‌ورزد، اما چنان که دیدیم، این کار عمدتاً باهدف رسیدن به تعریفی از خود صورت می‌گیرد (غلامی، ۱۳۸۶: ۴۲)

به عبارت دیگر او چنان غرق در خود، تصویر خود نزد دیگران و آینده خود است که نمی‌تواند از عهده وظیفه نیل به صمیمیت برآید صمیمیت واقعی زمانی امکان‌پذیر می‌شود که فرد نخست به یک هویت مستقر دست‌یافته باشد تنها به شرطی که فرد از هویت خود مطمئن شده باشد، می‌تواند در یک رابطه دوجانبه همه‌چیز خود را به طرف مقابل واگذار کند (غلامی، ۱۳۸۶: ۴۲)

ابهام دیگران ناشی از آشفتگی در هویت، اعم از هویت جنسی، هویت شغلی، خودانگاره (تصویری که فرد از خود در ذهن دارد) و تن‌انگاره (تصویر ذهنی فرد درباره بدن خود) مانع از آن می‌شود که فرد بتواند خود را آزادانه و محبت‌آمیز به شریک جنسی خود واگذارد یا اساساً هرگونه رابطه عمیق برقرار کند این‌که برخی از جوانان مقاوم در برابر ازدواج شنیده می‌شود که نمی‌خواهند متعهد به کسی شوند نمونه‌ای از اختلال در این مرحله از رشد است (غلامی، ۱۳۸۶: ۴۲)

بنابراین در این مرحله با دیگران روابط صمیمی برقرار می‌کنیم و پیوند زناشویی ایجاد می‌نماییم البته به نظر می‌رسد بر مبنای نظریه اریکسون صمیمیت تنها به روابط جنسی محدود نمی‌شود بلکه صمیمیت به معنای احساس نگرانی و وفاداری خود را ابراز نمودن و هویت خود را با هویت دیگری یکی کردن بیان نمود.

بنابراین فرد در این مرحله‌ی رشدی دست به انتخاب می‌زند و روابط صمیمانه را که امری روان‌شناختی است با همسر خود شروع می‌کند و گرنه از انزوا رنج می‌برد.

۴-۴-۸ نظریه روان‌شناختی گلاسر^۱

گلاسر از بنیان‌گذاران واقعیت درمانی است، معتقد است تمام برچسب‌هایی که به‌عنوان بیماری به افراد زده می‌شود در حقیقت توصیف رفتارهایی هستند که افراد برای پرداختن به عذاب و ناکامی شایع در روابط ناخوشایند انتخاب کرده‌اند.

نظریه انتخاب که گلاسر ارائه کرده است بر این اصل استوار است که چون انسان‌ها به‌طور ذاتی موجوداتی اجتماعی هستند نیاز دارند محبت کنند و محبت ببینند. گلاسر هم‌چنین معتقد است نیاز به محبت و تعلق جزء نیاز اساسی و نخستین است زیرا ما برای ارضاء کردن سایر نیازها به افراد محتاج هستیم هم‌چنین به اعتقاد او ارضاء کردن این نیاز از همه دشوارتر است زیرا باید فرد یاری بخشی داشته باشیم تا بتوانیم در سایه ارتباط عمیق با او این نیازها را ارضاء کنیم (نقل از کوری، ۲۰۰۵، ترجمه سید محمدی ۱۳۸۸).

واقعیت درمانگران اعتقاد دارند که اساسی‌ترین مشکل اغلب کسانی که برای بهبود حالشان به مراکز مشاوره مراجعه می‌کنند یکی است آن‌ها یا در رابطه‌ای ناخوشایند گیر کرده‌اند یا فاقد چیزی به نام رابطه هستند بیشتر مشکلات افراد از عدم توانایی آن‌ها در ایجاد رابطه‌ای رضایت‌بخش با حداقل یک نفر در زندگی‌شان ناشی می‌شود این بدان معناست که فقدان یا وجود مشکل روان‌شناختی مبتنی بر فقدان یا وجود رابطه است؛ بنابراین در این مکتب، درمان‌گران، درمان‌جویان را به سمت روابط رضایت‌بخش هدایت کرده و به آن‌ها می‌آموزند چگونه رفتار کنند که مؤثرتر باشد (شادمهر، ۱۳۹۰: ۴۰).

بنابراین بر مبنای نظریه گلاسر انسان‌ها در جوامع گوناگون صرف‌نظر از طبقه، نژاد، تحصیلات، استعداد نوع نیازهای اساسی‌شان یکی است ولی توانایی برآوردن این نیازها متفاوت است در همین رابطه بسیاری از افراد هستند که نیازهای روانشان برآورده نمی‌شود و به رضایت خاطر دست نمی‌یابند، درواقع از اینکه دوست داشته باشند و دوستشان بدارند ناتوان هستند پس این‌گونه افراد به روان‌درمانی احتیاج دارند؛ تا راه برآوردن نیازهایشان را یاد بگیرند.

¹ Glassr

بخش دوم :

محاسن و معایب انواع پیشنهاد ازدواج

۴-۵ مبانی نظری ازدواج

۴-۵-۱ ازدواج سنتی و غیر سنتی و نیمه سنتی

ازدواج در گذشته به صورت سنتی بین افراد انجام می شد و در آن خانواده پسر پس از انتخاب دختری که او را مناسب خانواده و پسر خود می دیدند، پس از خواستگاری، وی را به عقد ازدواج پسر خود درمی آوردند. در این ازدواج ها دختر و پسر شناختی از هم نداشته و تا پیش از ازدواج از خصوصیات و رفتارهای درونی و شخصی فرد مورد نظرشان بی خبر بودند (هنر پروران، ۱۳۹۵ : ۱۸)

۴-۵-۱-۱ ازدواج سنتی

ازدواجی است که خانواده ها نقش اساسی در انتخاب، معرفی و سایر تصمیم گیری ها بر عهده دارند و در واقع افراد با کمک و راهنمایی خانواده فردی را به عنوان همسر برمی گزینند (سیار، راهب و اقلیما، ۱۳۹۰ : ۲۸۵)

ازدواج سنتی: اساساً ازدواجی است که طبق اسلام و عرف و فرهنگ متداول از گذشته با خواستگاری و توصیه بزرگ ترها شروع شود و دو طرف (مرد یا زن) هیچ نقشی در آن ندارند (اسدی بیدمشکی، ۱۳۹۰ : ۱۰)

ازدواج سنتی بر این اصل است که تنها بزرگترهای جامعه صلاحیت انتخاب همسر را دارند بیش از دو سوم از ازدواج ها در بعضی از فرهنگ ها هنوز به شکل «سنتی» انجام می شوند. والدین یا بزرگ ترها تصمیم هایشان را بر اساس پایگاه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی اتخاذ می کنند در ازدواج های سنتی، پایگاه و شجره خانوادگی مهم تر از عشق و علاقه هستند (اسدی بیدمشکی، ۱۳۹۰ : ۱۰)

هم چنین در این نوع از ازدواج خانواده باید دختر یا دخترانی را به پسر خود پیشنهاد دهد و او مجاز است از میان آن ها یکی را انتخاب کند (شریف پور، ۱۳۹۴ : ۳۷)

با توجه به پیامدهای ازدواج اجباری اگر دختر و پسری با زور و اکراه به ازدواج هم در آیند، سرانجام با طلاق از هم جدا خواهند شد.

بنابراین با توجه به آنچه گفته شد در ازدواج سنتی نقش اصلی را در پیشنهاد ازدواج خانواده های فرد بر عهده دارند.

پژوهش‌هایی که السون در سال ۱۹۶۹ در آمریکا و هندوستان انجام داد نشان داد نسل جوان آمریکایی ازدواج‌های سنتی را غیر متمدن و عجیب می‌دانند، اما بسیاری از افراد میان‌سال و کهن‌سال آن را ترجیح می‌دهند. همچنین میزان مشارکت بالا در کشور هندوستان در ازدواج سنتی بیانگر این است که اگر نسل جوان خودشان همسر انتخاب کنند دچار ناراحتی می‌شوند و ترس از انتخاب نادرست همیشه آن‌ها را نگران می‌کند (السون، ۱۹۶۹، ترجمه بحیرایی، ۱۳۸۸، نقل از اسدی بید مشک، ۱۳۹۰: ۱۰).

همچنین پژوهش‌های که آقاجانیان، تشکری، و مهریار (۱۹۹۶) در مورد ازدواج سنتی انجام دادند، نشان داد که انتخاب همسر به‌جای اینکه نتیجه یک عمل شخصی باشد، یک عمل خانوادگی و قومی است. این خانواده و بزرگ‌ترها هستند که برای آینده پسر و دختری که ازدواج می‌کنند تصمیم می‌گیرند (رجبی و همکاران، ۱۳۹۴: ۸۴).

با توجه به آنچه گفته شد به نظر می‌رسد در ازدواج سنتی چون خانواده‌ها نقش اصلی را بر عهده‌دارند و طرفین ازدواج (دختر و پسر) نقشی ندارند، عشق و علاقه که امری روان‌شناختی است کم‌رنگ است و این امر سبب می‌شود نارضایتی‌های برای زوجین ایجاد شود. بنابراین در این نوع ازدواج پیشنهاد از طرف خانواده مطرح می‌شود و فرزندان خواسته یا ناخواسته باید این پیشنهاد و درخواست را بپذیرند.

۴-۵-۲ ازدواج مدرن

این‌طور به نظر می‌رسد که دنیا به سمت انتخاب آزاد در ازدواج حرکت می‌کند. این دیدگاه در بعضی مواقع «انتخاب عاشقانه» نامیده می‌شود، ظهور حرکت جدایی از ازدواج سنتی ثمره صنعتی شدن جوامع است. پژوهشگران دریافته‌اند که هر چه توانایی خانم‌ها برای کار کردن در خارج از خانواده افزایش پیدا می‌کند، ازدواج‌های سنتی کاهش می‌یابند (افروز، ۱۳۸۲ نقل از اسدی بیدمشکی، ۱۳۹۰: ۱۰).

– **ازدواج غیر سنتی:** ازدواجی است که در آن دختر و پسر نقش اصلی را در تصمیم‌گیری دارند و پیش از ازدواج مدتی را به دوستی و مصاحبت با یکدیگر می‌گذرانند و علت ازدواج آن‌ها اغلب عشق و علاقه‌ای است که در دوران دوستی ایجاد شده است (همان: ۱۱).

– **ازدواج مدرن:** مراوده و تعامل بین دو جنس مخالف که همراه با «رابطه عاطفی» است و بعضاً می‌تواند با رابطه جنسی همراه باشد و میزان تعهد این روابط اغلب متغیر است و ممکن است گاهی به ازدواج ختم شود (شریف پور، ۱۳۹۴: ۳۷).

البته این نوع از ازدواج بین مردان و زنانی روی می‌دهد که محل تحصیل و یا محل کار آن‌ها یکی بوده است و با توجه به ارتباطی که باهم دارند موجب می‌شود بیشتر به هم دل‌بستگی پیدا کنند و جذب و کشش بین آن‌ها بیشتر شود (اسدی بیدمشکی، ۱۳۹۰: ۱۲)

گرچه ازدواج هنوز بخشی از ساختار جامعه است، اما اکنون دیگر والدین و واسطه‌های ازدواج، انتخاب همسر را تحمیل نمی‌کنند و در عوض بیشتر انتخاب آزاد حاکم است یا این‌گونه به نظر می‌رسد (برنشتاین، ۱۹۹۴)

درحالی‌که در بسیاری از جوامع تصمیم انتخاب همسر توسط خود فرد است اما ترجیحات افراد در ازدواجشان تحت تأثیر هنجارها و محیط‌های اجتماعی جوامع قرار دارد (اسماعیلی و دهدست، ۱۳۹۳: ۴۴۰)

نخستین شرط تشکیل خانواده پایدار، آزادی دختر و پسر در انتخاب همسر و تحمیل نکردن پیوند زناشویی بر آن‌هاست.

این امر بر سخن پیامبر گرامی اسلام مطابقت دارد که می‌فرماید (لأَرْوَاحُ جُنُودٌ مُّخَنَّدَةٌ، فَمَا تَعَارَفَ مِنْهَا اِئْتَلَفَ، وَ مَا تَنَاکَرَ مِنْهَا اخْتَلَفَ). روح‌ها هم چون سپاه‌یانی هستند فراخ آمده که هرکدام از آن‌ها باهم، آشنایی و سازگاری داشته باشند باهم الفت می‌گیرند، و هرکدام از آن‌ها که باهم ناآشنا باشند باهم اختلاف پیدا می‌کنند (ری شهری، ۱۳۸۸: ۸۸)

هم‌چنین جوادی آملی می‌فرماید: زن و مرد از روی اختیار و با توجه به علائق و رغبت‌های خویش دست به انتخاب همسر می‌زنند و از پذیرش همسر تحمیلی پرهیز کنند چراکه ازدواج‌های تحمیلی هم برای زوجین مشکل‌آفرین است و هم آرامش خانواده‌های آن‌ها را سلب خواهد کرد (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۴۶۲)

(تَزَوُّجُ الْاِثْنَيْنِ هُوَ اِثْنَانِ وَدَعِ الْاِثْنَيْنِ اَبَوَاكَ) با کسی ازدواج کن که خودت می‌خواهی و آن شخصی را که پدر و مادر می‌خواهند رها کن (ری شهری، ۱۳۸۸: ۴۲۰)

هم‌چنین حضرت علی (ع) در این نوع از ازدواج معیارهای عقلی را یک ضرورت دانسته است آنجایی می‌فرماید: « مَنْ اَتَّخَذَ اَخًا بَعْدَ حُسْنِ الْاِخْتِيَارِ دَامَتْ صُحْبَتُهُ وَ تَاكَّدَتْ مَوَدَّتُهُ، وَ مَنْ اَتَّخَذَ اَخًا مِنْ غَيْرِ اِخْتِيَارِ اَلْجَاهُ الْاِضْطِرَارُ اِلَى مُرَافَقَةِ الْاَشْرَارِ » (جمال الدین خوانساری، ج ۷: ۳۶۰)

کسی پس از یک امتحان خوب، دوستی برگزیند رفاقت و دوستی آن‌ها دائمی و مودت ایشان محکم خواهد بود و کسی که بدون امتحان و دقت در احوال دیگران، دوست و برادری برگزیند به افراد شرور و گمراه گرفتار می‌شود.

با توجه به آنچه گفته شد تحمیل پیوند زناشویی از نظر اسلام و علم روان شناسی قابل قبول نیست. زیرا دختر و پسری که با زور و اجبار به ازدواج هم درآیند سرانجام با طلاق از هم جدا خواهند شد. بنابراین در اسلام و روان شناسی رضایت دو طرف در انتخاب همسر مهم است.

۴-۵-۳ ازدواج نیمه سنتی

در این نوع از ازدواج پسر با اجازه خانواده خود دختری را می پسندد و سپس شخص موردعلاقه خود را به خانواده معرفی می کند و پس از تأیید والدین اقدامات بعدی جهت ازدواج به عمل خواهد آمد. شکل دیگر این نوع ازدواج آن است که دختر و پسر با یکدیگر ارتباط برقرار می کنند، همدیگر را می پسندند، هر دو موضوع را با خانواده خود در میان می گذارند و اقدامات بعدی را برای ازدواج انجام می دهند (شریف پور، ۱۳۹۴: ۳۷).

البته با توجه به اینکه والدین در راهنمایی جوانان در انتخاب همسر نقش تعیین کننده دارد این نقش باید به صورت مشاوره ای باشد و نباید به صورت تحمیلی و سلب اختیار جوان در تعیین شریک زندگی آینده اش باشد.

کسانی که همسرشان را در داخل پارک ها و خیابان ها انتخاب کرده اند بزرگ ترین اشتباه خود را در زندگی مرتکب شده اند و هرگز نتوانسته اند بار زندگی را تا به آخر به دوش کشند، هیچ اشکالی ندارد اگر با جوانی آشنا شدید، بلافاصله او را به خانواده معرفی کنید زیرا این مسئله به شما حرمت و احترام می بخشد (رنجبر، ۱۳۸۱) از این مطلب چنین فهمیده می شود که؛ پیشنهاد ازدواج از طریق وساطت خصوصاً والدین باعث عزت و احترام می شود و با توجه به تجربه ای که والدین دارند به نظر می رسد فرد ازدواج موفق تری داشته باشد.

بنابراین در این نوع از ازدواج پیشنهاد از طریق واسطه گری مطرح می شود.

اما نکته جالب اینجاست که در اهمیت این نوع ازدواج در نهج البلاغه نیز چنین آمده است: حضرت علی (ع) در حکمت ۱۵۸ می فرماید: «مَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ وَ مَنْ شَاوَرَ الرَّجَالَ شَارَكَهَا فِي عُقُولِهَا» (نهج البلاغه، حکمت ۱۵۸)

هر کس خودرأی شد هلاک می شود و هر کس با افراد صاحب نظر مشورت کند در عقل آنان شریک می شود.

این حکمت نهج البلاغه بیانگر این امر است که بسیاری از ازدواج هایی که به طلاق و شکست منجر می شوند ناشی از این دیدگاه است که دختر یا پسر تصور می کنند که در موضوع ازدواج و پیشنهاد آن نیازی به مشورت و والدین خود و دیگران ندارند.

با توجه به آنچه گفته شد به نظر می‌رسد انواع پیشنهاد ازدواج از نظر علم روان‌شناسی چنین است:

۴-۶ انواع پیشنهاد ازدواج

۴-۶-۱ پیشنهاد از طرف والدین

در این نوع ازدواج والدین بدون رضایت فرزند خود فردی را به او پیشنهاد می‌دهند.

۴-۶-۲ پیشنهاد از طرف دختر و پسر بدون وساطت

این نوع از پیشنهاد ازدواج باعث صمیمیت روان‌شناختی می‌شود از جمله نیاز به انتقاد، در میان گذاشتن و گفت‌وگوی صریح درباره مسائل شخصی، اطلاعات مربوط به خود با همسر است، این صمیمیت هم‌چنین شامل نیاز به گفتن امیدها، آرزوها و نقش‌های آینده و هم‌چنین ترس‌ها، خواسته‌ها و رازها با همسر است (فتحی، ۱۳۹۵). پژوهش‌گران دریافته‌اند که هر چه توانایی خانم‌ها برای کار کردن در خارج از خانواده افزایش پیدا می‌کند، ازدواج‌های سنتی کاهش می‌یابد و احتمال ازدواج‌های مبتنی بر عشق و علاقه افزایش پیدا می‌کنند و ممکن است به تدریج آمار ازدواج نیز کاهش یابد (افروز، ۱۳۸۲).

هم‌چنین ساروخانی (۱۳۸۹) معتقد است بین تجددگرایی و همسرگزینی رابطه‌ی معناداری وجود دارد، به هر میزان که تجددگرایی افزایش می‌یابد نقش واسطه‌های انسانی در انتخاب همسر رو به کاهش می‌روند.

از نظر تاریخی، مردان آزادی و امتیاز برای آشنایی اولیه داشتند، هر چه سنت‌ها تغییر کرده‌اند زن‌ها در شروع آشنایی اولیه جسورتر شده‌اند، گر چه بیشتر زن‌ها هنوز از مردها توقع شروع رابطه و برنامه‌ریزی برای آشنایی و پیشنهاد ازدواج را دارند، باین‌حال زن‌های امروزی معمولاً در مقایسه با نسل قدیم جسورتر هستند و مشارکت فعالانه‌تری در جریان آشنایی دارند (استیری، ۱۳۸۷: ۳۵).

با توجه به تفاوت‌های روان‌شناختی که بین زن و مرد وجود دارد بهتر است پیشنهاد از طرف مرد باشد.

بنابراین برای زنان که وجودشان منبع احساسات، عطوفت و مهر طلبی و تمایل درونی‌شان مبتنی بر محبوب و معشوق بودن است و دوست دارند بر دل‌وجان مرد حاکم باشند (اشرفی نژاد، ۱۳۹۱).

با توجه به آنچه گفته شد به نظر می‌رسد از آنجایی که علم روان‌شناسی یک علم جدید است و ازدواج در آن بیشتر مبتنی بر عشق می‌باشد پیشنهاد ازدواج در آن بیشتر از هر دو طرف (دختر و پسر) صورت می‌گیرد.

۴-۶-۳ واسطه‌گری

در این نوع از ازدواج والدین یا افرادی دیگر با رضایت پسر و دختر خود فردی را به او پیشنهاد می‌دهند.

۴-۷ چگونگی تغییر شکل ازدواج از نوع سنتی به مدرن

کارشناسان معتقدند که امروزه به دلیل تغییرات اقتصادی و سیاسی بسیاری از ارزش‌ها دست‌خوش تغییر و تحول شده‌اند. این تغییرات نه تنها بعد اجتماعی زندگی انسان، بلکه خصوصی‌ترین بخش‌های زندگی انسان، از جمله ازدواج را نیز تحت تأثیر قرار داده‌اند. این تأثیرها نه تنها مفهوم ازدواج، بلکه شیوهی انتخاب همسر را نیز دگرگون کرده‌اند. ازدواج‌های گذشته (سنتی) توسط خانواده تنظیم می‌شدند و ازدواج پیوندی بر اساس قراردادهای میان دو خانواده بود و چارچوب مشخصی داشت. در ازدواج‌های امروزی (مدرن) جوان‌ها برای انتخاب همسر به خودشان حق می‌دهند که آزادانه عمل کنند و همسرشان را بر مبنای ملاک‌های موردنظرشان انتخاب کنند. در این نوع ازدواج‌ها که بیش‌تر در کشورهای غربی رایج و مطابق با فرهنگ و سنت‌های این‌گونه کشورهاست، دختر و پسر بعد از آشنایی به دوستی و برقراری رابطه‌ای عاطفی می‌پردازند و در صورت وجود هماهنگی و رضایت از یکدیگر به ازدواج اقدام می‌کنند (فاریابی و زارع محمودآبادی، ۱۳۹۴: ۸۳)

۴-۸ انواع آشنایی‌ها برای ازدواج

در ازدواج سنتی نحوه‌ی آشنایی زوجین با یکدیگر فرمول خاصی ندارد؛ اما در ازدواج‌های مدرن نحوه‌ی آشنایی‌ها کاملاً متفاوت است که در ذیل به آن اشاره می‌کنیم:

۴-۸-۱ آشنایی در اقوام

در این نوع آشنایی زوجین علاوه بر این‌که از بعد اجتماعی یکدیگر شناخت دارند تا حدودی هم به شناخت بعد فردی یکدیگر رسیدند. فرهنگ، آداب و رسوم، نگرش‌ها و باورهای خانواده‌هایی که باهم فامیل هستند اغلب به هم نزدیک‌اند؛ بنابراین دختر و پسر مشکل چندانی از نظر فاصله‌ی

اجتماعی، فرهنگی و طبقاتی باهم نخواهند داشت. و به نظر می‌رسد تا حدودی هم کفو یکدیگر باشند.

۴-۸-۲ آشنایی در محیط‌های اجتماعی مناسب مانند دانشگاه‌ها و یا محل کار

در این نوع آشنایی‌ها، زوجین شناختی کلی از بعد اجتماعی شخصیت یکدیگر پیدا کرده‌اند و کمی با نگرش‌ها، رفتارها و فرهنگ خانوادگی یکدیگر آشنا شده‌اند که با مراسم خواستگاری و رفت‌وآمد بین خانواده‌ها باید دایره شناختشان را گسترده‌تر کنند. بنابراین به نظر می‌رسد در این گونه ازدواج‌ها فرهنگ‌های دو طرف متفاوت باشد.

۴-۸-۳ آشنایی از طریق دوستان و رابطه‌ی دوستانه با هم داشتن

در این نوع آشنایی اغلب پسرها و دخترها بدون اطلاع خانواده‌ها و بدون هیچ شناختی از با یکدیگر رابطه برقرار می‌کنند. در این نوع آشنایی شاید هدف طرفین ازدواج باشد؛ اما ممکن است پس از چندین سال ارتباط به دلیل عدم تناسب رفتار و دوستی‌شان تمام و ازدواجی صورت نگیرد. و این امر آسیب‌های روحی و روانی برای هر دو نفر به خصوص دختر در پی دارد.

۴-۸-۴ ازدواج‌های فضای مجازی

این گونه ازدواج‌ها هدیه‌ای از تکنولوژی و فناوری نوین به انسان‌هایی است که تمام زندگی خود را در چارچوب یک فضای مجازی می‌بینند. شروع این نوع رابطه‌ها با سرگرمی و تفریح و پایانش با اشک و ندامت و افسردگی است. این نوع آشنایی از مذموم‌ترین نوع آشنایی‌هاست که این نوع، از جمله کالاهای وارداتی به فرهنگ و ارزش‌های ماست. تصور کنید دو نفری که هیچ هماهنگی و توازنی حتی در بعضی موارد مکانی نسبت به یکدیگر ندارند می‌خواهند باهم ازدواج کنند؛ یکی در شمال ایران و دیگری در جنوب ایران، تمام آشنایی و شناخت افراد در چند ساعت چت و آیکن‌های بامزه خلاصه می‌شود. اگر این نوع آشنایی به ازدواج هم ختم شود، ممکن است پس از چند سال یا شاید هم چند ماه به دلیل سست بودن پایه‌های آشنایی، منجر به از هم پاشیدن خانواده و طلاق می‌شود. (صمدیه، ۱۳۸۲)

۴-۹ محاسن پیشنهاد ازدواج از طریق واسطه‌گری

به نظر می‌رسد از آنجایی که والدین خیر و صلاح فرزند خود را می‌خواهند و تجربه بیشتری دارند این روش از پیشنهاد ازدواج بهتر است که دارای فواید بسیاری است از جمله:

در این گونه از پیشنهاد ازدواج امکان کسب اطلاعات بیشتر با توجه به اینکه جمعی از افراد خانواده به خواستگاری می‌روند وجود دارد، امکان دست یافتن به اطلاعات بیشتری در مورد خانواده‌ها به دست می‌آید و هر کس می‌تواند در حد خود شناختی از طرف مقابل پیدا کند و انتخاب بهتری صورت گیرد.

در این گونه ازدواج امکان بحث و تبادل نظر و ارزیابی خانواده‌ها وجود دارد. حضور والدین اگر افرادی آگاه و مطلع باشند امکان پی بردن به برخی از اختلالات روانی را افزایش می‌دهد. مثلاً وقتی والدین به خواستگاری فردی می‌روند طرفین از امکان بهتری برای ارزیابی هوشمندی یکدیگر برخوردار می‌شوند. بزرگ‌ترها با تیک‌ها^۱ آشنایی بیشتری دارند. همچنین بزرگ‌ترها ممکن است با اختلالات شایع روانی آشنایی بیشتری داشته باشند، مثلاً در برخورد با خواستگار افسرده ممکن است به راحتی او را بشناسند قبل از درمان او از ایجاد پیوند ممانعت به عمل آورند (ایمانی، ۱۳۸۸: ۶۷۲).

وحدت و انسجام خانوادگی در این گونه ازدواج باعث حفظ و حرمت خانواده‌ها در آینده می‌شود.

احساس ارزشمندی بیشتر از سوی دختر و خانواده او: هر که طاووس خواهد، جور هندوستان کشد.

فرصتی برای ملاقات بهتر و امکان برخورداری از فضایی صادقانه‌تر: از آنجاکه این گونه ملاقات زیر نظر والدین صورت می‌گیرد، دختر و پسر بدون احساس فشار روانی ناشی از مخفی کاری توأم با عدم رضایت والدین به بحث و بررسی درباره افکار و اندیشه‌ها و شرایط یکدیگر می‌پردازند و فضایی صادقانه شکل می‌گیرد (ایمانی، ۱۳۸۸: ۶۷۲).

پرهیز از ابتلا به انحرافات، عشق‌های کاذب و رودربایستی و ترحم: وقتی خواستگاری به عنوان شیوه‌ای مناسب برای انتخاب همسر در نظر گرفته شود دیگر مسئله دوستی‌های معضل آفرین دختر و پسر و انحرافات ناشی از آن در جامعه رخ نمی‌دهد و سلامت اخلاقی جامعه محفوظ می‌شود (ایمانی، ۱۳۸۸: ۶۷۳).

در این گونه ازدواج آشنایی با ویژگی‌های خانواده از جمله: پوشش مناسب، وفای به عهد، پرهیز از غیبت و دروغ‌گویی وجود دارد.

^۱ تیک‌ها، اسپاسم ماهیچه‌ای هستند، به انقباض غیرارادی ماهیچه‌ها که حالت تکراری دارند تیک می‌گویند.

با توجه به آنچه گفته شد زمینه تحقق ازدواج پایدار و خانواده بسامان فراهم می‌شود و طرفین به دلیل مواجهه با مشکلات و استرس‌های روانی کمتر، از تعادل بهتری برخوردار می‌شوند، و بدین ترتیب بهداشت روانی و آرامش در خانواده‌ها بهتر حفظ می‌گردد.

بهداشت روان با تأکید بر دستورات مترقی اسلام برای پیشگیری از اختلافات، جدایی‌ها، انتخاب سالم در ازدواج را از طریق موارد زیر مورد تأکید قرار می‌دهد:

اعتلای فرهنگ نیازهای فکری: متأسفانه نتایج هراس‌آور طلاق در ایران نشان می‌دهد که در صد زیادی از داوطلبان ازدواج به‌جای توجه به فرهنگ و سنجش تفکر در ازدواج دنبال چیزی می‌گردند که در ازدواج وجود ندارد. بهترین گویای توجه به نیاز فکری و تأثیر آن در اعتلای خانواده، خواستگاری حضرت علی (ع) از فاطمه (س) و وحی جبرئیل به پیامبر (ص) می‌باشد (موقری، ۱۳۷۶: ۱۸)

اعتلای فرهنگی نیازهای عاطفی: نیازهای عاطفی به‌عنوان بزرگ‌ترین پوشش‌دهنده خلأ وجودی انسان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. گیم ۱۹۹۵ می‌نویسد: عدم توجه به آن به‌زودی عوارض عصبی چون سردرد، کمردرد، و سوهاضمه را شامل می‌شود (موقری، ۱۳۷۶: ۱۸)

۴-۱۰ آسیب‌شناسی پیشنهاد ازدواج از طریق واسطه‌گری

به نظر می‌رسد در این نوع از ازدواج عدم شناخت از یکدیگر وجود داشته باشد. عدم عشق و علاقه در این نوع از ازدواج احتمال دارد باعث نارضایتی در زندگی افراد شود. صمیمیت در این نوع از ازدواج کم است. بعضی از افراد واسطه‌گرهای خوبی برای ازدواج نیستند بیش‌ازحد از طرف مقابل تعریف می‌کنند.

فرد واسطه بر اساس نظام فکری، فرهنگی و مذهبی خود دو نفر را به هم معرفی می‌کند و ممکن است طرفین را به‌درستی نشناخته باشد، بنابراین نمی‌تواند ضامن موفقیت در ازدواج باشد. بسیاری از افراد هنگامی که واسطه امر خیر می‌شوند تأکید و سفارش می‌کنند و از خوبی‌های فرد مقابل می‌گویند که این امر منطقی به نظر نمی‌رسد. متأسفانه بعضی از واسطه‌ها دنبال منافع شخصی خود و سو استفاده از این کار هستند.

۴-۱۱ محاسن و ظرافت های روان شناختی پیشنهاد ازدواج از طرف دختر و پسر

بدون واسطه

در ازدواج غیر سنتی عشق به علاوه هوس نمود زیادی دارد، با توجه به ارتباطی که قبل از ازدواج افراد باهم دارند شناخت بهتری از همدیگر کسب می کنند البته ارتباطی که در حد صحبت کردن و مشاهده رفتارهای یکدیگر باشد منطقی به نظر می رسد. صمیمیت، میل و هوس در ازدواج غیر سنتی بیشتر است. به نظر می رسد ثبات و دوام ازدواج در این نوع ازدواج بیشتر است. در این نوع ازدواج با توجه به ارتباطی که بین دو نفر برقرار است علاقه نسبی بینشان ایجاد شده است.

البته با توجه به پژوهش هایی که در این زمینه انجام گرفته، نتایج متناقضی به دست آمده است و از آنجایی که این پژوهش ها با توجه به جامعه آماری محدود و متفاوت است و هر کدام آداب و رسوم خاص خود را دارند نمی توان آن را تعمیم داد.

سازگاری زناشویی و شادکامی در ازدواج غیر سنتی بیشتر است.

ابراز مهر و محبت هیجانات عاطفی و احساسی در این نوع ازدواج بیشتر است.

چنان که گفتیم در سیره بعضی از پیامبران و معصومین (ع) تقاضا و درخواست ازدواج از سوی مرد انجام می گرفته است.

این امر به خاطر تفاوت های روان شناختی زن و مرد است، پیشنهاد ازدواج احترام و اکرام به جنس مؤنث است (شعبی، ۱۳۹۲: ۹۶)

باوجود مشابهت میان هوش و توانمندی ذهنی دختران و پسران، تفاوت های موجود در ویژگی های زیستی و عاطفی دخترها و پسرها، ویژگی های شخصیتی متفاوتی به آن ها می دهد که بر اساس آن سنت غالب جوامع شکل می گیرد. زنان از احساسات لطیف و عواطفی فوق العاده عمیق برخوردارند که باعث پدید آمدن نگرش ها، رفتارها و نیازهای ویژه ای در وجود آنان می شود. تفاوت های زیستی و روان شناختی موجود میان زن و مرد هرگز به معنای برتری یکی بر دیگری نیست، بلکه این تفاوت ها بیانگر ویژگی های خاص، قابلیت ها و مسئولیت های ویژه و درخور هر کدام از آنهاست (اشرفی نژاد، ۱۳۹۱)

تفاوت های روان شناسی زن و مرد عبارتند از: مردان موقعیت ها و اوضاع را به طور کلی درک می کنند و تفکر کلی و جامع دارند، در حالی که زنان بیشتر بر روی جزئیات و نکات ظریف تمرکز می کنند

خانم‌ها تابع احساسات هستند و آقایان تابع عقل هستند بسیار دیده‌شده که خانم‌ها از لحاظ هوش نه فقط با مردان برابری می‌کنند بلکه گاهی در این زمینه از آن‌ها برتر هستند. مردان همیشه عملی‌تر فکر می‌کنند، بهتر قضاوت می‌کنند، سازمان دهنده بهتری هستند و بهتر هدایت می‌کنند (مطهری ۱۳۷۸: ۱۸۶)

میل جنسی در مردان زیاد است، مرد بنده شهوت خویشتن است و زن دربند محبت مرد است، مرد زنی را دوست می‌دارد که او را پسندیده و انتخاب کرده باشد و زن مردی را دوست دارد که ارزش او را درک کرده باشد، شهوت مرد ابتدایی و تهاجمی است و شهوت زن انفعالی و تحریکی، تفاوت‌های عجیب جسمی و روحی در میان آن‌ها قرار داده است و همین تفاوت‌ها باعث جذب یکدیگر می‌شوند (مطهری، ۱۳۷۸: ۱۸۱)

از این مطلب چنین برداشت می‌شود یکی از راه‌های جذابیت برای مردان میل و کشش جنسی است و همین امر باعث تقاضای ازدواج از سوی او می‌شود. آفرینش مرد را مظهر طلب و عشق و تقاضا و زن را مظهر محبوبیت و معشوقیت قرار داده است، احساسات مرد نیازآمیز و احساسات زن ناز خیز است، احساسات مرد طالبانه و احساسات زن مطلوبانه است (مطهری، ۱۳۷۸: ۱۸۵)

البته به گفته شهید مطهری تفاوت‌های زن و مرد تناسب است نه نقص و کمال، قانون خلقت خواسته است با این تفاوت‌ها تناسب بیشتری میان زن و مرد که قطعاً برای زندگی مشترک ساخته‌اند و مجرد زیستن انحراف از قانون خلقت است به وجود آورد (مطهری، ۱۳۷۸: ۱۷۵)

۴-۱۲ آسیب‌شناسی پیشنهاد ازدواج از سوی دختر و پسر بدون وساطت

با توجه به اینکه در این نوع از پیشنهاد ازدواج رابطه بین دو طرف برقرار می‌شود احتمال سو استفاده جنسی وجود دارد که این امر باعث می‌شود اثرات نامطلوبی در آینده زن و شوهر بگذارد. تنوع‌طلبی، ضعف شناخت از یکدیگر، احساسی بودن، توجه به شناخت‌های ظاهری از آسیب‌های این گونه ازدواج می‌باشد.

میل به طلاق در این‌گونه ازدواج‌ها بیشتر است. طبق آمار رسمی در ایران از هر هزار مورد ازدواج حدود دویست مورد به طلاق منجر می‌شود. در بررسی عوامل طلاق، علاوه بر عوامل اجتماعی، اقتصادی و حقوقی توجه به علل روان‌شناختی و عاطفی از جمله میل به طلاق که منجر به طلاق می‌شود از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (فاریابی و زارع محمودآبادی، ۱۳۹۴: ۸۴)

وابستگی عاطفی: چنان چه دو طرف رابطه‌شان بیشتر بر بعد عاطفی (علاقه) و درجات شدید باشد امکان و قرار تصمیم‌گیری را از دو طرف می‌گیرد (بهادری و همکاران، ۱۳۸۳: ۶۰)

با توجه به نو ظهور بودن این نوع ازدواج در جامعه ما و ناآگاهی جوانان در خصوص ایجاد رابطه صحیح برای ازدواج وجود دارد (فاریابی و زارع محمودآبادی، ۱۳۹۴: ۸۵)

نامحوبی در چشم والدین: دو طرف ممکن است محبوبیت خود را نزد والدین از دست بدهند و والدین نسبت به آن‌ها بی‌اعتماد می‌شوند (بهادری و همکاران، ۱۳۸۳: ۶۰)

معاشرت و دوستی آزادانه دختر و پسر می‌تواند مشکلات و گرفتاری‌های را برای آنان ایجاد کند و آنان را از مسیر عادی زندگی‌شان دور سازد در این رهگذر دختران به‌مراتب بیشتر از پسران آسیب‌های روانی و اجتماعی و گاه جسمی و بهداشتی می‌بینند که بر زندگی شخصی، خانوادگی و سلامت جسمی آنان اثرات منفی بر جای می‌گذارد و گاه موجب ازهم‌پاشیدگی زندگی آنان می‌شود (یوسفی بهرامی، ۱۳۹۵: ۴۵)

در ازدواج غیر سنتی دخترها و پسرها نسبت به رفتارهای اجتماعی یکدیگر شناختی سطحی پیدا می‌کنند.

در این نوع رابطه‌ها دختر و پسر با خصوصیات رفتاری و فردی ظاهری یکدیگر آشنا می‌شوند و زوجین وقتی رفتار واقعی خودشان را نشان می‌دهند که زیر یک سقف قرار می‌گیرند. در ازدواج غیر سنتی که معمولاً با دوستی دختر و پسر باهم آغاز می‌شود، افراد اغلب با دل‌بستگی و عشق شدیدی روبه‌رو هستند هر قدر هم اطرافیان بگویند که این دختر یا پسر از نظر اعتقادات و باورها، ظاهر، رفتار و غیره مناسب خانواده ما نیست، باز دختر و پسر سعی می‌کنند چشمانشان را روی همه‌ی واقعیت‌ها ببندند، زبان عقل را لال کنند، پنبه در گوش بگذارند و عیب‌های طرف مقابلشان را نه ببینند، نه بشنوند، یا اگر هم ببینند، اصرار دارند که بر ایشان مهم نیست یا در زندگی با آن کنار می‌آیند و دست‌آخر، طرف مقابل را تغییر می‌دهند، چون دلشان حسابی پای بند شده است (شادمهر، ۱۳۹۰: ۴۳)

در ازدواج غیر سنتی چون اکثر دختر و پسر ها احساسی تصمیم می گیرند همین امر باعث می شود که خانواده های طرفین یکدیگر را قبول نداشته باشند و هر طرف خود را از دیگری بالاتر می داند و پس از عقد، تازه اختلاف ها گل می کنند. در این نوع ازدواج دختر و پسر آرمان گرایی و با هزار نوع آرزو و رؤیاهای رنگ و وارنگ باهم ازدواج می کنند، از انعطاف پذیری و تحمل در برابر مشکلات خبری نیست و با اندکی سختی، خیلی زود از زندگی مشترکشان خسته می شوند (مصلحی، ۱۳۹۱)

۴-۱۳ محاسن پیشنهاد ازدواج از طرف والدین

از آنجایی که ازدواج نه تنها پیوند دو فرد بلکه وصلت دو خانواده باهم نیز هست؛ پس بدون اظهار و نظرهای والدین نمی‌توان انتظار ازدواج موفق در آینده داشت.

با توجه به تجاربی که والدین دارند احتمال سوء استفاده و فریب کمتر است.

در این گونه ازدواج حمایت والدین در زمینه‌های مالی و مساعدت فکری وجود دارد.

این نوع ازدواج اعتباربخشی به خود و خانواده‌ها می‌بخشد. البته ذکر این نکته ضروری است که شناخت مقدم بر عشق باشد از این جهت که انتخاب درست و منطقی بر اساس شناخت شکل می‌گیرد و بعد از شناخت عشق به وجود می‌آید که این امر باعث می‌شود فرد ازدواج موفق‌تری داشته باشد و ازدواج موفق موجب افزایش سلامت جسمانی و روان‌شناختی می‌شود. از آنجایی که زن نماد احساس و عاطفه در خلقت شناخته شده است و احتمال انتخابی نادرست با توجه به ویژگی‌های عاطفی بودن زن می‌تواند لطمات جبران‌ناپذیری به کانون خانواده وارد کند لزوم رضایت دختر و اذن پدر مورد تأکید قرار گرفته است. امام خمینی رحمت‌الله علیه در تحریر الوسيله می‌فرمایند از زمانی که دختر بالغه رشیده شد، احتیاط آن است که اذن پدر یا جد و نیز اذن دختر، هر دو در امر ازدواج دختر در نظر گرفته شود (الموسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲: ۴۱۹)

مطلب فوق به قصور و عدم رشد عقلی و فکری زن مربوط نیست به گوشه‌ای از روان‌شناسی زن و مرد مربوط است

هم‌چنین مطهری می‌فرماید: این امر مربوط است به حس شکارچی گری مرد از یک‌طرف و به خوش‌باوری زن نسبت به وفا و صداقت مرد از طرف دیگر، مرد بنده شهوت است و زن اسیر محبت، آنچه مرد را می‌لغزاند و از پای درمی‌آورد شهوت است، زن به اعتراف روان‌شناسان صبر و استقامتش در مقابل شهوت از مرد بیشتر است، اما آن چیزی که زن را از پا درمی‌آورد و اسیر می‌کند این است که نغمه محبت و صفا و وفا و عشق از مردی بشنود.

خوش‌باوری زن در همین حالت، زن مادامی که دوشیزه است و هنوز صابون مردان به جامه‌اش نخورده است، زمزمه‌ی محبت مردان را به سهولت باور می‌کند (مطهری، ۱۳۷۸: ۹۳)

۴-۱۴ آسیب‌های ازدواج از طریق والدین (ازدواج اجباری).

با توجه به عدم انتخاب تصمیم زوجین شادکامی برای آن‌ها وجود دارد (فاریابی و زارع محمودآبادی، ۱۳۹۴: ۹۰)

عدم شناخت دختر و پسر از همدیگر و بی‌خبر بودن از خصوصیات و رفتارهای درونی و شخصی فرد موردنظرشان است (فاریابی و زارع محمودآبادی، ۱۳۹۴: ۸۹)

از آنجایی که علاقه و میل فردی که قصد ازدواج دارد، بسیار با اهمیت است بر میل و نظر والدین ترجیح می‌یابد اگر در ازدواج میل و علاقه وجود نداشته باشد، از ابتدای تشکیل خانواده نارضایتی خود را نشان می‌دهد (صفورایی پاریزی، ۱۳۹۴)

ناسازگاری بین زن و شوهر و درگیرهای خانوادگی باعث معضل اجتماعی طلاق می‌شود. در ازدواج‌های سنتی زوجین همه‌ی اتفاق‌ها را بر دوش تقدیر می‌گذارند. اگر خوشبخت شوند می‌گویند قسمت بوده؛ و اگر در کنار هم شاد و راضی نباشند، کسی را که مسبب ازدواجشان بوده مقصر می‌دانند (شادمهر، ۱۳۹۰: ۴۳)

بی‌ثباتی ازدواج (احتمال طلاق) در ازدواج سنتی بیشتر است. صمیمیت، میل و هوس با توجه به عدم عشق در آن کمتر است. ایفای نقش، پاسخ‌دهی عاطفی، آمیختگی عاطفی در آن کمتر است. در این نوع ازدواج دایره همسرگزینی محدود است و این امر باعث بالا رفتن ازدواج‌های خویش‌اندی می‌شود.

در این نوع ازدواج احتمال خشونت‌های فیزیکی و لفظی بین زن و شوهر زیاد می‌باشد با توجه به پیشرفت جوامع و فاصله بین نسل‌ها اختلاف نظر والدین و فرزندان زیاد است. با توجه به آسیب‌های یادشده به نظر می‌رسد پیشنهاد دو طرف با واسطه والدین می‌تواند گزینه بهتری جهت ازدواج باشد.

محاسن ظرافت‌های ازدواج با کنیزان

شاید این سؤال به وجود آید که چرا بعضی از معصومین (ع) به کنیزان پیشنهاد ازدواج می‌دادند و با آن‌ها ازدواج می‌کردند و یا اینکه به افرادی پیشنهاد ازدواج می‌دادند که هم‌تا و هم-شأن آن‌ها نبودند.

از آنجایی که تأکید شده است فرد برای اینکه ازدواج موفق داشته باشد باید در پیشنهاد ازدواج خود دقت لازم را داشته باشد و کسی را برای خود انتخاب کند که هم‌تا و کفو خود باشد که این امر باعث می‌شود صمیمیت آنان به یکدیگر عمیق‌تر و بنیاد خانواده آنان مستحکم‌تر می‌شود. بنابراین مقام و منزلت معنوی کنیزان باعث شده است تا امامان معصوم (ع) شأن اجتماعی پایین آنان را نادیده نگیرند.

با توجه به اینکه همتایی در ازدواج امری نسبی است لازم است در برخی شرایط زمانی و مکانی از آن صرف نظر شود از این رو اگر فرد داوطلب ازدواج از ملاک‌های مطلق، از قبیل اخلاق و

سلامت روان برخوردار بود، مناسب نیست که اصل ازدواج را به‌عنوان یک سنت مهم پیامبران الهی به دلیل فراهم نبودن شخص همانند ترک نمود.

به همین جهت باوجوداینکه بعضی از همسران ائمه (ع) و پیامبر (ص) همتا و کفو آن‌ها نبودند، این امر باعث نشد که ائمه اطهار از ازدواج با آن‌ها خودداری کنند (قمی، ۱۳۷۰، ج ۱: ۲۰۱)

با توجه به آنچه گفته شد در میان صفات نسبی مهم‌ترین آن‌ها توجه به همسانی و تشابه زن و مرد است که در میان آن‌ها جنبه‌های روان‌شناختی افراد که در سازگاری و رضایت زناشویی بیشتر مؤثر است باید ترجیح داده شود (دریایی، ۱۳۹۲: ۴۶)

بنابراین از آنجایی که کنیزان نسبت به ائمه اطهار از منزلت اجتماعی پایینی برخوردار بودند به نظر می‌رسد در بین آن بزرگواران همسانی اجتماعی ملاک نبوده است چنان‌که در منابع اسلامی ملاک و معیار همسانی برای آن بزرگواران هماهنگی سطح دینی لحاظ شده است (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵: ۳۳۷)

ظاهراً به نظر می‌رسد پیامبران و معصومین (ع) در پیشنهاد ازدواج به جنبه‌های روان‌شناختی که جزء ملاک‌های مطلق آنان بود اهمیت ویژه‌ای می‌دادند.

خدمات پژوهشی مهرگان در ایتا و تلگرام

فصل پنجم

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

۵-۱- نتیجه‌گیری

در جوامع دینی و سنتی که سخن از محدودیت روابط زن و مرد به میان می‌آید چارچوب مورد تأیید شریعت را می‌طلبید که روابط آن‌ها را در شئون مختلف تنظیم کند. یکی از نیازهای اساسی جامعه تأسیس بنیانی به نام خانواده است که حاصل ازدواج مرد و زن است. در ادیان ابراهیمی همچون دین اسلام و یهودیت تأکید زیادی بر ازدواج می‌شود به گونه‌ای که در نصوص دینی آن‌ها یعنی در قرآن کریم و عهد عتیق به مباحث مربوط به روش پیشنهاد ازدواج به صراحت اشاره شده است چنانکه سیره برخی انبیاء خود دستمایه‌ای قوی برای دستیابی به الگویی شرعی در امر ازدواج است؛ اما برخلاف این دو دین، در دین مسیحیت تأکید زیادی بر ازدواج نمی‌شود، چراکه از نظر آنان ازدواج تنها وسیله‌ای جهت دفع شهوت و جلوگیری از معصیت است و به خودی خود دارای ارزش نیست. حضرت عیسی (ع) که عمر خویش را در تجرد سپری کرد الگوی یگانه‌ای برای راهبان مسیحی و کسانی که طرفدار تجردند شناخته می‌شود. تأکید دین مسیحیت بر عزوبت و تجرد از همین رو است. گرچه بعدها برخی فرقه‌های مسیحی ازدواج را برای راهبان و مردم عادی آزاد دانستند. نکته قابل توجه این است که اساساً در عهد جدید چه به اشارت و چه کنایت سخنی دال بر تأکید بر ازدواج چه برسد به روش پیشنهاد ازدواج وجود ندارد.

همان‌طور که گفته شد از آیات نورانی قرآن کریم و فقراتی از عهد عتیق نمونه و الگوهایی برای روش پیشنهاد ازدواج به دست می‌آید که با توجه به روش‌های پیشنهاد ازدواج در سیره انبیاء و اهل‌بیت می‌توان گفت پیشنهاد الهی اختصاص به این بزرگواران دارد و شامل افراد عادی نمی‌شود بنابراین نمی‌توان آن را روشی برای عموم تلقی کرد؛ اما به توجه به احصائی که در متون دینی انجام گرفت انواع روش‌های پیشنهاد ازدواج را برای جامعه این‌گونه می‌توان تحلیل و آسیب‌شناسی کرد: به نظر می‌رسد که روش پیشنهاد ازدواج از سوی مرد با توجه به حفظ حرمت و حریم زنان بهتر است.

اگر زنان در امر ازدواج پیشنهاددهنده باشند اگر با جواب رد مواجه شوند به‌نوعی با شکست عاطفی در زندگی مواجه می‌شوند و این امر می‌تواند در زندگی آینده آنان تأثیرگذار باشد؛ اما به نظر می‌رسد اگر پیشنهاد از سوی زن باشد این مراسم‌های مجلل و مهریه‌های عجیب از بین می‌رود چه بسیار افرادی با این‌گونه مراسم‌ها و مهریه‌ها ازدواج کردند اما زندگی آن‌ها دوامی نداشته و منجر به از هم پاشیدن خانواده‌ها شده است بنابراین این موارد نمی‌توانند ضامن خوشبختی و پایداری زندگی را برای فرد همراه داشته باشد.

از طرفی به نظر می‌رسد که پیشنهاد ازدواج از طریق وساطت در جامعه ما از ثبات و ماندگاری بهتری برخوردار باشد و تمامی چارچوب‌های عقلی و عرفی و حفظ شئون زن و مرد در این نوع ازدواج حفظ شود.

پیشنهاد ازدواج به درخواست همسر اول در جامعه ما توصیه نمی‌شود با توجه به حسادت در زنان که این امر باعث اختلاف و کشمکش و درگیری و نهایتاً جدایی می‌شود اما پیشنهاد از سوی زن گر چه از نظر قرآن کریم و همچنین دین اسلام منعی ندارد اما با توجه به اینکه این امر برخلاف فطرت زن است و زن دوست دارد همیشه مورد معشوق واقع قرار گیرد توصیه نمی‌شود. چنان‌که در داستان حضرت موسی (ع) آمده بود هنگامی دختر شعیب حسن اخلاق و رفتار حضرت موسی (ع) را مشاهده کرد شیفته وی شد از پدرش تقاضا کرد که در امر پیشنهاد ازدواج او واسطه شود و خودش مستقیماً پیشنهاد ازدواج نداد.

زنان هبه‌ای هم با توجه به اختصاصاتی که پیامبر گرامی اسلام دارد این نوع ازدواج هم تنها به ایشان اختصاص داشت و شامل افراد عادی نمی‌شود.

با پیشرفت علوم به‌ویژه علم روان‌شناسی که کارش بررسی اختلال‌های روانی آدمی و بهبود شرایط زندگی است نیز به روابط زن و مرد و به تبع آن مباحث مربوط به ازدواج مورد توجه قرار گرفته است. علم روان‌شناسی نیز انواع پیشنهاد‌های ازدواج را مورد بررسی قرار داده است که نتایج آن در مباحث مربوط به ازدواج حائز اهمیت است.

از نظر علم روان‌شناسی پیشنهاد از طرف دختر و پسر بدون واسطه، به‌نوعی ازدواج مدرن است و از آنجایی‌که در این نوع ازدواج دختر و پسر قبل از ازدواج باهم باید ارتباط برقرار کنند و رفت‌وآمد دوستانه داشته باشند ممکن است آسیب‌هایی به دنبال داشته باشد بنابراین توصیه نمی‌شود.

از منظر علم روان‌شناسی نمی‌توان گفت که کدام‌یک از روش‌های پیشنهاد ازدواج بهتر باشد اما از آنجایی‌که تأکید روان‌شناسی بر مسئله عشق و نیاز جنسی است از این‌رو روش‌های جدید پیشنهاد ازدواج بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. البته به نظر می‌رسد نگاه قران و روایات هم نسبت به عشق چندان منفی نیست با توجه به دو داستان عاشقانه که در قران کریم به آن‌ها اشاره شده است ۱- داستان حضرت یوسف با زلیخا که عشق در آن بسیار پررنگ است ۲- داستان حضرت موسی (ع) با شعیب که عشق در آن کم‌رنگ‌تر است و در هر دو داستان زنان عاشق مردان خود شده‌اند بنابراین از نظر قران کریم و علم روان‌شناسی پیشنهاد از سوی زن مانعی ندارد هر چند تأکید علم روان‌شناسی بر این روش بیشتر است.

چنین به نظر می‌رسد که دلیل تأکید روان‌شناسی بر این روش‌ها همان وجود تفاوت‌های روان‌شناختی‌ای است که بین زن و مرد وجود دارد که از جمله این آن‌ها می‌توان به ویژگی‌های زیستی و عاطفی اشاره کرد. با توجه به این‌که زنان احساسات و عواطف فوق‌العاده‌ای که دارند و این امر باعث نگرش و رفتارها و نیازهای ویژه‌ای در وجود آنان می‌شود بنابراین بهتر است پیشنهاد ازدواج از سوی مرد باشد که این امر ظرافتی روان‌شناختی است.

با توجه به پیشنهاد ازدواج از سوی پدر دختر که این امر هم بر نکته‌ای روان‌شناختی تأکید می‌کند و از آنجایی‌که زن نماد احساس و عاطفه در خلقت شناخته شده است و احتمال انتخابی نادرست دارد و ممکن است لطمات جبران‌ناپذیری به کانون خانواده وارد کند بهتر است پیشنهاد از سوی پدر دختر باشد. البته از نظر اسلام جایز نیست پدر بدون اجازه دختر قول همسری او را به مردی بدهد بنابراین رضایت دختر شرط لازم برای ازدواج می‌باشد و پدر نمی‌تواند بر دختر ازدواج را تحمیل کند پس از نظر اسلام و علم روان‌شناسی ازدواج اجباری قابل قبول نمی‌باشد.

خدمات پژوهشی مهرگان در ایتا و تلگرام

۵-۲- پیشنهادات

با توجه به اینکه ازدواج مدرن (پیشنهاد از طرف دختر و پسر بدون وساطت) تأثیر مثبتی در برخی از ابعاد کارکردهای خانواده دارد توصیه می شود با توجه به فرهنگ و سنت های هر منطقه ای زمینه این گونه ازدواج فراهم گردد.

به نظر می رسد هنوز جای تحقیق و پژوهش در زمینه الگوهای پیشنهاد ازدواج در روان شناسی و ظرافت های آن وجود داشته باشد و ان شاءالله در پژوهش های آینده این امر محقق گردد.

خدمات پژوهشی مهرگان در ایتا و تلگرام

منابع

✽قرآن

✽نهج البلاغه

✽ کتاب مقدس (عهدقدیم، عهدجدید).

ابن فارس، احمد بن فارس. (۱۴۰۴). معجم مقاییس اللغة. قم: انتشارات مکتب الاعلام الاسلامی.

ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.

ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۹۵). کمال الدین. تهران: انتشارات اسلامیه.

اسدی بیدمشکی، نجمه. (۱۳۹۰). بررسی دوستی‌های قبل از ازدواج و رضایت‌مندی زندگی زناشویی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.

اسلامی پناه، هادی. (۱۳۸۴). «ازدواج پژوهی در آیات الهی» مطالعات راهبردی زنان، شماره ۲۷، بهار ۱۳۸۴. صص ۱۱-۴۷.

اسماعیلی و دهدست. (۱۳۹۳). «ارائه طرحی مفهومی از رابطه تعارض‌های دوران نامزدی (پیش از ازدواج) با رضایت زناشویی (پس از ازدواج)» فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، سال چهارم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۳. صص ۴۰۶-۴۴۵.

آنترمن، آلن. (۱۳۸۵). باورها و آیین‌های یهودی. ترجمه‌ی رضا فرزین، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.

بروجردی، آقا حسین. (۱۳۸۶). جامع احادیث الشیعه. تهران: انتشارات فرهنگ سبز.

بروجردی، آقا حسین. (۱۳۸۶). منابع فقه شیعه. تهران: انتشارات فرهنگ سبز.

بروجردی، محمدابراهیم. (۱۳۶۶). تفسیر جامع. تهران: انتشارات کتابخانه صدر.

بستانی، فواد افرام. (۱۳۷۵). فرهنگ ابجدی. ترجمه مهیار، تهران: اسلامی.

بوجاری، سهیلا. (۱۳۹۲). «بررسی تطبیقی جایگاه و اهمیت ازدواج و تشکیل خانواده در اسلام و یهود». معرفت ادیان، سال چهارم، شماره سوم، بهار ۱۳۹۲. صص ۱۷-۳۶.

پطرس، فرماج. (۱۸۸۲). ایضاح التعلیم المسیحی، مطبعه الاباه المرسلین السیوعین.

تارین، سرکوت. (۱۳۸۸). بررسی نگرش جوانان به ازدواج و طلاق و رابطه‌ی آن با مؤلفه‌های محیط خانواده، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.

ثمری صفا، جعفر. (۱۳۹۴). تدوین الگوی گرایش به ارتباط قبل از ازدواج بر اساس سبک‌های زندگی و میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی در بین دانشجویان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.

- جزایری، نعمت‌الله بن عبدالله. (۱۳۸۱). قصص الانبیاء، تهران: فرحان.
- جواهری محمدی، مریم. (۱۳۹۳). مقایسه رضایت زناشویی و بهزیستی روان‌شناختی در زوجین با همسرگزینی سنتی و غیر سنتی در شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- دیلمی، حسن بن محمد. (۱۴۱۲). ارشاد القلوب. قم: انتشارات الشریف الرضی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲). المفردات. بیروت - دمشق: دارالشامیه.
- رشید پور، مجید. (۱۳۷۶). مراحل ازدواج در اسلام. انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- زینتی، علی. (۱۳۸۴). «فلسفه‌ی ازدواج در اسلام و مسیحیت». مطالعات راهبردی زنان، شماره ۲۷، بهار ۱۳۸۴، صص ۱-۴۰.
- شادمهر، سمیه. (۱۳۹۰). مقایسه شیوه‌های همسرگزینی سنتی و غیر سنتی و نقش آن در رضایت زناشویی در بین زنان متأهل شاغل در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- شایان مهر، علی‌رضا. (۱۳۷۷). دایره المعارف تطبیقی علوم اجتماعی. تهران: کیهان.
- شریف پور، فرزانه. (۱۳۹۴). بررسی کیفی نقش روابط قبل از ازدواج بر رضایت زناشویی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- شعیری، محمد بن محمد. جامع الاخبار. نجف: انتشارات مطبعه حیدریه، بی‌تا.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی. (۱۳۷۵). ارمغان شهید. قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- شیخ حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹). وسائل الشیعه. قم: انتشارات موسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
- شیرنژاد، حسین‌علی. (۱۳۸۳). بررسی عوامل مؤثر بر نگرش دانشجویان نسبت به ازدواج و همسرگزینی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- صادقی فر، اکرم. (۱۳۸۷). بررسی وضعیت عشق در ازدواج و چگونگی تغییر آن در طول زندگی مشترک. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- صاحب‌الزمان، رؤیا. (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی جایگاه و احکام مناقشه برانگیز زن در قرآن کریم، اوستا، تورات و انجیل. دانشگاه ولی‌عصر (عج) رفسنجان.
- طباطبائی، محمدحسین. (۱۳۹۰). المیزان فی التفسیر القرآن. بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، حسن بن فضل. (۱۴۱۲). مکارم الاخلاق. قم: الشریف الرضی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع‌البیان. تهران: انتشارات ناصر خسرو.

- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۷). ترجمه تفسیر جوامع الجامع. ترجمه‌ی احمد میری شادمهری. مشهد مقدس: آستان قدس رضوی.
- طوسی، محمد بن الحسن. (۱۴۰۷). تهذیب. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- طوسی، محمد بن الحسن. (۱۴۱۴). الامالی للطوسی. قم: دارالثقافه.
- عاملی، ابراهیم. (۱۳۶۰). تفسیر عاملی. تهران: کتابفروشی صدوق.
- غلامزاده جفری، مریم. (۱۳۹۵). مقایسه‌ی هدفمندی کارکردهای ازدواج در افراد متأهل راضی و ناراضی و بررسی ارتباط آن با نشاط. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- غلامی، لیلا. (۱۳۸۶). مقایسه معیارهای همسرگزینی در بین دختران و پسران زیر بیست (۱۷ تا ۲۰ سال) و بالاتر (۲۱ تا ۳۵ سال). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- فاریابی و زارع محمودآبادی. (۱۳۹۴). «بررسی و مقایسه سازگاری زناشویی، شادکامی و میل به طلاق در ازدواج‌های سنتی و غیر سنتی شهر یزد». ماهنامه علمی پژوهشی، طلوع بهداشت. سال چهاردهم، شماره سوم، مرداد و شهریور ۱۳۹۴ صص ۸۳-۹۴.
- فتحی، الهام. (۱۳۹۵). تدوین و اعتبار یابی الگوی آماده‌سازی ازدواج مبتنی بر مقایسه‌ی عوامل مؤثر در ازدواج‌های رضایتمند و ناراضی‌تمند. پایان‌نامه دکتری، دانشگاه علامه طباطبائی.
- قرشی بنابی، علی اکبر. (۱۳۷۵). تفسیر احسن الحدیث. تهران: انتشارات بنیاد بعثت.
- قرشی بنابی، علی اکبر. (۱۴۱۲). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- قمی، عباس. (۱۴۱۴). سفینه البحار. قم: انتشارات اسوه.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷). الکافی. تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- کهن، آبراهام. (۱۳۸۲). گنجینه‌ای از تلمود. ترجمه‌ی فریدون گرگانی، تهران: اساطیر.
- گیتی پسند، زهرا. (۱۳۹۳). بررسی و مقایسه معنای زندگی زوجین رضایتمند و ناراضی‌تمند زناشویی و ارائه الگوی معنای زندگی رضایت‌بخش. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- لطفی، اسدالله و قربانی، فتح‌الله. (۱۳۸۸). خواستگاری از دیدگاه فقه مذاهب اسلامی. دو فصلنامه بانوان شیعه. شماره ۲۰. تابستان ۱۳۸۸. صص ۹۵-۶۵.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳). بحار الانوار. بیروت: انتشارات دار احیاء التراث العربی.
- محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۸۸). تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث. موسسه‌ی علمی و فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر.
- محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۵۱). میزان الحکمه. ترجمه‌ی حمیدرضا شیخی، تهران: دارالحدیث.
- مصطفوی، حسن. (۱۳۶۸). التحقیق تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مغنیه، محمدجواد. (۱۴۲۴). تفسیر کاشف. قم: دارالکتب الاسلامی.

مقدور ممکن، گرمان. (۱۳۹۳). اثر بخشی آموزش ذهن آگاهی بر تغییر نگرش‌های ناکارآمد انتخاب همسر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.

مقدس اردبیلی، احمد. (۱۳۷۱). زبده البیان فی الاحکام القرآن. تهران: المکتبه المرتضویه، بی‌تا.

مکارم شیرازی، ناصر. تفسیر نمونه. تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.

مهرابی زاده هنرمند، داوودی، ایران. (۱۳۸۵). ملاک‌های همسرگزینی از نظر دانشجویان مجرد دانشگاه شهید چمران اهواز، مجله‌ی پژوهش‌های تربیتی و روان‌شناختی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه اصفهان، سال دوم، شماره دوم، صص ۲۳-۴۴.

نجفی، محمدحسن. (۱۳۶۵). جواهر الکلام. مکتبه الاسلامیه.

نجفی، محمدحسن. جواهر الکلام. بیروت: داراحیا التراث العربی، بی‌تا.

نوری، حسین بن محمد. (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل. قم: انتشارات موسسه آل البيت علیهم‌السلام.

هنر پروران، نازنین. (۱۳۹۵). مقایسه ثبات ازدواج و مؤلفه‌های عشق در دانشجویان با ازدواج سنتی و غیر سنتی دانشگاه‌های آزاد اسلامی استان فارس. ویژه‌نامه زن و جامعه زمستان ۱۳۹۵ صص ۱۷-۲۷.

یوسفی سهرابی، نوید. (۱۳۹۵). مقایسه تعهد، ثبات و رضایت زناشویی در مردان متأهل با توجه به روابط پیش از ازدواج. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.

Brooks p (2006). Aqualitative study of factors that contribute to satis faction and Resiliency In Long-Tem African American Marriages. Unpublished Doctoral Dissertation proQuest Disser Tations And Theses Our Lady Of The Lake Aniversity

Carroil J. S. Badger S. Willoughby B. Nelson L.J. Madsen S.D. & Barry Com (2009). Ready Or not? Criteria For Marriage Readiness Among Emerging Adults. Journal Of Adolescent Research 24 -349-375

Gottman J.m (1999). The Marriage Clinic: Ascientifically –Based Marital Therapy. Ww Norton & Company.

Johnson H. A (2005). The Contribution Of Couple Leisure Invdvement Leisure Time And Leisure Satis Faction To Marital Satis Faction M.A. Dissertations Brigham Young University.

Macfarlane J (2012). Islamic Divorce In North America: A shari A pathina Secular Society. Oxford University Press.

Olson D. H (2008). Prepare Enrich Couples Work book. Minneapolis MN: Life Innovutions Inc.

خدمات پژوهشی مهرگان در ایتا و تلگرام

- Perel E (2000). A Tourist View Of Marriage: Crooss Cultural Couples Challenges Choices Implications In p.Papp(Ed). New york NY:Gailford press.
- Sternberg R. J. And Dobson D.M (1987). Resolving In terpersonal Conflicts An Analysis Of Styllstic Consistency. Joulal Of Personality And Social Psychology.

دسترسی به این مدرک بر پایه آیین‌نامه ثبت و اشاعه پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحریکات تخصصی و طبیعت است. این مدرک از تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶ (۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای اهداف علمی، پژوهشی، و برپایی بر پایه قانون حمایت از مؤلفان، مستفاد، هنرپایان (۱۳۴۴) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شمرده است.

دست‌رسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌ها تحت‌بلا تکرار و مصدق از سوی هیئت مدیرهٔ انجمن علوم و فنآوری (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری) و هیئت مدیرهٔ انجمن علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای اهداف علمی، آموزشی، و پژوهشی و برای تأیید اعتبارات علمی، پژوهشی، و حرفه‌ای مجاز است. (مجلس، ۱۳۹۴) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شمرده است.